

همراه قاصدان نور در هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم

# نسیم رحمت خدا در مصلا



نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، نسیمی که همه ساله عطر خوش رمضان را زودتر از فرا رسیدن این ماه پربرکت در فضای جامعه پراکنده می‌سازد، امسال شش روز زودتر به مصلا راه یافت. این نمایشگاه در فضای جامع پراکنده می‌سازد، امسال شش روز زودتر به مصلا راه یافت.

# کتابخانه

شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۸  
۱۴۳۰، ۲۲ آگوست ۲۰۰۹  
شماره ۱۹۵، پیاپی ۸۴۶  
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



نگاهی  
به دورمان  
ویلیام ترور  
۲۳



بازار سیاه  
ظلمی است  
به شأن سپید کتاب  
۱۶



دکتر پرویز:  
ارشاد مجری است  
نه سیاستگذار  
۶

## سرآغاز

### هنگام بهار کتاب خدا

با دستانی که میلی به سوی پلیدی ندارند، پاک‌ترین کتاب هستی را برمی‌داری و می‌گشایی. بانگاهی که پاکی چشمه‌ساران به طهارت آنها غبطه می‌خورند. به کلمات نورانی قرآن کریم می‌نگری. لبان خشکیده از طعم بی‌گناهی را به ترنم خوانش کلمات حق تعالی باز می‌کنی؛ «بسم الله الرحمن الرحیم»...  
رمضان آغاز شده است، همان که بهار قرآن و ماه خدا نام دارد. دل پاک، دستان پاک، چشمان و نگاه پاک، زبان و لب‌های پاکیزه از هر آلودگی؛ حتی طنین صدای برپاکی تارهای حنجره روزه دار گواهی می‌دهد. می‌خوانی: «انانزله فی لیلة القدر». می‌خوانی و اوج می‌گیری تا آنجا که خداوند می‌فرماید: «و ما ادراک ما لیلة القدر» به یاد جمله مشهور پیامبر (ص) گرانقدرت می‌افتی که در بارگاه حق تعالی فرمود: «رب زدنی تحیرا».  
با همه آن پاکی‌ها به خواندن ادامه می‌دهی: «لیلة القدر خیر من الف شهر». بخوان و اوج بگیر که رمضان، بهار کتاب خداست.

## دبیر علمی ششمین دوره جشنواره نقد کتاب خبر داد

### افزایش مقالات شرکت‌کننده در جشنواره نقد کتاب

قبل به عنوان دبیر علمی جایزه کتاب سال شاهد بودم که بعضی از آثار دینی با کیفیتی پایین منتشر می‌شدند و در عین حال آثار فراوانی از روی آثار دیگر رونویسی شده یا گردآوری مطالب از منابع دیگر بودند و به مسائل و دغدغه‌های روز جامعه دینی نمی‌پرداختند. اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، در حوزه دین پژوهی، سطح کیفی آثار افزایش داشته و در این زمینه پیشرفت داشته‌ایم.»  
او جیبی تصریح کرد: «در دوره‌های گذشته جشنواره نقد کتاب، خلأ و کمبود منابع و مقالات تخصصی را در زمینه آموزش و اخلاق نقد احساس کردیم که پارسال با انتشار کتاب «کتاب نقد، نقد کتاب» با استفاده از مقالات صاحب‌نظران، تلاش داشتیم این کمبود را در این حوزه رفع کنیم و هرچند کتاب یاد شده، مجموعه‌ای از مقالات منتشر شده بود، اما با استقبال مواجه شد.»



او جیبی همچنین تصریح کرد: «تصمیم داریم برای نخستین بار مقالات اختصاصی را در حوزه مبانی و آموزش نقد منتشر کنیم. این مجموعه با سفارش دبیرخانه جشنواره نقد و با همکاری گروهی از اندیشمندان، صاحب‌نظران و منتقدان فراهم آمده و در قالب دفتر اول «عیار نقد» منتشر خواهد شد.»

ادامه در صفحه ۲

علی اوجبی، دبیر علمی ششمین جشنواره نقد کتاب، از افزایش مقالات رسیده به دبیرخانه این جشنواره خبر داد. به گفته وی، تاکنون حدود ۷۰۰ مقاله از بیش از ۸۰ نشریه به دبیرخانه جشنواره نقد کتاب رسیده است و افزایش مقالات ارسال شده به این جشنواره، در بعضی از حوزه‌ها چشمگیر بوده است.  
وی در این باره به کتاب هفته توضیح داد: «پارسال در حدود ۶۵۰ مقاله از ۷۹ نشریه به دبیرخانه جشنواره رسیده بود ولی در سال جاری، تاکنون حدود ۷۰۰ مقاله از ۸۰ نشریه ارسال شده است. همچنین در برخی حوزه‌ها مانند هنر، مقالات ارسال شده به جشنواره حدود چهار برابر سال گذشته است.»

به گفته او جیبی، حوزه‌هایی مانند کودک و نوجوان، ادبیات فارسی، علوم اجتماعی و کلیات نیز از جمله حوزه‌هایی بودند که مقالات بیشتری نسبت به سال گذشته داشته‌اند اما مقالات رسیده به این جشنواره در حوزه دین نسبت به پارسال کاهش داشته است.  
وی درباره کاهش مقالات در حوزه دین گفت: «این کاهش را می‌توان معنادار تحلیل کرد و امیدواریم تفسیر این کاهش، ارتقای سطح کیفی آثار دینی نسبت به سال‌های قبل باشد که این باعث شده نقد کمتری درباره آنها نوشته شود.»  
دبیر علمی دومین جشنواره نقد کتاب تصریح کرد: «در سال‌های

۲ آثار ۴۰ پیشکسوت ادبیات انقلاب منتشر می‌شوند

۳ • سومین کتاب نویسنده آمریکایی درباره ماه رمضان • «نبرد من» هیتلر هنوز در درس می‌سازد

۴ مهدی آذریزدی همه را دور هم جمع کرد

من در اثر کثرت برخورد بارمان های گوناگون، می توانم نظر بدهم. در طول این سالیان سی چهل ساله عمرم که با کتاب قصه سر و کار داشته ام، شاید هزارها قصه از بهترین نویسندگان دنیا خوانده ام.

... بهترین قصه هایی که مضمونی را... در خودشان می پروراند، آن قصه هایی هستند که... تمام این موارد در آنها وجود دارد و خودش را نشان نمی دهد، چنان چه شما در قصه یک نکته را درشت کردید و مشخص شد که جهت گیری قصه به سمت آن است، قصه خراب خواهد شد. **بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مدیران و برنامه سازان گروه تلویزیونی شاهد ۱۳۷۲/۱۰/۱۳**

### نهج البلاغه همراه در نمایشگاه قرآن

**اینا -** مجموعه ۱۲ جلدی «نهج البلاغه همراه» از سوی بنیاد بین المللی نهج البلاغه در نمایشگاه بین المللی قرآن عرضه شد. این مجموعه با هدف سهولت در استفاده به صورت کم حجم و موضوعی تنظیم شده است.

مدیر فروش بنیاد بین المللی نهج البلاغه با اشاره به ارائه این مجموعه در نمایشگاه بین المللی قرآن، گفت: «نهج البلاغه همراه» به صورت موضوعی خطبه ها و نامه های امیر المومنین (ع) را درباره موضوعاتی نظیر «خودسازی در جوان ها»، «درس های زندگی»، «فرمان به مالک اشتر»، «روایتی از همارود انسان با ابلیس» و «آرگرازی امانت الهی است» را بازگو می کند. محمد صفری افزود: «این مجموعه برای کم حجم بودن، فاقد متن عربی و بهای دوره دوازده جلدی آن ۸۵۰۰۰ ریال است. البته انتشار دوره عربی این مجموعه در دستور کار بنیاد قرار دارد و به زودی منتشر خواهد شد.»

### ترجمه ای دیگر از قرآن

**ایکنا -** غلامرضا لایقی، همزمان با انتشار ترجمه اش از «شرح ابن ابی الحدید از نهج البلاغه»، از پایان یافتن ترجمه خود از قرآن کریم خبر داد. او گفت: «قرآن برای همه» ترجمه ای است از قرآن کریم که به زبان معیار امروز بر اساس واژگان و عبارت های استاندارد فارسی که در میان مخاطبان تکلم می شود، تهیه شده و جزء نخست آن مراحل اداری انتشار راطی می کند. لایقی، همچنین درباره تازه ترین اثر منتشر شده اش که شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید دانشمند بزرگ اهل سنت است، گفت: «شرح ابن ابی الحدید کامل ترین شرح تاریخی و اعتقادی بر نهج البلاغه حضرت علی (ع) است که این دانشمند بزرگ قرن پنجم آن را در بیست جزء به تالیف رسانده است.»

### بانک جامع قرآنی

#### در نمایشگاه بین المللی تهران

**ایکنا -** موسسه قرآنی نور به نمایندگی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، طرح پژوهشی نخستین بانک جامع قرآنی کشور را طراحی کرده و در نمایشگاه قرآن کریم در معرض نمایش قرار داده است.

محسن رایشکی مدیر مسوول موسسه قرآنی نور در این باره گفت: «این بانک اطلاعاتی به صورت یک نرم افزار اینترنتی متشکل از بزرگ ترین و جامع ترین کتابخانه دیجیتال قرآنی، بزرگ ترین خبرگزاری قرآنی کشور، بانک مقالات، نشریات و دانشگاه علوم قرآنی است.»

وی افزود: یکی از مهم ترین اهداف طراحی این بانک اطلاعاتی، اصلاح الگوی مصرف قرآنی است. برای تالیف یک جلد کتاب قرآنی با شمارگان بالا در کشور هزینه زیادی صرف می شود و در نهایت نیز به دست تمامی مصرف کنندگان با هزینه مناسب نمی رسد، در حالی که در دنیای مجازی، تمام اطلاعات، راحت و رایگان در اختیار مردم قرار می گیرد.»

### زنوزی جلالی:

# آثار ۴۰ پیشکسوت ادبیات انقلاب منتشر می شوند



گرمارودی و عزیزانی از این دست که در جامعه ادبی ما در رشته شعر یا داستان یا نقد شناخته شده اند را می توان جزو پیشکسوتان دانست.»

وی در پاسخ به سوال دیگری که آیا این طرح

مجموعه آثار ۴۰ پیشکسوت ادبیات ایران در حوزه های شعر، داستان کوتاه، رمان و نظریه های ادبی از سوی انجمن قلم ایران منتشر می شوند. فیروز زنوزی جلالی عضو انجمن قلم ایران در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر، بر ضرورت چاپ آثار پیشکسوتان و غنی سازی کتابخانه های کشور با این آثار تاکید کرد و گفت: «در کتابخانه های کشور، کمتر با آثار نویسندگان، فرهیختگان و پیشکسوتان روبه رو می شویم و اگر هم کارهایی را ببینیم، غالباً دارای فرمت زیبا و واحدی نیستند به همین دلیل انجمن قلم با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصمیم گرفت آثار پیشکسوتان را برای کتابخانه های کشور چاپ کند.»

زنوزی جلالی در پاسخ به این سوال که این نویسندگان بر اساس چه ملاک هایی انتخاب می شوند؟ گفت: «پیشکسوت بودن، معیارهایی دارد از جمله این که سنشان بالای ۵۰ سال باشد و از لحاظ مدرک علمی، مدرک درجه یک یا درجه دو داشته و در جامعه ادبی هم شناخته شده باشند؛ برای مثال افرادی مثل میثاق امیرفجر یا علی موسوی

### دو اثر تالیفی جدید از دکتر حکمت

## خوانشی جدید از متافیزیک ابن سینا

«درآمدی به متافیزیک ابن سینا» و «نقش خیال در فلسفه فارابی» عنوان دو کتاب جدید از دکتر نصرالله حکمت است که تا چند ماه آینده از سوی انتشارات حکمت روانه بازار کتاب خواهد شد.

دکتر نصرالله حکمت استاد فلسفه و عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی در گفت و گو با کتاب هفته درباره کتاب «درآمدی به متافیزیک ابن سینا» گفت: «این کتاب خوانش خاصی از ابن سینا و شامل شش فصل است که فصل اول آن درباره فارابی است یعنی من با بحث مختصری درباره فارابی نشان داده ام که چگونه ابن سینا بسیار مرتبط و متصل به فارابی بوده و در بسیاری از ابعاد، اندیشه اش تحت تأثیر فارابی و مدیون او بوده است.»

مدیر انتشارات حکمت درباره موضوع فصل های دیگر این کتاب اظهار داشت: «در فصل دوم با عنوان «ما بعدالطبیعه یا متافیزیک چیست؟» دیدگاه ابن سینا را در این باره آورده ام. فصل سوم هم وجود شناسی است که مشتمل بر دو بحث کلیدی ابن سینا یعنی تمایز وجود از ماهیت و دیگری عروض وجود بر ماهیت است. به گفته دکتر حکمت، معرفت شناسی ابن سینا، عرفان ابن سینا و بحثی در ساختار کتاب شفا و اشارات، مباحث فصول پایانی این کتاب را تشکیل می دهند.

مؤلف کتاب «علم اصول» درباره دیگر اثر در دست تالیف خود «نقش خیال در فلسفه فارابی» نیز یادآور شد: «این کتاب در واقع حلقه دوم سلسله مطالعاتی درباره فارابی است که جلد نخست آن با عنوان «زندگی و اندیشه حکیم ابونصر فارابی» چاپ شد.»

دکتر حکمت با تاکید بر این نکته که در این کتاب به طور مشخص به فلسفه فارابی پرداخته، اظهار داشت: «این کتاب یک خوانش کاملا متفاوت از آن چیزی است که درباره فارابی رایج و متداول است به این معنا که در آن، نکات جدیدی را در مورد اندیشه و فلسفه فارابی آورده ام.»

## افزایش مقالات شرکت کننده در جشنواره نقد کتاب

ادامه از صفحه اول

عنوان و نویسنده برخی از مقالات این کتاب عبارتند از: «چستی نقد و بایسته های آن» نوشته رضا داوری اردکانی، «آسیب شناسی نقد ادبی در ایران» نوشته احسان عباسلو، «نقد اصول، نتایج و انواع آن» نوشته مصطفی ذاکری، «ضرورت و فواید نقد» نوشته هرمز همایون پور، «وحدت اثر و ادبیات» نوشته عبدالعلی دستغیب، «اصول نقد تصحیح دیوان حافظ» نوشته سیدعلی محمد رفیعی، «نقد به مثابه عمل نظری» نوشته حمید عبداللهمی، «کشف بینامتنی، چگونگی پیدایش و گسترش یک نظریه و نقد» نوشته بهمن نامور مطلق، «نقد بینارشته ای» نوشته احمد شاکری، «نقد فلسفی» نوشته علی اوجبی، «نقد در ترازوی اخلاق» نوشته احد فرامرز قراملکی، «کلیات نقد» نوشته میر جلال الدین کزازی، «کنکاش در هزارتوی روان آدمی» نوشته فرحناز علیزاده، «پروکرستس دیو و عرصه نقد معاصر» نوشته فیروز زنوزی جلالی، «نقد فمینیستی» نوشته مریم حسینی و «اخلاق نقد» نوشته سید حسن اسلامی.

وی همچنین از مذاکره با چند تن از صاحب نظران برای انتشار کتابی درباره اخلاق نقد در سال آینده خبر داد. براساس آمار دبیرخانه ششمین جشنواره نقد کتاب، تاکنون حدود ۷۶ مقاله در حوزه کلیات، ۴۹ مقاله در حوزه فلسفه، ۴۸ مقاله در حوزه دین، ۸۲ مقاله در حوزه علوم اجتماعی، ۱۱ مقاله در حوزه علوم و فنون، ۸۴ مقاله در حوزه هنر، ۶۲ مقاله در ادبیات داستانی، ۶۷ مقاله در حوزه ادبیات فارسی، ۷۶ مقاله در حوزه شعر، ۹۰ مقاله در حوزه تاریخ، ۵۳ مقاله در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و دو مقاله در حوزه ادبیات عرب به این جشنواره ارسال شده است.

وی درباره ترکیب داوران افزود: «در این دوره نیز به چند دلیل تغییر در ترکیب هیأت داوران ضروری به نظر می رسید؛ نخست به دلیل آن که برخی از داوران خود مقاله داشتند و طبیعتاً نمی توانستیم از وجودشان بهره مند شویم و دوم این که تنوع برخی از رشته ها همانند هنر اقتضا می کرد که از داوران متخصص آن حوزه استفاده کنیم.»

به گفته او جبی به دلیل تغییر آیین نامه این جشنواره، تنها مقالات منتشر شده در نشریات در این جایزه ادبی به رقابت خواهند پرداخت و کتاب های حوزه نقد به دلیل داوری در جوایزی چون جلال و کتاب فصل مورد ارزیابی قرار نخواهند گرفت.

به نوعی تکرار طرح صد داستان و صد شعر نشر تکا نیست؛ اظهار داشت: «به نظر من در این عرصه ها هر قدر کار شود، باز هم کم است. ما در کتابخانه ها از نویسندگان شاخص مان آثار کمی داریم اما باید پذیرفت که کتابخانه ها احتیاج دارند به روز شوند تا اگر مخاطبان خواستند به یک نویسنده مشخص مراجعه کنند، با مجموعه آثار او روبه رو شوند و طبیعتاً چنین هدفی، فعالیت گسترده ای می طلبد. یعنی برای مثال اگر خود من یک مجموعه داستان به تکا دادم، الان در پروژه پیشکسوتان مجموعه کارهای دیگر من چاپ می شود که کارهایی متفاوتند و در واقع این طور نیست کاری که در تکا انجام شده، دوباره تکرار شود.»

عضو انجمن قلم ایران در پایان با یادآوری این که این طرح به تازگی کلید خورده، درباره چاپ آثار شاعران و نویسندگانی که در قید حیات نیستند نیز تصریح کرد: «چاپ آثاری از این دست منوط به اجازه وارث یا وارثان آن هنرمند است که در این صورت نیز قراردادی مکتوب با رعایت تمام موازین قانونی با آنها منعقد می شود.»

### سازمان تبلیغات اسلامی راه اندازی کرد

## نخستین نمایشگاه مجازی کتاب

نخستین نمایشگاه مجازی کتاب با هدف توسعه فرهنگ کتابخوانی و دسترسی آسان به آثار منتشر شده در سراسر کشور از سوی سازمان تبلیغات اسلامی راه اندازی شد.

مدیر روابط عمومی نمایشگاه مجازی کتاب در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر، از ورود اطلاعات ۳۰ هزار کتاب به سایت این نمایشگاه خبر داد و درباره دلایل راه اندازی این نمایشگاه اظهار داشت: «احساس نیاز به سیستم یکپارچه فروش و دسترسی آسان مخاطبان به تمامی کتاب های منتشر شده، مهم ترین دلیلی بود که ما را بر آن داشت تا تحقیقات و بررسی های فنی و کارشناسی در این زمینه را در دستور کار خود قرار دهیم.»

علیرضا مزرعتی گفت: «نمایشگاه مجازی کتاب بر اساس آخرین تکنولوژی های روز دنیا و مبتنی بر رفع نیاز مخاطبان طراحی و برای مشارکت ناشران در این طرح مذاکراتی انجام شده است.»

توجه به اقتصاد و مهندسی فرهنگی بنا بر توصیه مقام معظم رهبری و زمینه سازی اصلاح الگوی مصرف و توسعه فرهنگ استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات در راستای پیشبرد اهداف دولت الکترونیک از دیگر شاخص های مورد اشاره مدیر روابط عمومی نمایشگاه مجازی کتاب بود.

مزرعتی یادآور شد: «در این نمایشگاه مجازی بازدیدکنندگان می توانند بدون محدودیت زمان و مکان در هر ساعت از شبانه روز نسبت به تهیه کتاب خود اقدام کنند و عوامل اجرایی نمایشگاه در کوتاه ترین زمان ممکن سفارش ها را به نشانی درخواستی آنها ارسال می کنند.»

خرید اینترنتی کتاب با تخفیف ۱۰ درصدی، سهولت دسترسی به کتاب و منابع اطلاعاتی، نقد و بررسی تخصصی کتاب ها توسط کاربران، ارائه اخبار و اطلاعات آخرین کتاب های منتشر شده و ارسال کتاب به سراسر کشور در کمترین زمان توسط پست از دیگر مواردی است که مزرعتی از آنها به عنوان ویژگی های مهم این نمایشگاه نام برد.

مدیر روابط عمومی نمایشگاه مجازی کتاب تاکید کرد: «ناشرانی که تمایل به حضور در این نمایشگاه دارند می توانند با شماره های ۵ - ۸۹۳۰۷۶۱ تماس بگیرند.» این نمایشگاه مجازی در نشانی اینترنتی [www.book42.ir](http://www.book42.ir) قابل مشاهده است.»

# سومین کتاب نویسنده آمریکایی درباره ماه رمضان

یک نویسنده مسلمان آمریکایی که تا کنون دو کتاب درباره ماه رمضان نوشته، سومین کتابش را هم با همین موضوع و با نام «یک میهمانی در ماه رمضان» منتشر کرد.

به گزارش سایت اینترنتی کلبولند، خانم دکتر «اسماء مبین الدین» پزشک اوهایو و رئیس شعبه دولتی شورای روابط آمریکا و اسلام، که تلاش کرده زندگی مسلمانان آمریکا را تشریح کند، تا کنون سه کتاب در زمینه مسائل اسلامی نوشته که دو کتاب مربوط به روزه و ماه رمضان است.

وی معتقد است اغلب غیرمسلمانان، روزه گرفتن در ماه رمضان را نوعی رنج کشیدن می دانند ولی نگاه جامعه اسلامی به روزه کاملاً متفاوت است و آن را نوعی تلاش برای تبدیل شدن به بهترین انسان ممکن تلقی می کند. برای نشان دادن این دیدگاه هم به نوشتن کتاب های داستانی روی آورده است. کتاب نخست او با عنوان «نام من بلال است» راجع به کودک مسلمانی است که نسبت به پذیرش خود توسط همکلاسی هایش نگران است. در این کتاب نویسنده تلاش کرده تا مشکلات مسلمانان آمریکایی را تشریح کند.



کتاب دوم مبین الدین هم با عنوان «بهترین عید دوران» درباره گفتنی های یک خانواده مسلمان در «عید الاضحی» به عنوان بزرگ ترین عید سالانه مسلمانان است.

مبین الدین در کتاب جدید خود با عنوان «یک میهمانی در ماه رمضان» داستان دختر مسلمانسی را شرح داده که همکلاسی هایش او را در ماه رمضان به یک میهمانی دعوت می کنند. این کتاب به عنوان کتاب برگزیده والدین در سال ۲۰۰۹ انتخاب شده است.

مبین الدین در تشریح کتاب اخیر می گوید: «من به کتابی که از نگاه یک کودک خردسال تجربه رمضان و روزه گرفتن را تشریح کرده باشد، بر نخورده بودم، برای همین سعی کردم تا زیبایی، لذت و برکت روزه گرفتن را بیان کنم. کودکان هم دوست دارند در روزه گرفتن شرکت کنند.»

مبین الدین در تشریح ماه رمضان برای مسلمانان می گوید: «رمضان برای بسیاری از مسلمانان، ماه محبوب سال است، چون نوعی احساس بخشش، نیکوکاری و خیرخواهی در آن وجود دارد.»

## صدای یهودیان فرانسه درآمد «نبرد من» هیتلر هنوز در دسر می سازد

دامنه اعتراض به تجدید چاپ «نبرد من» اثر آدولف هیتلر، رهبر آلمان نازی در جنگ دوم جهانی، به فرانسه رسید. انتشار دوباره این کتاب دو جلدی که هیتلر در بخش نخست آن به زندگی خود تا پیش از رسیدن به رهبری حزب نازی و در بخش دوم به مانیفست و تفکر حزبی خود پرداخته، تاکنون در دیگر کشورهای اروپایی و آلمان هم اعتراضاتی را موجب شده است.

به نوشته فیگارو، ناشری در لهستان به جرم تجدید چاپ این کتاب به سه ماه زندان محکوم شده است. انتشار کتاب «نبرد من» دارای منع قانونی در جمهوری فدرال آلمان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی است.

ریچارد پراکسیه، رئیس مجمع موسسه های یهودی فرانسه در گفت و گویی با اکسپرس فرانسه در این باره گفته است: «انتشار کتاب نبرد من، ماجرای بسیار سختی است و این تصمیم در صورت عملی

شدن بسیار دردناک خواهد بود!» این عضو ارشد موسسه های یهودی فرانسه درباره تصمیم همتای آلمانی خود، استفان کرامر، که مخالفتی جدی در برابر تجدید چاپ این کتاب ابراز کرده بود، می گوید: «در واقع، موضع او بسیار جسورانه و شفاف است. تا سال ۲۰۱۵، یعنی ۶۰ سال پس از مرگ هیتلر در سال ۱۹۵۴ حقوق متن همچنان برای مولف کتاب محفوظ است و پس از آن در اختیار عموم قرار می گیرد. در این شرایط در برابر کتاب هایی که به تعبیر او اهداف پلیدی را دنبال می کنند، نمی توانیم کاری انجام دهیم و تجدید چاپ این گونه کتاب ها با توجه به حقوق مولف در سال های باقیمانده امکان پذیر است.»

استفان کرامر دبیر کل شورای مرکزی یهودیان آلمان خواستار چاپ مجدد این کتاب در قالبی دانشگاهی شده بود تا به گفته او، نسل بعدی جوانان آلمانی بیشتر با اندیشه های نازیسم و واقعیت های



آن آشنا شوند.

او در گفت و گو با روزنامه ایندپندنت چاپ انگلیس گفته بود: «نسخه نقد شده تاریخی این کتاب باید چاپ شود تا نئونازی ها با تبلیغ آن سود نبرند.» به عقیده کرامر، خیلی از جوانان از نسخه اینترنتی کتاب استفاده می کنند ولی با ارائه موضوعات مهم این کتاب و حاشیه نویسی بر آن، می توان آنها را از اندیشه های واقعی هیتلر آگاه کرد.

## کتاب زن آمریکایی حقه های مردم میلیارد در افشاش کرد

یک زن آمریکایی با نوشتن خاطرات خود، حقه های یک کلاهبردار میلیارد در آمریکایی را که دو دهه پیش به ۱۵۰ سال زندان محکوم شده بود، فاش کرد.

به گزارش آسوشیتدپرس، شریل واینشتاین کتابی با نام «راز دیگر مادوف: عشق، پول و من» نوشته که قرار است در پایان این ماه میلادی در آمریکا منتشر شود.

او در این کتاب فاش کرد که چگونه با برنارد مادوف، متهم به کلاهبرداری و شیادی به صورت تصادفی برخورد کرده و فریب حقه های او را خورده است. شریل واینشتاین در آن زمان رئیس امور مالی یک سازمان خدمات رانندگی به بانوان بوده است.

او می گوید زمانی که برنارد مادوف به خاطر کلاهبرداری های میلیاردی اش از سوی دادگاه به ۱۵۰ سال حبس محکوم شد، خودش یکی از قربانیان بوده و خواستار اشد مجازات برای این کلاهبردار شده است. اما ملاقات با برنارد مادوف پیش از دستگیری وی، به یکی از شوم ترین روزهای زندگی اش بدل می شود؛ چرا که خسارات مالی این دیدار کمرش را خورد می کند. او خانه اش را در منهتن آمریکا، پسر، همسر و خانواده اش را نیز از دست می دهد.

## نویسنده اسپانیایی جایزه ادبی قذافی را نپذیرفت

یک نویسنده اسپانیایی با نپذیرفتن جایزه ادبی معمر قذافی، دست رد به سینه رئیس جمهور لیبی زد. به گزارش آسوشیتدپرس، ارزش این جایزه ادبی که به نام معمر قذافی هر ساله در کشور لیبی اهدا می شود ۱۵۰ هزار یورو است. امسال برنده این جایزه خوان گویتسولو، نویسنده ۷۸ ساله اسپانیایی و ساکن مراکش بود.

او درباره نپذیرفتن این جایزه گفته است: «چگونه می توانم این جایزه را از قذافی بگیرم در حالی که

www.ibna.ir

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی [www.ibna.ir](http://www.ibna.ir)، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

### وزارت ارشاد تصمیم گیرنده نیست

محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت و گویی با ایبنا، عنوان کرده که این وزارتخانه در جشنواره «ربع قرن کتاب دفاع مقدس» تصمیم گیرنده نیست. اخیراً مسئولان برپایی این جشنواره از عدم همکاری وزارت ارشاد در برگزاری این جایزه گلایه کرده بودند.

پرویز به ایبنا گفته است: «برای این که فعالیت و زحمات مسئولان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در برگزاری جشنواره ربع قرن کتاب دفاع مقدس دچار نقصان نشود، مختصری کمک مالی به این جشنواره اختصاص می دهیم، بدون این که مسئولیتی در برگزاری این جشنواره بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد.» وی همچنین با انتقاد تلویحی از شیوه برگزاری این جشنواره گفته است: «جایزه دادن به یک اثر خاص در حوزه دفاع مقدس، بدون توجه به آثار ارزشمند دیگر، موجب دلخوری خواهد شد.»

در مصاحبه دیگری که در خبرگزاری کتاب ایران منتشر شده، علی شجاعی صائین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب با اشاره به استعفای محمدعلی رضائی فرانی، دبیر هشتمین جایزه ادبی کتاب فصل، گفته است که این جایزه روند طبیعی خود را طی می کند. وی همچنین در این مصاحبه از معرفی دبیر جدید جایزه کتاب فصل ظرف دو هفته آینده خبر داده است. مدیرکل دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در گفت و گو با ایبنا از برگزاری دوره های آموزشی برای چاپخانه داران، با همکاری وزارت ارشاد خبر داده است.

### کودتا و نارضایتی مردم از مصدق!

بخش یادداشت روز خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از اهالی کتاب و قلم منتشر می کند، هفته گذشته یادداشت هایی را از فرامرز سید آقایی، روزنامه نگار و نویسنده، حسین حضرتی، داستان نویس، حمید یزدان پناه، شاعر و مترجم، دکتر محمد حسن رجبی، نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، حامد هاتف، دبیر گروه ادب و هنر خبرگزاری کتاب و ساره گودرزی، خبرنگار این خبرگزاری منتشر کرد.

در یکی از این یادداشت ها که به مناسبت سالروز کودتای ۲۸ مرداد نوشته شده، رجبی (نویسنده این یادداشت) گفته است اصلاحات دکتر مصدق و اختیارات قانونگذاری شش ماهه که دوبار از مجلس دریافت کرد، کمکی به مردم نکرد و وضعیت سیاسی و اجتماعی مردم بدتر از قبل شد. به باور او، در چنین شرایطی خارجی ها موفق به برکناری دکتر مصدق با کودتای نظامی شدند.

در یادداشت دیگری، فرامرز سید آقایی از کتابخوانی کودکان و نقش آن در افزایش سرانه مطالعه جامعه نوشته است. عنوان یادداشتی که از او در ایبنا منتشر شده این جمله است: «من به بزرگی قطع وزیری بودم» این عبارت برگرفته از شعر یک شاعر فرانسوی است: «آهواره ام بر کتابخانه تکیه داشت... من به بزرگی قطع وزیری بودم.»

### عکس های کتابی

عکاسان ایبنا هفته گذشته، مراسم افتتاحیه هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم و سومین نشست هفته کتاب را به زبان تصویر گزارش کرده اند. همچنین دومین گزارش تصویری از تالارهای دیدنی کتابخانه ملی ایران توسط «ایبنا» منتشر شده است.

## «این مردم نازنین» در صدر

کتاب «من گنجشک نیستم» اثر مصطفی مستور از نشر مرکز و «این مردم نازنین» اثر رضا کیانیان از نشر مشکی به گفته مسوول فروش کتابفروشی چشمه، همچنان در هفته گذشته از جمله پرفروش ترین آثار این انتشاراتی بودند. کتاب «من گنجشک نیستم» که از یک ماه پیش تاکنون به طور ثابت در فهرست آثار پرفروش قرار داشته، به گفته نویسنده اش کتابی است که حرف های ناتمام شخصیت های داستان های قبلی در آن کامل شده است.

«این مردم نازنین» نیز که در مدت زمان کوتاهی پس از انتشار، به چاپ سوم رسیده، خاطرات رضا کیانیان از سال های بازیگری اوست که آنها را در قالب داستان هایی کوتاه به نگارش درآورده است. مسوول فروش کتابفروشی چشمه در گفت و گو با کتاب هفته، دیگر آثار پرفروش هفته گذشته را به این ترتیب اعلام کرد: «روزنامه حزب خران» اثر سیدفرید قاسمی از نشر امروز؛ «دوست داشتم کسی جایی منتظر باشد» اثر آناگوالدا با ترجمه الهام دارچینیان از نشر قطره؛ «عشق لزه» اثر اریک امانوئل اشمیت با ترجمه شهلا حائری از نشر قطره؛ «تو مشغول مردنت بودی» مجموعه شعر شاعران خارجی با ترجمه محمدرضا فرزاد از انتشارات حرفه هنرمند؛ «به خاطر یک فیلم بلند لعنتی» اثر داریوش مهرجویی از نشر قطره؛ «من او را دوست داشتم» اثر آناگوالدا با ترجمه الهام دارچینیان از نشر قطره؛ «پس از تاریکی» اثر هاروکی موراکامی با ترجمه مهدی غبرایی از انتشارات کتابسرای نیک و «عطر سنبل عطر کاج» اثر فیروزه جزایری دونا، با ترجمه محمد سلیمانی نیا از نشر قصه.

انتشارات سوره مهر نیز آثار پرفروش خود را به ترتیب زیر اعلام کرد؛ کتاب «دا» خاطرات سیده زهرا حسینی به قلم سیده اعظم حسینی؛ «نامه های فهیمه» اثر علیرضا کمری؛ «یکشنبه آخر» اثر معصومه راهمزمی؛ «داستانی که تمام نمی شود» اثر احمد عربلو؛ «راز گل سرخ» اثر خسروبابایی، «خوابی به رنگ فراموشی» اثر عزت الله لوندی؛ «گزارش سفر» اثر زهره احدیری؛ «تکه ای از آسمان» اثر حسین فتاحی؛ «فرمانده جدید» اثر حسین نیری و «ستاره من» اثر زهره یزدان پناه.

## برنامه های این هفته سرای اهل قلم

دو نشست مولوی پژوهی و نقد و بررسی کتاب «دختران گیتی» تنها نشست های سرای اهل قلم اند که برگزاری آنها در این هفته قطعی شده است. احسان عباسلو مدیر سرای دائمی اهل قلم خانه کتاب با اعلام این خبر، درباره این که آیا برنامه های سرای اهل قلم طی ماه رمضان ادامه خواهد داشت؟ گفت: «احتمالا برخی گروه های سرا طی این ماه برنامه ای نخواهند داشت و در صورتی که برنامه ای تدارک دیده شود، متعاقبا در خبرها اعلام خواهد شد.» عباسلو درباره برنامه های این هفته نیز گفت: «امروز (شنبه) طبق روال هفته های قبل، نشست مولوی پژوهی با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی برگزار خواهد شد و نشست فردا (یکشنبه) نیز به نقد و بررسی کتاب «دختران گیتی» از مجموعه صد داستان صد نویسنده، اثر منصوره شریف زاده با حضور بلقیس سلیمانی و رضا نجفی اختصاص خواهد داشت.» به گفته عباسلو نشست های این سرا طی ماه مبارک رمضان از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ برگزار می شود. سرای اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و شرکت در این برنامه ها برای عموم آزاد است.

## مهدی آذر یزدی همه را دور هم جمع کرد

# شوریده نهان، آهنگ رفتن داشت



«عازم یزد شدیم در کوچه ای تنگ و تاریک به خانه ای محقر و ساده رسیدیم که من هنوز متعجب و مبهوت آن خانه ام. خانه کمتر از ۵۰ متر وسعت داشت اما او کارهای بزرگی کرد که وسعت آنها بسیار بزرگ تر از آن خانه کوچک بود.» تنها این توصیف توانست یک بار دیگر همه را متوجه روح بزرگ مهدی آذر یزدی کند. پیر مرد تنها به بعضی حسرت هایش جواب داد تا اگر آدم ها فراموش کردند، بماند به یادگار؛ روزگار که فراموش نمی کند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، مراسم بزرگداشت یاد و خاطره مهدی آذر یزدی، نویسنده فقید، عصر سه شنبه گذشته (۲۷ مرداد) در تالار تپهون خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در این مراسم تعدادی از مسوولان انتشارات امیرکبیر (ناشر آثار آذر یزدی) و برخی از نویسندگان و اعضای انجمن نویسندگان کودک و نوجوان سخنرانی کردند. این مراسم قرار بود سال گذشته و در زمان حیات آذر یزدی برگزار شود اما به دلیل کسالت و بستری شدن او در بیمارستان، متأسفانه پس از مرگ وی برگزار شد.

محمود برآبادی، نایب رئیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به عنوان نخستین سخنران با بیان این که آذر یزدی بر گردن نویسندگان کودک ایران حق داشت، از وی به عنوان یکی از پیشکسوتان عرصه بازنویسی آثار یاد کرد و گفت: «آذر یزدی توانست نثری روان و شیرین را در بازنویسی آثار به کار گیرد و با وجود این که او از نظر ساختاری فعالیت نو و بدیع انجام نداد، اما چندین نسل با آثار او رابطه برقرار کردند.» احمد نثاری رئیس موسسه انتشارات امیرکبیر، دیگر سخنران این مراسم نیز با تأکید بر این که آشنایی اش با آذر یزدی سابقه طولانی ای نداشت، گفت: «با این

دیگر سخنرانان این مراسم به ارائه تاریخچه ای از تصویرگری مجموعه کتاب «قصه های خوب برای بچه های خوب» آذر یزدی توسط افرادی چون مرتضی ممیز و فرشید مثقالی پرداخت.

اکرمی در سخنرانی خود، تصاویری قدیمی از مجموعه کتاب «قصه های خوب برای بچه های خوب» را نیز به نمایش گذاشت که اکثر آنها با خطوط ساده در دهه های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ طراحی شده بودند.

مهدی حجوانی، رئیس هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان نیز در سخنرانی اش از آذر یزدی به عنوان شخصیتی فرازمانی یاد کرد و گفت: «او در زمانی خاص فعالیتی مهم انجام داد که سال ها ماندگار شد. او فقر و ساده زیستی را به انتخاب خود برگزید و راهی متفاوت را در ادبیات کودک پیمود و با اتکا به ادبیات کهن ایرانی، آثاری نزدیک به شرایط مذهبی آن زمان ارائه کرد.»

حجوانی با ارائه تعریفی از زبان محاوره، آذر یزدی را یکی از بهترین استفاده کنندگان از زبان محاوره دانست و گفت: «در نثر داستانی آذر یزدی، چیزی بود که من اسمش را گذاشته ام، برکت و اگر آن برکت نبود، آثارش به این همه چاپ نمی رسید.»

با وجود این که این مراسم سه ساعت به طول انجامید اما سخنرانی برخی از چهره های ادبی چون علی محمد رفیعی به علت کمبود وقت، انجام نشد.

این مراسم از سوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و با همکاری انتشارات امیرکبیر و خانه هنرمندان برگزار شد. محسن هجری، نوش آفرین انصاری، توران میرهادی، هوشنگ مرادی کرمانی، مصطفی رحماندوست و تعداد دیگری از نویسندگان آثار حوزه کودک و نوجوان نیز در این مراسم حضور داشتند.

## تازه های کتاب ماه

## پرتوی از نور شیخ شهاب الدین سهروردی

کتاب در ایران، نقدی بر کتاب مقاله نویسی ضیاء موحّد، آموزش سواد اطلاعاتی، نظام ملی اطلاع رسانی دانشگاهی، مبانی نگارش رسانه ای، کتابداران دانشگاهی در نقش هدایت کنندگان هوش هیجانی، جایگاه آموزش روزنامه نگاری در فرآیند توسعه و سبیل ارتباط جمعی در ایران و رویکردی دیالکتیک به بازاریابی اطلاعات. کتاب ماه کودک و نوجوان نیز در شماره صد و چهل و یکم (تیر) در پنج بخش ادبیات داستانی، شعر، تصویرگری، هنر و گزارش و خر تنظیم شده است. تردید در نیروی اهریمنی؛ بررسی کوچک ترین هابیت در سه گانه ارباب حلقه ها؛ داستان: هم استراتژی، هم تاکتیک؛ قصه های عامیانه، میراث فرهنگی بشر، رمزینه، نهاد، حالت؛ معانی زمینه مند اشیای تجسمی و قابلیت های داستان های مذهبی برای نمایشنامه های عروسکی از جمله مباحث مطرح شده در این شماره از کتاب ماه کودک و نوجوانند.

جدیدترین شماره های کتاب ماه های فلسفه، کلیات و کودک و نوجوان منتشر شدند.

بیست و سومین شماره کتاب ماه فلسفه (مرداد)، که ویژه سهروردی پژوهی است، علاوه بر سخن سردبیر در هفت سرفصل: حیات سهروردی، نقد و بررسی آثار سهروردی، معرفی تحلیلی بخش منطق کتاب «المشار، المطارحات» سهروردی، جستارهایی درباره حکمت اشراق و بن مایه های کهن و بررسی تطبیقی برخی خصوصیات مکتب اشراق و مکتب تائوئیسم چینی، گفت و گو با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی درباره اصلت نور؛ کتاب شناسی و مقاله شناسی سامان یافته است.

مهم ترین عناوین کتاب ماه کلیات نیز در صد و چهلمین شماره (ویژه مرداد) عبارتند از: بازچاپ فهارس خطی کتابخانه مجلس، نگاهی به مشکلات پخش

## کتاب و شهر ستانها

### کمبود کتابخانه در فریدونشهر

وجود دو کتابخانه عمومی با زیربنای کلی ۲۹۳ متر مربع نیاز مطالعاتی اهالی شهرستان فریدونشهر را تأمین نمی کند و باید برای ساخت کتابخانه استاندارد دو هزار و ۲۰۰ متر مربعی در این شهرستان اقدام شود. مدیر کل کتابخانه های استان اصفهان با بیان این مطلب گفت: «این اداره کل برای ساخت یک کتابخانه استاندارد با زیربنای دو هزار و ۲۰۰ متر مربع و نیز یک کتابخانه کوچک تر از استاندارد (با زیربنای دست کم ۴۵۰ متر مربع) در شهرستان فریدونشهر برنامه ریزی کرده است. از دو کتابخانه فعال در فریدونشهر، یک باب به نام کتابخانه «امام صادق (ع)» در شهر برف انبار و دیگری به نام کتابخانه عمومی فریدونشهر در مرکز شهرستان خدمت رسانی می کنند.»

سعید حشمتی خاطر نشان کرد: «هفته گذشته، نخستین جلسه انجمن کتابخانه شهر برف انبار شهرستان فریدونشهر در کتابخانه امام صادق (ع) برگزار شد. محوطه سازی فضای کتابخانه توسط شهرداری «برف انبار» و برگزاری اردوی زیارتی و

تفریحی برای اعضای فعال کتابخانه توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی فریدونشهر، مصوبه های اصلی این جلسه بود.» کتابخانه امام صادق (ع) برف انبار، با درجه فرهنگی سه، سال ۱۳۷۶ آغاز به کار کرد و ۱۵۳ متر مربع زیربنا دارد.

### افزایش اعتبار کتابخانه های خوزستان

مدیر کل کتابخانه های استان خوزستان از جذب ۱۰۰ درصدی ۲۲ میلیارد ریال اعتبار اختصاص یافته برای تعمیر، تجهیز و مکانیزه کردن کتابخانه های خوزستان در سال ۸۷ خبر داد. وی همچنین گفت: «بیشتر کتابخانه های موجود در استان عمر مفید خود را سپری کرده اند و باید برای نوسازی آنها اقدام شود.» رحیم فضیلت پور با اعلام این خبر به ایبنا، خاطر نشان کرد: «از این اعتبار، دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال برای ساخت سه کتابخانه در شهرهای اهواز، بهبهان و باغ ملک و چهار میلیارد ریال نیز برای تکمیل کتابخانه مرکزی استان هزینه شده و بقیه اعتبار نیز متناسب با تعداد کتابخانه ها، در میان شهرستان های خوزستان توزیع شده است.» وی گفت: «بیشتر کتابخانه های موجود در استان

عمر مفید خود را سپری کرده اند و باید برای نوسازی آنها اقدام شود.»

### افتتاح ۲ کتابخانه جدید در اردبیل

در هفته دولت، دو کتابخانه در «اجیرلو»ی پارس آباد و «آرازعلی» اردبیل راه اندازی می شوند. برای ساخت این دو کتابخانه، چهار میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال هزینه شده است.

مدیر کل کتابخانه های استان اردبیل با اعلام این خبر گفت: «ساختن کتابخانه منطقه پر جمعیت «آرازعلی» با زیربنای ۵۰۰ متر مربع در دو طبقه آماده تحویل به ای اداره کل است. ساخت کتابخانه «آرازعلی» با دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال اعتبار سال گذشته آغاز شد و با ۴۰۰ میلیون ریال تجهیزات و پنج هزار نسخه کتاب اولیه به بهره برداری خواهد رسید.

یاسر محمدپور افزود: «عملیات ساخت ساختمان مستقل برای جایگزینی کتابخانه اجاره ای «اجیرلو» نیز سال گذشته با اعتبار دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال آغاز شد که این کتابخانه، فعالیت خود را با ۴۰۰ میلیون ریال تجهیزات و شش هزار نسخه کتاب در ساختمان جدید ادامه می دهد.»



# نسیم رحمت خدا در مصلا



نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، نسیمی که همه ساله عطر خوش رمضان را زودتر از فرا رسیدن این ماه پربرکت در فضای جامعه پراکنده می‌سازد، امسال شش روز زودتر به پیشباز ماه میهمانی خدا رفت و عطر خوش کلام نور را از بیست و پنجم مرداد، در فضای مصلا امام خمینی (ره) جاری ساخت. شاید آغازی زود هنگام، زمینه‌ساز آمادگی بیشتری برای درک عمیق این فضا باشد. نمایشگاهی که هر سال با آغوش باز پذیرای روزه داران سراسر کشور، حتی میهمانان خارجی است، امسال با برنامه ریزی منسجم تر و اندوخته‌ای از تجربه شانزده سال گذشته، با طرح‌ها و رویکردهای فرهنگی - قرآنی وسیع تری مشغول به فعالیت است.

مراسم افتتاحیه هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم با حضور جمعی از مسولان، عاشقان و خادمان قرآن کریم و نمایندگی از رسانه‌های گوناگون برگزار شد.

در این مراسم، دکتر محمدعلی خواجه پیری، رئیس نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، سردار سیدیحیی رحیم صفوی، دستیار و مشاور عالی فرماندهی کل قوا، دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و... شرکت داشتند.

اگرچه هنوز هم در روزهای نخستین این نمایشگاه به سر می‌بریم، اما علاقه‌مندان از شهرهای گوناگون به استقبال این محفل قرآنی آمده‌اند. مانند سال گذشته، سرویس‌های رفت و برگشت میهمانان ماه خدا را از نزدیک درهای ورودی مترو تا شبستان مصلا تهران همراهی می‌کنند.

در بدو ورود با سالن ناشران دینی و قرآنی مواجه می‌شویم که دستاوردهای سه سال گذشته‌شان را در معرض دید بازدیدکنندگان قرار داده‌اند. در برخی از غرفه‌ها علاوه بر نسخه‌هایی از قرآن کریم، کتاب‌های دینی و ادعیه، محصولات مرتبط با قرآن، نظیر رحل، جلد‌های گوناگون مصحف و آویزهایی که صفحات یا تمامی ۳۰ جزء قرآن را به امانت دارند، با طراحی‌های متنوع و جذاب دیده می‌شوند. در عرصه تبادل آموزه‌های قرآنی، هر تولیدگری در حد توان و هر بازدیدکننده‌ای به وسعت نیاز و قدرتش، حضور می‌یابد.

به وضوح می‌توان دید که ناشری بدون مراجعه‌کننده نیست. در این میان غرفه‌های قرآنی کودک و نوجوان از حال و هوای دیگری برخوردارند. کتاب‌های قرآنی و مذهبی با تصاویری زیبا، نه تنها کودکان بلکه بزرگسالان را نیز به سوی خود دعوت می‌کنند. در برخی از بخش‌ها نیز کودکان و خردسالان با خواندن بخش‌هایی از قرآنی کریم، جوایزی را

دریافت می‌کنند که بیش از دستان کوچکشان، در خاطره‌های بزرگشان نقش می‌بندد.

در اینجا نیز مانند دیگر نمایشگاه‌های بزرگ و بین المللی، آثار و محصولات گوناگون در بخش‌های کودک و نوجوان، دانشگاهیان، بزرگسالان، سازمان‌ها و نهادها، موسسات و... عرضه می‌شوند.

در سالن ناشران که طبقه اول را به خود اختصاص داده علاوه بر نمایش آثار گوناگون حوزه قرآن و دین، محصولات قرآنی عرضه نیز می‌شوند. طبقه دوم این نمایشگاه نیز برای برگزاری ۱۵۰ نشست قرآنی در ماه رمضان آماده شده است. این بخش به نمایش آثار هنری قرآنی اعم از خوشنویسی، سفال، خطاطی، طراحی، تصویرگری، تذهیب و دیگر فعالیت‌های قرآنی اختصاص دارد و با حضور استادان و هنرمندان قرآنی اداره می‌شود.

هنگام ورود به طبقه دوم، با بخش‌های گوناگونی مواجه می‌شویم که هر یک با توجه به رسالت خاص قرآنی‌ای که دارند، به گونه‌ای ویژه طراحی شده‌اند. در نخستین نگاه می‌توان هدف اصلی و مخاطبان هر بخش را شناخت. بخش خانواده این نمایشگاه همراه با گیاهان طبیعی، گل‌های تازه‌ای که در سراسر آن قرار گرفته‌اند و با نمایش پوسترهایی شاد و در قالب طنز، به برخی از آسیب‌های رفتاری خانواده و راهکارهای قرآنی و اسلامی حل آنها اشاره دارد.

سالن اصلی این بخش با میزهای کوچکی که در اطراف هر یک صندلی‌هایی قرار گرفته، پوشیده شده است. کارشناسان متفاوتی در زمینه مسائل خانوادگی، روابط با همسر و تربیت فرزندان به راهنمایی خانواده‌ها و گفت‌وگو با مراجعان پشت این میزها می‌نشینند. پس از گذر از بخش هنری که هر بازدیدکننده‌ای

می‌تواند به داشته‌های خود بیفزاید و بار سوالات خود را با توشه‌ای از آگاهی و دانش تعویض کند.

در بخش دیگری از این سالن، نمایندگان از نهادها، موسسات و سازمان‌های قرآنی که در طول سال به پژوهش‌های دینی و علوم قرآنی در سطوح وسیع می‌پردازند، به معرفی کارها، طرح‌های در دست اقدام، برنامه‌های آتی و اهداف خود مشغولند. شاید نهادن نام نمایشگاه بر این گستره قرآنی، آن را محدود کند، شاید نتوان با یک بار مراجعه به این محفل از تمامی مانده‌های این سفر الهی بهره‌مند شد، شاید آگاهانه گام در این راه نهادن ما را بیشتر با ناآگاهی مان آشنا کند. شاید...!

نمایشگاه امسال با رویکرد اصلاح‌گرای صحیح مصرف برگزار شده و مسولان آن کوشیده‌اند جلوه‌های بصری و هنری بیشتری را در تبیین آموزه‌های قرآنی به کار برند. وسعت نمایشگاه از ۳۰ هزار متر مربع به ۳۵ هزار متر مربع افزایش یافته است، یعنی از شبستان اصلی مصلی نیز استفاده شده و زیرزمین هم مانند سال قبل در اختیار نمایشگاه قرار دارد.

همچنین، پنج سالن برای نشست‌های تخصصی در نظر گرفته شده‌اند و چیش نمایشگاه نیز برای هماهنگی و ارتباط بیشتر با بخش‌های گوناگون این فضای قرآنی، به‌طور کلی تغییر کرده است. قرارداد فضاهایی برای استراحت بازدیدکنندگان و مکان‌هایی برای نشستن آنها در سالن‌ها و کنار غرفه‌ها، از اقداماتی‌اند که مسولان این نمایشگاه به آن توجه خاصی داشته‌اند.

ناشران از بازگشایی زود هنگام این نمایشگاه نسبت به دوره‌های پیش رضایت دوچندانی دارند و معتقدند همواره دغدغه رفت آمده‌های مکرر در آغاز راه اندازی نمایشگاه و تکمیل غرفه‌ها آنها را می‌آزرده است، اما در این آغاز سریع، آنها توانسته‌اند پیش از آغاز ماه رمضان، نیازهای خود را تکمیل کنند و دغدغه رفت و آمد به شهرهای دیگر هنگام روزه‌داری را نداشته باشند.

بازدیدکنندگان نیز با رضایت خاطر بیشتری در جست‌وجوی گمشده خویش‌اند و در این مسیر با بخش‌های متنوع آموزشی مضامین قرآنی آشنا می‌شوند و از آخرین یافته‌های قرآنی و تطابق آن با جدیدترین دستاوردهای تکنولوژی آگاهی می‌یابند. ساعات کاری نمایشگاه هفدهم نیز به دلیل استفاده بیشتر میهمانان ماه خدا در این دوره متفاوت است و در طول هفته از ساعت ۱۶ تا ۲۳ و روزهای تعطیل از ساعت ۱۴ تا ۲۳ تا بیست و سوم شهریور ماه در مصلا امام خمینی (ره) پذیرای بازدیدکنندگان و روزه‌داران است.

وی نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را بسیار گسترده تر از نمایشگاه بین المللی قرآن می‌داند و می‌گوید: شاید مقایسه این دو نمایشگاه نادرست باشد، اما در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به دلیل حضور فعال ناشران خارجی، به ویژه عربی، فرصتی برای خرید کتاب از سوی آنان و بستن قرارداد وجود دارد، در حالی که نمایشگاه قرآن قابلیت گسترش فعالیت‌های ناشران به این شکل را ندارد.

وی با بیان این که «شرکت در نمایشگاه بین المللی قرآن به نفع ناشران است» می‌گوید: برگزاری این نمایشگاه را می‌توان از لحاظ سود اقتصادی به نفع ناشران شرکت کننده در آن دانست، زیرا سودی که از فروش کتاب‌ها در این مکان نصیب ناشران می‌شود، چندان کمتر از نمایشگاه بین المللی کتاب نیست.

حسینی کیا درباره حضور انتشارات دارالحدیث در این نمایشگاه اظهار می‌دارد: تمامی آثار این انتشارات در حوزه احادیث جای می‌گیرند، اما بیش از نیمی از آنها با قرآن نیز در ارتباطند، زیرا موضوعات

مختلف نظیر پزشکی، امام‌زمان (عج) و خیر و برکت را از نظر قرآن و حدیث بررسی می‌کنند و به همین دلیل بسیاری از آنها در این نمایشگاه حضور خواهند داشت.

مدیرمسول انتشارات دارالحدیث از میان کتاب‌های مهم این نشر به مجموعه پانزده جلدی «میزان الحکمه» با ۹ بار تجدید چاپ و مجموعه چهارده جلدی «حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)» اشاره می‌کند و می‌گوید: تمامی مجلدات «میزان الحکمه» دربردارنده احادیث و شرح آنهاست و در حوزه علمیه تدریس می‌شود. البته این اثر به دلیل دارا بودن متنی روان و ساده می‌تواند مورد استفاده عموم نیز قرار بگیرد.

وی می‌افزاید: کتاب «حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)» که به مناسبت سال پیامبر اکرم (ص) چاپ شده بود نیز دانشنامه‌ای جامع است و تاکنون اثری درباره مهم‌ترین شخصیت دنیای اسلام در این حجم و شمارگان به زبان فارسی چاپ نشده بود.

مدیر نشر دارالحدیث از نمایشگاه قرآن می‌گوید

## فرصتی مناسب برای معرفی کتاب‌های مذهبی

مهناز مهاجری: مدیر داخلی انتشارات دارالحدیث، نمایشگاه قرآن کریم در تهران را محلی برای پاسخگویی به نیاز افرادی می‌داند که دنبال آثار تخصصی قرآن هستند و می‌گویند: در این نمایشگاه برخی کتاب‌های ارزشمند فرصت بهتری برای معرفی می‌یابند، امری که در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به آسانی امکان‌پذیر نیست.

«سیدتقی حسینی کیا» می‌افزاید: اگر در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نیز بخشی به آثار قرآنی و مذهبی اختصاص داده شود، از سردرگمی‌های افرادی که به‌طور تخصصی به دنبال آثار قرآنی و مذهبی‌اند، کاسته خواهد شد.



سجاد صاحبان زند

دولت نهم در طول چهار سال گذشته با برخی از انتقادات روبه‌رو بود که برخی از این انتقادات در حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به‌طور اخص نسبت به معاونت فرهنگی و اداره کتاب صورت گرفت. اعتراض نسبت به کندی ارائه مجوز کتاب‌ها، عدم صدور مجوز برای برخی از آثار، ابطال مجوز برخی دیگر از کتاب‌ها و دخالت دولت و کم کردن سهم بخش خصوصی در فعالیت‌های فرهنگی، اعم این انتقادات به‌شمار می‌آیند. به مناسبت هفته دولت، با دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر ارشاد به‌گفت‌و‌گو نشستیم. وی پاسخ‌های خود را در این موارد با کتاب هفته در میان گذاشته است؛ پاسخ‌هایی که گرچه پیش‌تر به‌طور جسته و گریخته در مطبوعات و رسانه‌ها منتشر شده بودند، اما این بار به‌طور منسجم در کنار هم آمده‌اند. در زیر بخش اول گفت‌و‌گو با دکتر پرویز آورده شده است.

بخش اول

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

# ارشاد مجری است، نه سیاستگذار



واحد‌های صنفی با فعالیت‌های صنفی مشابه یاهمگن وجود داشته باشد، افراد صنفی با رعایت این قانون مبادرت به تشکیل اتحادیه می‌کنند. طبق تبصره اول این ماده، «اتحادیه دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد.» بعد از این، تعداد واحدهایی را که باید عضو باشند، ذکر کرده است. در جایی دیگر از قانون صنفی، اتحادیه‌های صنفی از فعالیت‌های تجاری نفی شده‌اند و به همین دلیل آنها نمی‌توانند در کارهایی اینچنینی حضور یابند. در نتیجه، اتحادیه‌ها برای آن که این مشکل را حل کنند، یک شرکت تعاونی راه می‌اندازند که آن تعاونی، حضور اتحادیه‌ها را در فعالیت‌های تجاری تا حدی میسر می‌کند. در ماده ۲۹ این قانون حتی آمده است: «اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات، عوارض، هزینه، خدمات و زارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری عهده‌دار شوند...» یعنی حیطه فعالیت تعریف شده است. خود دوستان اتحادیه در پاسخی که در دو دوره اول دادند، به این مساله اشاره کردند. اما انگار بعدها یادشان رفت که چه پاسخی داده بودند، در نتیجه پاسخی دیگر دادند که جنبه سیاسی داشت.

اما با شروع به کار دولت نهم این فعالیت بار دیگر توسط دولت به اجرا درآمد.

این هم از جمله مواردی است که تبلیغات نادرست سبب شد تا درک درستی از ماجرا وجود نداشته باشد. در نمایشگاه بیستم و بیست و یکم، به اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران نامه‌ای ارسال شد، اما پاسخی که آنها ارائه کردند با پاسخی که در نمایشگاه بیستم و دوم فرستادند، متفاوت بود. اتحادیه ناشران به صورت کشوری وجود ندارد و به صورت شهرستانی است. به همین دلیل ما ناشران شهر تهران داریم. این اتحادیه در پاسخ نامه ما نوشت که ما مطابق قانون صنفی، از فعالیت اقتصادی منع شده‌ایم. یعنی این تصور که برخی از ناشران منتقد دولت عنوان می‌کنند که در نمایشگاه هفدهم و هجدهم کار به عهده اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بوده و پس از آن دولتی شده، به همین دلیل کاملاً نادرست است. این کار یا از همان ابتدا خلاف قانون بوده یا اصلاً صحت نداشته است. اطلاعات دقیق ما می‌گوید که صورت ظاهری قضیه، دال بر صحت نداشتن ماجراست. یعنی این کار اساساً در اختیار اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران نبوده است. اشکال اول این کار همان است که اتحادیه ناشران و کتابفروشان آن را ذکر کرده است. طبق فصل سوم ماده ۲۱ قانون صنفی که خود دوستان اتحادیه ناشران و کتابفروشان کتاب تهران به آن اشاره کرده‌اند، در هر شهرستان که

حضوری فعال دارند، می‌توان به وزارت آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، آستان قدس رضوی و ... اشاره کرد که خارج از حیطه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت دارند.

ناشران دیگری هم هستند...

بله. اما این ناشران هم معتقدند که فعالیتشان با استفاده از بودجه عمومی نیست و درست است که ریشه اصلی شان را از دولت گرفته‌اند. اما نشوونمو فعلی شان و باقی ماندنشان با محوریت خودشان است. از سویی دیگر، دولت سهم مهمی در تولیدات فرهنگی دارد و این مساله فقط مختص به عرصه کتاب نیست. به عنوان مثال، در بخش موسیقی، کمتر پیش می‌آید که بخش خصوصی در تولید آثار فاخر سرمایه‌گذاری کند که البته بازگشت سرمایه نیز در آن مطرح نیست. در این قسمت، معمولاً بخش خصوصی در تولید آثار مردمی رغبت دارد. طبیعی است که دولت در آن بخش که سوددهی دارد، وارد نمی‌شود و آن را به بخش خصوصی می‌سپارد، چنانچه در حال حاضر نیز چنین است. مثلاً شما کجا دیده‌اید که دولت از یک ترانه عامه‌پسند حمایت کند؟ اما دولت در جاهایی مثل تولید سمفونی برای انرژی هسته‌ای وارد می‌شود، چون تولید اثرهایی شبیه این هزینه زیادی دارد و بخش خصوصی حاضر نیست در آن سرمایه‌گذاری کند. اما در اینجا هم با آن که دولت پشتیبان ماجراست، انجمن‌ها و گروه‌های وابسته به بخش خصوصی عمل می‌کنند. در مورد فیلم‌های سینمایی هم همین‌طور است. فیلم‌های سینمایی فاخر که تولید آنها هزینه‌بر است و احتمال دارد که به سوددهی نرسند، اگر مورد حمایت دولت قرار نگیرند، اساساً تولید نمی‌شوند. این موارد در حال انجام است. حال سوال اینجاست که کجای فعالیت‌های دولتی در بخش فرهنگ قابل واگذاری به بخش خصوصی است و این کار انجام نشده؟ مثلاً نمایشگاه کتاب تهران... تا پیش از دولت نهم، یعنی دو دوره قبل آن، انجمن ناشران و کتابفروشان تهران مجری برپایی نمایشگاه شد

یکی از برنامه‌های دولت نهم، تحقق بخشیدن به اصل ۴۴ قانون اساسی بود. فعالیت‌های معاونت فرهنگی، به‌ویژه در عرصه کتاب، در این مورد چه بودند؟

توجه به اصل ۴۴ یکی از مواردی است که ما گاهی از سر غفلت آن را به بخش فرهنگی مرتبط می‌کنیم. این که چقدر می‌توان اصل ۴۴ را به فعالیت‌های فرهنگی مرتبط دانست، همواره محل تردید بوده است. متن اصل ۴۴ می‌گوید که «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.» یعنی بحث بنیادین این اصل بر مسائل اقتصادی است و اگر قرار باشد آن را به بخش فرهنگ مرتبط کنیم، باید بحث اقتصادی آن مورد توجه ما باشد. در ادامه این اصل آمده است: «... بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت دولتی و در اختیار دولت است» تمام مصداق‌های ذکر شده به بخش‌های اقتصادی تعلق دارد، منهای صدا و سیما که حوزه فرهنگ را درمی‌گیرد. «... بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی توزیع شهر و روستا که بر طبق موازین اسلامی تاسیس می‌شود و بخش خصوصی شامل آن دسته از قسمت‌های کشاورزی، دامداری و تجارت و خدمات می‌شود» که به حوزه فرهنگ اشاره‌ای ندارد. این بخش مکمل فعالیت‌های اقتصادی در بخش دولتی و تعاونی است. «... مالکیت در این سه بخش تاجایی که با اصول دیگر این سه بخش مطابق باشد و از حیطه قوانین اسلام خارج نشود، موجب رشد و توسعه اقتصاد کشور گردد و موجب زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی ایران است و تفسیر و ضوابط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.» در واقع متن اصل ۴۴، توجه به مسائل اقتصادی است. ما در حوزه فرهنگ بخش‌هایی اقتصادی داریم، اما مساله‌ای اولی‌تر، غیر انتفاعی بودن این بخش است. نکته اینجاست که مسائل فرهنگی تاجه‌اندازه به سوددهی می‌رسند که توجه به مسائل اقتصادی آن دارای اولویت باشد؛ چون در جایی که بحث سوددهی مطرح نباشد، ورود بخش خصوصی به آن معنا پیدا نمی‌کند. به گمان من، قرائت ما در توجه به بخش خصوصی باید نسبت به مسائل اقتصادی، قرائت جداگانه‌ای باشد. یعنی باید با آن قرائت خاص فرهنگی به این حوزه نگاه کنیم. مثلاً در بحث کتاب، ما مساله پدیدآورندگان را در مقابل داریم که شامل مولفان، مترجمان، نویسندگان، ناشران و دیگر افرادی‌اند که در تولید کتاب نقش دارند. پیش از پنجاه درصد تولیدات ما در این عرصه، به عهده بخش خصوصی است و اساساً دولت نقش ویژه‌ای در این قسمت ایفا نمی‌کند. از طرفی، در آن بخش هم که دولت نقش دارد، نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چندان پررنگ نیست. مثلاً در میان بخش‌های دولتی که در کار نشر

تعاونی‌ای که وابسته به اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران بود، در برگزاری نمایشگاه نقش داشت، اما اتحادیه نقشی نداشت و ما نباید این دو را با هم خلط کنیم و در نهایت در نمایشگاه نوزدهم اتحادیه ناشران ایران، که یک اتحادیه عام است و تعاونی‌های سراسر کشور را دربرمی‌گیرد، جایگزین اتحادیه ناشران تهران شد... این هم یک موسسه غیردولتی است؟ بله. اینها جایگزین اتحادیه ناشران تهران شدند. حال این که چطور شد یک دفعه در مقابل این موضوع موضع گرفتند، به نظر منطقی نمی‌آید. در دوره‌های قبل هم معاون امور فرهنگی، رئیس نمایشگاه تهران بود، این قضیه هم ایضا تکرار شد. در مورد دشواری سیاستگذاری هم همین نکته مصداق دارد. تعاونی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، کارهای اجرایی را انجام می‌دادند که این وظیفه به اتحادیه ناشران ایران محول شد. از سوی دیگر، ما مشارکت بخش خصوصی را در اجرای نمایشگاه اضافه کردیم. در دو سال گذشته، ما انجمن‌های فرهنگی تخصصی را در برگزاری بخش‌های تخصصی مشارکت دادیم. به عنوان مثال، در بخش کودک و نوجوان از انجمن ناشران کتاب کودک و در بخش کتاب‌های دانشگاهی از انجمن ناشران تخصصی کمک گرفتیم. بخش عمومی نمایشگاه را هم به اتحادیه تعاونی ناشران سپردیم. به نظر من نمایشگاه در دو سال اخیر، خصوصاً تر شده است. متأسفانه تکرار این شعارها، برای بعضی‌ها بدل به عادت می‌شود و این هم از جمله مشکلاتی است که ما در دوره گذشته با آن دست به‌گریبان بودیم. خانم ناشری که همیشه منتقد دولت هاست و شاید مشکلیش فراتر از دولت نهم و دهم باشد، مطلبی را به اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران داده بود که آنها هم عیناً چاپش کرده بودند. او مطلبی درباره نمایشگاه فرانکفورت نوشته و فضای هواپیمایی را که به سمت نمایشگاه می‌رفت، مملو از مسوولان دولتی وصف کرده بود

بیش از پنجاه درصد تولیدات ما در عرصه کتاب، به عهده بخش خصوصی است و دولت نقش ویژه‌ای در این قسمت ندارد. در آن بخش هم که دولت نقش دارد، نقش ارشاد چندان پررنگ نیست

در حالی که در آن نمایشگاهی که آن خانم ناشر درباره اش نوشته بود، حتی یک مقام دولتی حضور نداشت بود، در صورتی که قبلا مرسوم بود و اصلح هم این است که کارشناسان دولتی برای کسب تجربه در برنامه هایی اینچنین، حضور یابند. به نظر من هیچ افتخاری نیست که کارشناسان دولتی در نمایشگاه حضور پیدا نکنند، اما قلب واقعتا تا آنجاست که این دوستان گمان می کنند که تنها بخش خصوصی، خودشانند و به جز طیف خودشان، بقیه گروه های خصوصی، دولتی به حساب می آیند! مثلا ایشان دو سه نفری را که از سوی انجمن ناشران ایران در نمایشگاه حضور یافته بود، به حساب مقام های دولتی گذاشته بود، در صورتی که این افراد ارتباطی با دولت ندارند.

مواردی که در این زمینه مطرح می شود، ممکن است از آن رو باشد که اصلاحاتی در کار انجام شده و این تغییرات منافع برخی از اشخاص را محدود کرده باشد. البته منظور من فرد خاصی نیست. برخی از این افراد برای دریافت آن رانت ها به اشکال مختلف به دولت فشار می آورند و اتهام زنی می کنند.

خلاصه آن که اصل ۴۴ مربوط به مسائل اقتصادی است و ما باید در بخش فرهنگ، قرائت خاص خود را در این عرصه داشته باشیم. طبیعتا ما معتقدیم که در آن، بخش هایی را می توان به بخش خصوصی واگذار کرد کما این که این واگذاری صورت می گیرد، اما به نظر من در حوزه فرهنگ آنچه اصل است، آثار خلق شده است و اهمیتی ندارد که این آثار توسط چه کسی پدید آورده شده و توسط چه کسی توزیع شده است، مثلا فرقی نمی کند که یک فیلم خوب توسط سازمان تبلیغات اسلامی ساخته شده باشد یا یک شرکت خصوصی. مهم این است که یک کتاب یا فیلم خوب تولید و وارد جامعه شود.

یکی از بحث های مهم درباره کتاب که شما هم بارها به آن کرده اید، موضوع توزیع کتاب است. در کشوری که هفتاد میلیون جمعیت دارد، می توان بیش از دو، سه یا پنج هزار شمارگان کتاب داشت. در این شرایط، اقتصاد کتاب بهبود پیدا می کند و وارد فضای جدیدی می شود. شما برای بهبود وضعیت پخش کتاب، چه کردید؟

بحث توزیع کتاب و تاثیر آن بر شمارگان کتاب، بحث ریشه داری است، اما همه ماجرا نیست، یعنی گمان نکنیم که اگر مساله توزیع کتاب حل شد، همه مشکلات حل می شود.

بحث توزیع کتاب تابع اقتصاد نشر است. شکل سالم ماجرا، یعنی آن شکل که در همه جا اتفاق می افتد، این است که کتاب هم مانند سایر کالاها، یک شبکه توزیع ویژه خود را دارد و سوددهی این شبکه توزیع به گونه ای است که امورات افرادی را که وارد این سیستم شده اند، می گرداند و بنابراین، کسانی تمایل دارند که در این سیستم کار کنند؛ همان طور که عده ای در توزیع دارو، مواد غذایی و سایر موارد مشغولند. بخش سالم ماجرا این است که بخش خصوصی، بعد از ارزیابی و سنجش این که این کار برایش سودآوری دارد، وارد عرصه شود، اما گنجایش فعالیت اقتصادی موجود کتاب ما، در حد و اندازه ای نیست که در رقابت با سایر مسائل اقتصادی، افراد را بسرای جذب سرمایه گذاری متوجه خود کند. یعنی ما باید حجم سرمایه گذاری را پایین بیاوریم تا افراد بتوانند با سرمایه کمتری وارد این حوزه شوند تا سود انرژری و سرمایه ای که می گذارند، کفاف کارشان را بدهد. فرض کنید کسی بخواهد یک کتابفروشی احداث کند. او دست کم باید یک مغازه ۱۲ متری تهیه کند (که تازه این متراژ اصلا کافی نیست). او باید برای این مغازه ۲۰۰، ۳۰۰ میلیون تومان سرفقلى بپردازد. او طبق یک برآورد محاسبه می کند که این اندازه سرمایه گذاری، باید برایش فلان قدر برگشت سرمایه داشته باشد، به علاوه این که او خود نیز در این مکان کار می کند و این کارکرد هم باید محاسبه شود. این تراز در عرصه فروش کتاب برقرار نیست.

**یعنی شما معتقدید که به هم خوردن این تراز مربوط به این چهار ساله نبوده است...**

به هیچ وجه. شما هر طور که فکر کنید، متوجه می شوید، این مسائل باید به شکل جامع مورد بررسی قرار گیرند. بخشی نگری به این ماجرا به کار لطمه می زند. شما فرض کنید که مادر شرایطی کار کنیم که قیمت کتاب رشد نکند و ثابت بماند. یعنی یک کتابفروشی که مثلا سالی هزار جلد کتاب می فروشد، همان تعداد را با درآمد سال قبل بفروشد. این اتفاق در حالی رخ می دهد که سرفقلى مغازه او و هزینه های زندگی اش افزایش یافته است. ممکن است درآمد مغازه سیب زمینی و پیازفروشی کنار او از ۱۰۰۰ تومان به ۱۱۰۰ تومان افزایش یافته باشد، اما درآمد این کتابفروشی ثابت مانده است. این قضیه اگر پنج سال ادامه داشته باشد، او تصمیم می گیرد که در کتابفروشی اش را ببندد ولو این که فروشش پایین نیامده باشد. این مساله می تواند آسیبی جدی به اقتصاد نشر وارد کند. اقتصاد نشر، به هم پیوسته است و نباید آن را جدای از هم ببینیم. مثلا برخی از افرادی که به ماجرا عمیق نگاه نمی کنند، مساله ثابت نگه داشتن قیمت کتاب را تحسین می کنند، حال آن که این ثابت نگه داشتن، اقتصاد نشر را فلج می کند. اگر قرار است قیمت کتاب ثابت نگه داشته شود، باید سایر قیمت ها هم ثابت بمانند و تورمی در کشور وجود نداشته باشد. در حالی که چنین نیست. به همین دلیل است که اگر مطابق تورم، افزایشی در قیمت کالای فرهنگی نداشته باشیم، توزیع آن به صرفه نخواهد بود. ثابت نگه داشتن قیمت کتاب یعنی آن که شما درآمد مولف، ناشر، چاپخانه و کاغذ را ثابت نگه داری. نتیجه این می شود که درآمد این افراد نسبت به سایر افراد جامعه ضعیف می شود و ممکن است از چرخه خارج شوند. ما گاهی متوجه آن نیستیم که چه اتفاقی در حال رخ دادن است و اینها را تحسین بیجا می کنیم، از سویی ما فرصت کافی برای توضیح دادن مسائل نداریم و به همین دلیل متهم به برخی مسائل می شویم. باید به مساله اقتصاد نشر به طور عمیق نگاه کرد و این چرخه را دقیق دید. یکی از راه هایی که کارشناسان در حال حاضر توصیه کرده اند و فکر خوبی هم هست، آن است که ما هزینه بخش مکانی را که در زمینه توزیع فعالیت می کند کم کنیم، یعنی به جای آن که طرف سرمایه مغازه ۲۰۰ میلیونی را بدهد، بتواند در فضایی ارزان تر کارش را دنبال کند. یعنی کارش، خواب سرمایه ۲۰ یا ۳۰ میلیونی را تامین کند. این جزو آن طرح تغییر کاربری بود که دوستان شورای شهر پیگیری کرده بودند اما به نتیجه نرسیده اما در حال حاضر همکاران ما این طرح را آماده کرده اند که به مجلس ارائه شود.

به نظرم گام اول و اساسی تر ما در حوزه توزیع و بیش از آن که به فکر حل کردن تحمیلی مساله باشیم، باید آن باشد که بتوانیم نقدینگی موجود در نشر را افزایش دهیم.

**مسائلی که گفتید چقدر در دولت نهم اجرایی شدند؟**

همه این مسائل مرتبط به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیستند. متاسفانه در هر جایی که ناهنجاری فرهنگی به چشم می آید، به سرعت انگشت اتهام به سمت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفته می شود، یعنی اگر ضعف فرهنگی و کندی در ایجاد تعاونی فرهنگی دیده می شود، متهم اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انگاشته می شود، در حالی که این وزارت در این ماجرا، همه نقش را ندارد و نهادهای بسیار زیادی در حوزه فرهنگ موثرند که وزارت ارشاد یکی از آنهاست.

**حتی گمرک هم موثر است، مثلا در نمایشگاه کتاب سال گذشته، گمرک به برخی از کتاب ها به دلیل نداشتن مجوز وزارت علوم، اجازه ورود نداد...**

بله. ما در آن مقطع این مشکلات را داشتیم. این

مسائل حاشیه ای است. ما در متن ماجرا هم کلی دچار مشکل هستیم. مثلا بودجه معاونت فرهنگی وزارت ارشاد را که بزرگ ترین معاونت این وزارتخانه از نظر حجم پرسنل و بودجه است، با سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران مقایسه کنید. اصلا کل بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سراسر کشور را با سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران مقایسه کنید آن وقت مشکلات ما را بهتر می فهمید و توقعات پایین می آید. اتفاق دیگری که می افتد و من آن را قبلا توضیح داده ام، تمایز ندادن حوزه اجرا و سیاستگذاری توسط کارشناسان است. البته من در مورد غیر کارشناسان حرف نمی زنم که حرف های نامربوط زیادی را مطرح می کنند. این نکته، یعنی تمایز ندادن حوزه سیاستگذاری و اجرا، خیلی خطرناک است. در برنامه هایی که در چند هفته اخیر به وزارت ارشاد توصیه می شد یا برخی از نمایندگان مطرح می کردند، خلط این مساله زیاد مشاهده می شد. حوزه سیاستگذاری و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مربوط نمی شود. او سیاستگذار نیست. دولت، مجری است البته اگر در اجرا به نکاتی رسید و ضعف هایی را دید، می تواند لایحه ای تهیه کند و به مجلس ببرد تا قانون را به شکلی به کمک بگیرد تا مشکلات برطرف شود. در حوزه فرهنگ نیز سیاستگذار اصلی دولت نیست، بلکه شورای عالی انقلاب فرهنگی و چند نهاد دیگرند که جای پرداختن به آنها نیست. ما موظفیم که در مسیر سند چشم انداز و برای به حرکت درآوردن قانون برنامه چهارم عمل کنیم. ما که نمی توانسته ایم خارج از این برنامه حرکت کنیم. سعی کرده ایم آن چیزهایی را که در قانون وجود داشته اجرا کنیم، علاوه بر آن که سعی کرده ایم در شکل اجرا به بهترین صورت ممکن عمل کنیم.

**یکی از انتقاداتی که نسبت به دولت نهم مطرح شده، کم شدن تعداد عناوین کتاب هاست. مثلا گفته می شود که نیمی از ۵۶ هزار کتاب منتشر شده، تجدید چاپی اند یا کتاب های چاپ اولی، فاقد ارزش های کافی اند. نظر شما در این مورد چیست؟ از طرف دیگر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چقدر از ناظران حمایت کرده و چقدر به قول منتقدان سد راه آنها بوده است؟**

ما باید دو مساله را از هم تفکیک کنیم. در مسائل فرهنگی، استاندارد خاصی برای سنجش مسائل وجود ندارد و در واقع باید به صورت مقایسه ای عمل کنیم. یعنی وضعیت یک اداره کل ما با دوره قبل سنجیده و میزان پیشرفت آن اندازه گرفته شود. تولید کتاب برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست و این وزارت باید به گونه ای عمل کند که محمل مناسب برای تولید کتاب فراهم شود. تولید کتاب به عهده ده ها هزار نویسنده و مترجمی است که در نقاط مختلف کشور به کار مشغولند. پس اگر افتخاری در تولید بالاتر و بهتر هست، برای کسانی است که تولید فکر و اندیشه کرده اند و اگر نقص و نقیصه ای در حوزه مدیریتی وجود دارد، ما باید پاسخگو باشیم. قیاس هایی که به این شکل صورت می گیرد که مثلا نیمی از کتاب ها تجدید چاپی اند، این همان چیزی است که در گذشته هم وجود داشته است و به همین شکل اعلام می شده است. در مورد افزایش چاپ اول هم، باید هم به مزیت ها و هم به مشکلات آن

## تعاونی ای که وابسته به اتحادیه ناشران و

### کتابفروشان تهران بود، در

### برگزاری نمایشگاه نقش

### داشت، اما اتحادیه نقشی

### نداشت و ما نباید این دورا

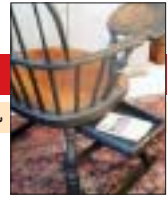
### با هم خلط کنیم

توجه داشت. خیلی از مولفانمان از این که کتابشان در چاپ اول می ماند، ناراضی اند و آن را مربوط به متن کتاب نمی دانند و معتقدند که این قضیه مرتبط با اقتصاد نشر است که دنبال کتاب چاپ اول می گردد و گاهی هم تصمیم گیری های دولتی، توجه به کتاب های چاپ اول را افزایش می دهد. مثلا عنوان می شود به ناشرانی وام داده می شود که فلان تعداد کتاب چاپ اول داشته باشند. این سبب می شود که ناشران به سمت چاپ کتاب های چاپ اول بروند. این نکته مضراتی دارد. اگر قرار است ما در کار مداخله کنیم، این مداخله باید برنامه ریزی شده باشد. ضرر این کار این است که مولف ما از حقوق تجدید چاپ کتاب، محروم می شود. یعنی کسی که صد عنوان کتاب چاپ کرده، نباید نگران مسائل مالی باشد. چون کتاب هایش مرتبا تجدید چاپ می شوند و او یک مستمری دریافت می کند. جلوگیری از تجدید چاپ، گذاشتن چوب لای این چرخه است. از سوی دیگر، توجه به عکس این مطلب هم ممکن است دردسرساز شود. اگر ما فقط به کتاب های چاپ اول توجه نکنیم، ناشر علاقه مند است که فقط فیلم و زینک کتاب های موجودش را منتشر کند و دنبال سرمایه گذاری روی کتابی که نتیجه اش را نمی داند، نرود. او کتاب موفق را که قبلا فروخته و به فروش اطمینان دارد، باز نشر می کند. پس نباید به صورت یکسوزنگر به ماجرا نگاه کنیم. از سوی دیگر، تحلیل هایی که روی ماجراها می شود، باید واقع نگر باشند. تولیدات ما در گذشته هم در عرصه ترجمه و تالیف رقم مشخصی بود که می توان آن را با سال های دولت نهم مقایسه کرد. نمی خواهم خیلی وارد مسائل جزئی شوم، اما ارائه یک مثال می تواند به روشن تر شدن کار کمک کند. مثلا در سال اول دولت نهم، آمار کتاب های کودک و نوجوان نسبت به سال قبل کاهشی چشمگیر یافت در حالی که میانگین کل کتاب ها رشد یافته بود. دوستان اداره کتاب بعد از پیگیری به این نتیجه رسیدند که دبیرخانه کتاب کودک قبلا مستقل بوده و کتاب های درسی و کمک درسی هم در آن ثبت می شده است. حذف کتاب های کمک درسی از کتاب های کودکان و نوجوانان، سبب کاهش این کتاب ها در آمار بود. اگر کسی بدون آگاهی این قضیه را مورد توجه قرار دهد، دچار مشکل می شود، در حالی که اصل ماجرا فرقی نکرده است.

این مقدمات را گفتیم که به حرف شما برسم و پاسخ به این پرسش که ما باید از عملکرد اداره کتاب دفاع کنیم یا به مشکلاتی اشاره کنیم که ناشران نسبت به آن معترض بوده اند.

**برای این که روشن تر به این مساله بپردازید اجازه دهید نکته ای را مطرح کنم. در سال ۸۶ برخی از خبرگزاری ها، مرتبا اخباری را در مورد کتاب هایی که مجوز نگرفته بودند، منتشر می کردند...**

به نظر من بهتر است همان گونه که شما می گوید، شفاف درباره این قضیه صحبت کنیم. من در همان زمانی که این اخبار منتشر می شدند، نسبت به آنها عکس العمل نشان دادم و گفتم که نمی توان به این اظهار نظر ها که با حب و بغض همراه است، توجه کنیم. یکی از خبرگزاری ها صفحه خاصی را باز کرده بود و در آن، کتاب هایی را که در اداره کتاب موجود بودند یا مجوزشان باطل شده بود، معرفی می کرد. نکته ای را که من به طور مکتوب برای آن خبرگزاری هم نوشتم، این بود که در برخی از موارد عنوان می شد فلان کتاب چهار یا پنج سال است که در انتظار دریافت مجوز است. یعنی این نکته مربوط به دولت قبل بود. معلوم می شد این کتاب ایرادی دارد که حتی دولت تساهل و تسامح هم به آن مجوز انتشار نداده بود. این نشان دهنده بغض ورزیدن به یک مجموعه و نگاه غیر بی طرفانه است. حال آن که یک رسانه باید نگاهی بی طرفانه داشته باشد یعنی بازتاب دهنده نکات منفی و مثبت با هم باشد.



سایر محمدی

«شرح تلویحات» عنوان کتابی به قلم ابن کمونه با تصحیح دکتر نجفقلی حبیبی به تازگی از سوی نشر میراث مکتوب در سه مجلد چاپ و منتشر شده است که هر جلد آن به یک موضوع شامل منطق، طبیعیات و الهیات اختصاص دارد. تلویحات یکی از مهم ترین آثار سهروردی است که قبلاً بخش الهیات آن را مرحوم هانری کربن در مجموعه آثار سهروردی منتشر کرده بود. اکنون دکتر نجفقلی حبیبی تصحیح «شرح حکمه الاشراق» قطب الدین شیرازی را با حواشی و تعلیقات ملاصدرا در دست چاپ دارد. دکتر حبیبی این روزها مشغول تصحیح آثار فلسفی شیخ الرئیس بوعلی سیناست؛ طرحی که موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه به اهتمام دکتر اعوانی تدارک دیده تا در هزاره بوعلی، مجموعه آثار او به صورت علمی - انتقادی چاپ و منتشر شود.

## دکتر نجفقلی حبیبی عنوان کرد

# تقدم فلسفه بر علم

ابن سینا چند تفسیر کوچک وجود دارد. مثل تفسیر سوره ناس، فلق و چند آیه. هر کدام از این تفسیرها، رساله کوچکی هستند که باید درباره چاپ دوباره آنها تصمیمی اتخاذ شود. رساله دیگری هست که انسان را تشویق می کند به ذکر خداوند. رساله «نیروزیه» را هم می توان نام برد که درباره الفباست. از ابن سینا رساله های دیگری هم وجود دارد که هر کدام در مورد موضوع خاصی است. برخی از این رساله ها مشخص شده که قطعاً متعلق به ابن سیناست، برخی هم منتسب به اوست و هنوز تالیف آنها به قلم ابن سینا قطعی نشده است. یک احتمال وجود دارد و آن، این که چون ابن سینا آدم مشهوری بوده، کسانی که می خواستند آثارشان و رسائلی که می نویسند، مورد توجه قرار بگیرد و بعد به شهرت برسند، ابتدا آثار خود را به نام ابن سینا عرضه می کردند، در هر صورت برخی رساله ها هستند که انتساب آنها به ابن سینا محل تردید است. مهم ترین کاری که از ابن سینا در دست تصحیح دارید، کدام اثر اوست؟



کتاب «اشارات و تنبیهات» که بسیاری معتقدند آخرین اثر ابن سیناست. ابن سینا در «اشارات و تنبیهات» مشی خودش را در تبیین فلسفه در مقایسه با کتاب «شفا» توضیح می دهد و تغییراتی که در فلسفه اش ایجاد کرده را روشن می کند. از جمله این تغییرات می توان به سه نمط آخرش اشاره کرد که راجع به عرفان و تصوف و... است و بسیار مهم ارزیابی می شود. این کتاب قرن ها به عنوان یک منبع درسی مورد مطالعه قرار می گرفت و حتی در جهان اسلام نیز از این کتاب برای تدریس در مراکز آموزشی و حوزه های علمیه استفاده می کردند که سند موثق آن هم امروز موجود است. هنوز هم در دانشگاه ها و حوزه های علمیه ما این کتاب جزو منابع مهم درسی در باب فلسفه مشاء است. این کتاب در گذشته چندین بار در مصر و ایران چاپ شده بود. در حال حاضر هم من در این طرح که مجموعه آثار ابن سینا توسط موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه چاپ و منتشر می شود، این کتاب را براساس چندنسخه خطی قدیمی تصحیح انتقادی و تطبیقی می کنم.

در مورد کتاب «اشارات و تنبیهات» آیا کسی نقد و بررسی ای هم نوشته است؟  
طبیعی است که در طول این سال ها فیلسوفانی بوده اند که بر این اثر نقد و نظر داشته باشند و آن را بنویسند و منتشر کنند. حالا هم که تصحیح تازه ای از آن منتشر می شود، دیگری پیدا خواهند شد که بر آن نقد بنویسند. اما در گذشته در نقد «اشارات و تنبیهات» آثار بسیار بزرگ و قابل تأملی در دنیا و در جهان اسلام نوشته شده است. حتی از قدیم الایام دانشمندانی از جهان اسلام در مخالفت با ابن سینا بر این کتاب او نقد نوشتند، شکوک نوشتند، اعتراضات نوشتند، نقض نوشتند و... که نشان می دهد این کتاب همیشه در جهان اسلام به دلیل اهمیت و ارزشش مورد بحث بوده است. مهم ترین نقدها بر این اثر را چه کسانی در جهان اسلام نوشته اند؟  
نمی توانم بگویم که کدام یک از نقدها مهم تر از

رساله ها نامی تعیین نکرده بود. بلکه بعدها هر کس براساس فهمش از محتوای رساله اسمی برای آن انتخاب کرد. این رساله جالب به این موضوع می پردازد که شخصی با ابن سینا جدل می کرد، از باب این که من خیلی دانشمند و فاضل هستم، اما از مال و ثروت دنیا هیچ ندارم. ولی فلانی که هیچ نمی فهمد، صاحب این همه ثروت و مکنت است. این مرد در جدل با ابن سینا می گفت آیا خداوند نمی توانست ثروتی به من بدهد که من این همه در فقر نباشم؟ ابن سینا شروع به سوال از او می کند که آیا تو حاضری خداوند همه چیز از جمله عقل، شعور، فهم و کمال را از تو بگیرد در قبال آن به تو ثروت ارزانی دارد؟ ابن سینا در جدال های فلسفی به آنجا می رسد که اگر این شیوه ادامه یابد، به آنجا می رسیم که حقایق آن گونه که هست باید از ماهیت خود تهی شود. مثلاً آتش دیگر نباید بسوزاند. خلاصه این که نظام منطقی عالم به هم می ریزد. ابن سینا می خواهد به این موضوع برسد که باید چنین تفاوت هایی در جهان وجود داشته باشد. این هم یک رساله است که من آن را تصحیح کرده ام و در مراحل پایانی قرار دارد. رساله دیگری از ابن سینا در باب فلسفه درباره کلی هست که خیلی مشهور است.

می گویند دانشمندی در همدان بوده که به رجل همدانی مشهور است. ابن سینا وقتی به همدان می رسد، چون از مشرق می آمد، یعنی از مناطق تحت حاکمیت ساسانیان و به سمت مغرب در سیاحت بود، در این شهر با دانشمندی برخورد می کند که خود را فیلسوف می داند و راجع به بحث کلیات، مباحثی را با ابن سینا در میان می گذارد. در بحث کلیات در فلسفه به این می پردازد که آیا کلی در عالم خارج وجود دارد یا ندارد؟ در عالم خارج، من، شما و دیگران هستیم. مفهوم کلی از این افراد انتزاع می شود. چون در خارج کلی وجود خارجی ندارد یا این که به وجود افرادش موجود است؟ به این صورت وقتی من، شما و دیگران هستیم، پس انسان هم

هست. یا نه، انسانیت یک مفهوم کلی است و اصلاً وجود ندارد و... یک بحث کلی در فلسفه هست که در باب وجود کلی به وجود افراد موجود است یا نه؟ این رجل همدانی ظاهراً ادعایی می کند که به نظر ابن سینا عجیب می آید و از این شخص می پرسد که این نظریات را از کجا آورده ای؟ او هم در جواب می گوید که از فیلسوفان بغداد آموخته ام. ابن سینا نامه ای به علمای بغداد می نویسد و به آنها شرح ماجرا را می گوید و توضیح می دهد که من از مشرق زمین آمده ام. آیا این حرف ها نظریات شماست؟ ابن سینا حرف هایش را می زند، نظرات آنها را هم توضیح می دهد و از آن علما می خواهد در این زمینه داوری کنند و نظر بدهند. این رساله را هم در دست تصحیح دارم که مجموعه این چند رساله در یک مجلد همراه با مقدمه های توصیفی و تفصیلی منتشر خواهند شد.

چه آثار دیگری از ابن سینا در دست تصحیح دارید؟  
چند رساله کوچک هم هست که من قبلاً تصحیح کرده بودم و سال ها قبل چاپ شده بودند اما حالا این رساله های تصحیح شده هم باید به موسسه پژوهشی فلسفه و حکمت تحویل داده شود و پس از بررسی برای تجدید چاپ آنها تصمیم گرفته شود. این رساله ها تفسیر های ابن سیناست. از

اگر آثار ابن سینا سال ها پیش براساس نسخه های خطی موجود، تصحیح انتقادی می شد و در دسترس علاقه مندان قرار می گرفت، چندین گام جلوتر از امروز ایستاده بودیم

آقای حبیبی! تصحیح انتقادی آثار بوعلی سینا، به ویژه آثاری که در حوزه فلسفه اسلامی تالیف کرده، آیا به غنای فکری فلسفی جامعه کمک می کند؟

در موسسه پژوهشی فلسفه و حکمت اسلامی ایران، طرح تصحیح و چاپ انتقادی مجموعه آثار شیخ الرئیس ابوعلی سینا زیر نظر دکتر اعوانی و دیگر استادان تدارک دیده شد که در مرحله اول تصمیم گرفتند آثار فلسفی در اولویت باشد و پس از آن به آثار پزشکی و دیگر موضوعات بپردازند. مدتی است که این طرح شروع شده و من هم در خدمت یکی از چند کمیته ای که در این زمینه تشکیل شده، هستم. یعنی مسئولیت تصحیح برخی از آثار ابن سینا در حوزه فلسفه را پذیرفته ام. فکر می کنم اگر این آثار به صورت تطبیقی، علمی و منقح با نگاه انتقادی تصحیح و همراه با مقدمه های روشنگر و تحلیلی چاپ شوند، مسلماً علاوه بر این که موفق شده ایم آثار یکی از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ اسلام را احیاء کنیم و در سطح جهان به ترویج آن بپردازیم، می توانیم از بحث های سودمند این فیلسوف ایرانی در مسائل مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی هم استفاده کنیم. یعنی آن گونه نیست که فکر کنیم آن بحث ها کهنه شده و از حیز انتفاع افتاده است. اعراب هنوز در حوزه فلسفه، آثار ارسطو را ترجمه، بازنویسی و بازخوانی می کنند؛ فیلسوفی که خیلی خیلی پیش از ابن سینا زندگی می کرد اما ما متأسفانه در زمینه فلسفه اسلامی - ایرانی کوتاهی کرده ایم، چون تنها برای درک و دریافت فلسفه غرب و فلسفه اروپایی تلاش کرده ایم و برای فرهنگ و فلسفه اسلامی که میراث غنی و گرانقدر گذشتگان این مرز و بوم است کاری نکرده ایم. امیدوارم خداوند این توفیق را به ما بدهد که طرحی را که آغاز کرده ایم با موفقیت به پایان برسانیم.

شخصاً روی کدام یک از آثار ابن سینا کار می کنید و تصحیح کدام اثر او را به عهده گرفته اید؟  
چند رساله را که حجم زیادی هم ندارند در دست تصحیح دارم. یک رساله کوچک از ابن سینا هست که در جواب منتقدانش نوشته است. همان طور که می دانید و در تاریخ هم ثبت شده عده ای بودند که به تکفیر ابن سینا می پرداختند و نسبت های ناروایی به او می دادند، مبنی بر این که تالیفات او برای معارضه با قرآن کریم است. ابن سینا در جواب این دسته از افراد، رساله ای نوشته و خدمت فقها و بزرگان فرستاده است که آیا آثاری که تالیف کرده در تعارض با کلام آسمانی است؟ مشابه همین بحث هایی که هنوز هم در تاریخ این سرزمین زنده است.

این رساله به رغم حجم اندکش، به لحاظ ارزش ادبی و علمی بسیار قدرتمند است و اصطلاحات، تعبیرات، تمثیلات، تشبیه، کنایه و استعاره های بسیار غنی ای دارد. مهم ترین ویژگی این رساله آن است که ابن سینا بر روشی که مخالفان سعی کردند او را به وسیله آن تکفیر و منزوی کنند درنگ می کند و آن را توضیح می دهد. رساله دیگری هم هست که اسم آن را گذاشته بودند «ارزاق». البته اسم دیگری هم دارد، چون مولف برای هیچ یک از این



بازخوانی فلسفه ابن سینا برای ما ضروری است، چنان که در غرب، آثار ارسطو و افلاطون مرتباً چاپ می‌شوند و به بازخوانی آنها می‌پردازند. امروز آثار دانشمندان و فلاسفه بزرگ اسلامی دائماً مورد توجه قرار دارند. چنان که شیخ اشراق - سهروردی - در دنیای امروز مطرح و مورد توجه است و آثارش در مراکز علمی و مجامع فرهنگی و فلسفی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نقد و بررسی می‌شود. به هر حال در این آثار فلسفی بخشی از واقعیت وجود دارد اما متأسفانه در دوره‌ای به یکباره به کوبیدن این حقایق هجوم آورده شد و خیلی با بی‌انصافی با فلسفه اسلامی برخورد کردند، اما حالا کمی انصاف علمی پیدا کرده‌اند و این آثار را با تأمل می‌خوانند. مسلماً به هر چیزی که با انصاف نگرینسته شود، نکات خوبی هم کشف می‌شود که به درد انسان امروز خواهد خورد و به زندگی معنوی و علمی انسان راه پیدا می‌کند.

**آیا آثار ریاضی ابن سینا، امروز قابل استفاده هست؟**  
در مورد آثار ریاضی بوعلی از من نخواهید اظهار نظر کنم، چون من در این زمینه ورود ندارم و نمی‌دانم. ریاضی دانشی است ذهنی که در واقع علم یقینی است. به هر حال ریاضی را امثال بوعلی به حدی رسانده‌اند که بعدها توسعه پیدا کرد و نمی‌توان گفت آن نکاتی که کشف کرده‌اند باطل است.

آن دستاوردها بنیان‌هایی بودند که ریاضی را به مراحل پیشرفته سوق دادند چنان که هنوز هم اصول اقلیدس در برخی از قواعد کلی اش حاکم است. به هر حال سهمی از ریاضیات جهان مربوط به بوعلی است. مشکلی که الان ما داریم این است که آیا کسانی هستند که امروز ریاضیات ابن سینا را بفهمند؟ به نظر من مرحوم دانش پژوه برای کتاب «نجات» ابن سینا که چند سال قبل چاپ کرد، کسی را پیدا نکرد که بخش ریاضی کتاب نجات را بتواند تصحیح مجدد و منقح کند و چاپ تازه‌ای از آن ارائه دهد. از این رو ناگزیر عکس نسخه قدیمی آن رساله را منتشر کرد.

تازه است. برخی موضوعات مورد بحث ابن سینا، مربوط به ستاره‌شناسی و کیهان‌شناسی می‌شود که احتمالاً در مقایسه با علم نجوم در جهان امروز چندان قابل بهره‌برداری نیست. البته این آثار در دوره‌ای با هجومی سنگین مواجه شده به گونه‌ای گفته‌اند که این اطلاعات دیگر باطل شده است اما در جهان امروز هم تردیدهایی در اغلب حوزه‌ها به وجود آمده و آنچه مدرنیته به ارمغان آورده را هم نمی‌توان درست پذیرفت. چنان که می‌بینیم مجدداً به طب سنتی رجوع می‌کنند و طب قدیم در دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد و به گیاهان دارویی برمی‌گردند.

این تحولات علمی و صنعتی و کشورگشایی غرب، شاید خیلی‌ها را مرعوب کرده بود. مثلاً



**متأسفانه در دوره‌ای به یکباره به کوبیدن این حقایق هجوم آورده شد و خیلی با بی‌انصافی با فلسفه اسلامی برخورد کردند، اما حالا کمی انصاف علمی پیدا کرده‌اند و این آثار را با تأمل می‌خوانند. مسلماً به هر چیزی که با انصاف نگرینسته شود، نکات خوبی هم کشف می‌شود**

غربی‌ها فکر می‌کردند هر چه متعلق به گذشته باشد، باطل و غیرقابل استفاده است اما حالا که در این زمینه‌ها پیش رفته‌اند، کم‌کم انصاف علمی وارد زندگی صاحب‌نظران می‌شود و به این نتیجه می‌رسند که آن فهم‌ها و دانش‌هایی که در جهان‌شناسی مطرح بوده، نیاز انسان را به شناخت و معرفت چندان برآورده نمی‌کند. به همین دلیل ناگزیر رجعت دوباره‌ای به گذشته صورت می‌گیرد. فلسفه هم از این قاعده مستثنی نیست. برای همین

کشورهای عربی بعد از غزالی و فخر رازی خیلی در این زمینه حرفی برای گفتن نداشتند و حتی اگر در دوران جدید هم به سراغ فلسفه رفتند، در غرب آموزش دیدند اما خودشان خیلی صاحب‌نظر نبودند در واقع به ندرت افرادی در میان آنها پیدا شدند که صاحب فکر فلسفی باشند. ما ایرانی‌ها می‌باید بیشتر به فلاسفه اسلامی می‌پرداختیم که نپرداختیم اما در دو - سه دهه اخیر رویکرد جدیدی به فلسفه اسلامی در میان دانشمندان ایرانی پیدا شده که قابل تقدیر است. البته شاید آن زمان کمتر آثاری مثل شفا در دسترس ما ایرانیان بوده و کمتر در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شده به همین دلیل از توجه جدی به این دسته از آثار غافل مانده‌ایم. استادان بزرگ از اواخر دوره قاجاریه در تهران، در حوزه

فلسفه تهران، حوزه فلسفه اصفهان و ... به تدریس شفا می‌پرداختند که چاپ سنگی‌های شفا هم هنوز موجود است اما در دوران متاخر کمتر کسی بوده که شفا را درس بدهد. مرحوم استاد مطهری مقداری شفا را تدریس می‌کرد و اخیراً هم مجموعه‌هایی از درس‌هایی که آقایان در قم داده‌اند، چاپ شده است. این درس‌ها توسط آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله جوادی آملی و دیگران ارائه می‌شد که چاپ شده و در اختیار جامعه است اما تصحیح انتقادی، منقح و علمی آثار ابن سینا در این مجموعه چاپ خواهد شد.

**فکر می‌کنید آثار ابن سینا با توجه به فلسفه جدید غرب و هیاهوی فلسفه پست مدرن چقدر می‌تواند در جذب نسل امروز به فلسفه اسلامی موثر باشد؟**  
اگر آثار ابن سینا سال‌ها پیش بر اساس نسخه‌های خطی موجود تصحیح انتقادی می‌شد و در دسترس علاقه‌مندان و دانشجویان قرار می‌گرفت، چندین گام جلوتر از امروز ایستاده بودیم. امروز ما نیاز داریم که متن صحیح و درستی از نوشته‌های ابن سینا را در دسترس داشته باشیم و تقریباً مطمئن باشیم که این، همان چیزی است که ابن سینا تألیف کرده است. این کار الان دارد صورت می‌گیرد. یعنی تلاش می‌شود که به یک متن صحیح دست یابیم. بعد از آن می‌رسیم به نقد و بررسی و اظهار نظر پیرامون آثار ابن سینا. در این بحث‌ها و جلد‌ها قطعاً نکات خوب و تازه‌ای روشن می‌شود که در برخورد با فلسفه غرب به درد نسل امروز می‌خورد. یعنی اگر تاریخ فلسفه اسلامی از قبل از ابن سینا فراهم شود و یک جمع بندی از آن در اختیار جامعه علمی و دانشگاهی قرار گیرد، آن وقت معلوم می‌شود که فلسفه اسلامی بر فلسفه قرون وسطا و فلسفه غرب بسیار اثر گذاشته، چون فلسفه اسلامی به غرب رفته و در مدرسه‌ها صاحب‌فلسفه اسکولاستیک نفوذ کرده و آرام آرام به فلسفه‌های جدید راه پیدا کرده و به ما رسیده است. اما یافتن رگه‌های اندیشه اسلامی در فلسفه غرب و فلسفه اروپایی موکول به این است که ابتدا ما دوره کاملی از تاریخ فلسفه اسلامی را تألیف و تدوین کنیم و سپس این آثار نقد، بررسی و تجزیه و تحلیل بشود، تا معلوم شود که اندیشه‌های فلسفه اسلامی چقدر در فلسفه غرب نفوذ کرده و تأثیر گذاشته است. البته همان طور که فکر بشر تحول پیدا می‌کند، فلسفه هم حرف و فکر‌های تازه‌ای می‌آورد. اما این طور نیست که آنچه ابن سینا در گذشته گفته و نوشته، همه باطل شده باشد. برخی از اندیشه‌هایش هنوز در فلسفه

دیگری بوده، یعنی خود هنوز تحقیق جامع و کاملی روی نقد‌هایی که بر این اثر نوشته شده ندارم. اما در مقدمه این کتاب قطعاً نقد‌هایی که بر این اثر ابن سینا نوشته شده را نام می‌برم اما بالاخره شرحی که فخر رازی بر این کتاب نوشته - که معروف به «شرح اشارات امام فخر رازی» است - از جمله مهم‌ترین نقد و شرح‌هایی است که بر اشارات و تنبیهات نوشته شده است. ابن سینا این کتاب را بسیار فشرده و موجز با نثری سخت و پیچیده نوشته است اما فخر رازی این مشکلات را شرح و توضیح می‌دهد اما خیلی هم بر ابن سینا ایراد گرفته است. **فخر رازی که در مخالفت با فلسفه در جهان اسلام شهره بود.**

بله. اما فخر رازی عالم متکلم بود و به عنوان مثال هم در آثار زمینه تالیف فلسفی کار کرده هم مثلاً به ابن سینا و تالیف اشارات و تنبیهات ایراد گرفته است. به طور کلی شاید بتوان گفت مهم‌ترین اشکالات را بر این کتاب همین فخر رازی نوشته است.

البته چون هنوز همه آثار را کندوکاو نکرده‌ام، نمی‌توانم نظری قطعی در این زمینه بدهم اما در این مرحله به نظر می‌رسد که فخر رازی مهم‌ترین ایرادات را بر ابن سینا و اثر مذکورش وارد کرده. بعد از او، خواجه نصیر طوسی بر کتاب «اشارات و تنبیهات» شرح دیگری نوشته و ضمن این که مشکلات کتاب را حل کرده، در عین حال به اشکالات وارده فخر رازی هم جواب داده است. این دو شرح متعلق به امام فخر رازی و خواجه نصیر طوسی شهرت خیلی زیادی داشتند و قرن‌ها در دنیای اسلام مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفتند در مجالس و محافل بر سر آنها جلد می‌کردند. به همین دلیل دانشمندان سومی پیدا شدند که بین این دو شرح داوری کردند. مثلاً قطب‌الدین رازی کتاب «المحاکمات» را برای داوری این دو شرحی که توضیح دادم نوشته. چنین مباحثی در کتاب «المحاکمات» آمده که بارها در اینجا چاپ شده و همیشه مورد توجه علما بوده است البته باید توجه داشت که این آثار عمدتاً مربوط به قرن هفتم و هشتم است.

**در حوزه فلسفه غیر از تصحیح «اشارات و تنبیهات» چه کتابی دیگری از ابن سینا را تصحیح خواهید کرد؟**

از ابن سینا در حوزه فلسفه آثار فراوانی موجود است. مجموع آثار ابن سینا بیش از ۷۰-۸۰ رساله است بنابراین من و دیگر دوستان غالباً آثار کم حجم ابن سینا را در دست تصحیح داریم اما تصحیح و پژوهش درباره کتاب‌های مهم و پر حجم ابن سینا مثل کتاب «شفا» هنوز شروع نشده است. البته این کتاب هم بارها در ایران و خارج از کشور چاپ شده است ولی در این مجموعه که توسط موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه تدارک دیده شده، هنوز به «شفا» و «النجاه» پرداخته نشده است. اینها مهم‌ترین آثار بوعلی شناخته می‌شوند.

**چرا در طول قرون گذشته به این آثار توجه جدی نشده و یک تصحیح انتقادی از آن به بازار نیامده است؟**

مصری‌ها یک بار با هزینه بسیار سنگینی مجموعه شفا را در ۲۰ جلد چاپ کردند. شفا کتاب مفصلی است اما پس از آن کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی - که هنوز در قید حیات بودند - این کتاب را به صورت افست تجدید چاپ کرد. در واقع همان چاپ مصر را عیناً تجدید چاپ کردند هر چند چاپ‌های سنگی آن هم قبلاً یعنی در عصر قاجاریه در ایران منتشر شده است.

تصحیح این مجموعه عظیم هم جرأت و شهامت می‌خواهد، چرا که کار سنگینی است و آدم‌هایی که حوصله تصحیح چنین کار عظیمی را داشته باشند و سرمایه‌گذاری عظیمی در این زمینه بکنند، اندکند. مصری‌ها هم با کمک زیادی از این جا و آنجا توانستند این مجموعه را چاپ کنند. البته چاپ مصر خیلی غلط دارد. در گذشته فلسفه اسلامی بیشتر در ایران به شکوفایی و بلوغ رسیده است.

بنامه تعالی

**نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران**

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوه ملت بزرگ ایران و به منظور نکوداشت سی سال آگاهی و بیداری، بیداری و عدالت، بصورت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی‌های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت میهنی نشان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و بازشناسی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا دریافته‌اند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان‌های عصر و روش‌های تریستی، آرمان‌های ملی و آزادی‌خواهی، قلم مستعرب و عدالت‌طلبی، حماسه سازی، ابتکار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار مفهومی و شایسته‌ای را به گنجینه‌ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

**مشارک مورد نیاز:**

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه‌ی بر کربن یک فرم جداگانه از برای است. محدوده‌ی هر فرم، آنگاه ذکر خواهد شد.
۲. سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه به همراه لایق آن در سه جلد A4 بر روی لوح فشرده.
۳. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

**جوایز مسابقه:**

به منظور حمایت و تشویق نویسندگان، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهد شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

**گاه شمار:**

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۸۸/۸/۳۰
۲. اعلام نتایج و اعطای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۳۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سرانبری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: \_\_\_\_\_ نویسنده: \_\_\_\_\_

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): \_\_\_\_\_ شماره تماس: \_\_\_\_\_

نشانی دقیق پستی: \_\_\_\_\_

با اخراج کامل از حلقه فراخوان نخستین مسابقه سرانبری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در شناخت و بررسی اثره می‌دهد.

تاریخ و امضاء: \_\_\_\_\_

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۰ - طبقه دوم، روابط عمومی خاندوق پستی: ۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶ شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۹۶۲۱۲-۰۲۱-۲۲۹۶۲۵۲



از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

# ساده نویسی نویسنده، اقتصاد و مدیریت کیفیت چاپ

انگلیسی زبان نگران مسائل مالی انتشار کتاب نیست، ولی در ایران که فارسی زبانیم دانشجویان حتی کتاب های درسی را خریداری نمی کنند.

دکتر افشین حیدریان، عضو هیأت علمی کانون دانش آموزان اقتصاد: در این کتاب تعریف خوبی از توسعه اقتصادی ارائه شده ولی درباره توسعه سیاسی بسیار کم بحث شده است. همچنین باید از صنایع پیشتاز یاد می شد که توسط چه معیاری تعیین می شد؟ توسعه فرهنگی و اجتماعی پایه اقتصاد سیاسی است و اگر معنی توسعه فرهنگی و اجتماعی را ندانیم با مشکلات بسیاری همراه خواهیم بود.

## تعامل برای ارتقای صنعت چاپ

نشست تبیین برنامه های نخستین کنفرانس ملی مدیریت کیفیت چاپ با حضور جمعی از دست اندر کاران صنعت چاپ کشور در سرای دائمی اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

داوود شایسته، مدیرعامل شرکت چاپ افست: تعامل و همکاری دانش آموزان دانشگاه های کشور و مدیران چاپخانه ها می تواند به ارتقای کمی و کیفی محصولات چاپی در کشور منجر شود.

با نگاهی اجمالی به تمام کشورهای که امروز در صنعت های مختلف، به ویژه صنعت چاپ دارای اسم و رسم اند، می توان مدعی شد کنترل کیفی در کارخانه ها و مراکز صنعتی اهمیت بسیاری دارد.

در این کارخانه ها، کنترل کیفی اهمیت ویژه ای دارد. به گونه ای که برای هر قطعه یک دستگاه کنترل کیفیت وجود دارد که نوع کار و کیفیت قطعه را بررسی می کنند. این اقدام سالیان سال است که در این کشور آغاز شده و تعداد برخی از کنفرانس هایشان دورقمی شده است. در حالی که در ایران، نخستین کنفرانس کیفیت مدیریت چاپ را در پیش رو داریم.

جلال ذکایی، مدیر کل دفتر چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: در سال های اخیر بسیاری از دست اندر کاران این حوزه از آشنایی بازار چاپ و سودمند نبودن آن گله داشتند. به همین دلیل در اولین گام، دولت راتمهم کردند و پس از آن رقابت منفی آغاز شد که طبیعتاً نتیجه ای دربر نداشت. اما به تازگی فعالان چاپ به این نتیجه رسیده اند که تکنولوژی این صنعت به کشور وارد شده و روز به روز در حال پیشرفت است. تکنولوژی قصد ندارد بایستد تا چاپخانه داران به آن برسند، آنها ملزمند خود را با تکنولوژی روز هماهنگ کنند و می توان گفت در اصل این همان تجزیه و تحلیل واقع بینانه است.

اکنون تولید کنندگان و چاپخانه داران بسیاری به صحنه رقابت وارد شده اند. از سوی دیگر مشتریانی با خواست ها و نیازهای متفاوت به این عرصه آمدند و این هیاهو نیازمند چاره اندیشی جدی نبود.

امروز دیگر کسی نمی تواند مشتری را محکوم کند که چرا کار کیفی می خواهد زیرا کیفیت حرف اول را می زند و همه به دنبال کیفی شدن کارها و محصولات خود هستند.

خداایار صادقی، دبیر نخستین کنفرانس ملی مدیریت کیفیت چاپ: جلب توجه مسئولان و مدیران صنعت چاپ کشور به موضوع کیفیت در صنعت چاپ، ایجاد بستر مناسب برای همدلی و همفکری صنعت و دانشگاه و شناساندن و معرفی استانداردهای بین المللی کیفیت در حوزه چاپ برخی از این اهداف به شمار می آید. شناسایی و معرفی این استانداردها یکی از مهم ترین برنامه های این کنفرانس است. همچنین بستر سازی مناسب برای تدوین استانداردهای ملی کیفیت چاپ نیز مدنظر است.



این مسأله تاریخ دینداری بشر نامیده می شود و عملکرد دین بر بشر است.

حجت الله جودکی: تاریخ نگاری دینی و اسلامی علمی است که همه موارد را دربر می گیرد. در نگرش های تاریخ نگاری اسلامی برخی به تاریخ از دیدگاه قرآن نگریستند که این نوع نگاه عقلانی است. تاریخ نگاری اسلامی بیشتر وقایع تاریخ اسلام را بیان می کند و اسلام متأثر از فرهنگ قرآنی است و به دلیل حاکمیت دربارها در گذشته، نگرش های اسلامی در نقاط کور باقی مانده است.

دکتر مرتضی نورایی، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان: نحله های متعددی در تاریخ نگاری اسلامی و دینی داریم. محورهای اصلی تاریخ نگاری دینی به تاریخ نگاری رجالی، موازین، مقاطع، فتوح، خراج، انساب، طبقات، ذیجات، سکولار و مذهبی تقسیم می شوند.

در آسیب شناسی تاریخی و دینی سه محور وجود دارد که افتادن در دام کلام یکی از آن محور هاست. آیا ما از تاریخ نگاری دینی به عنوان مبلغ دینی سخن می گوئیم و این که تفاوت بین تاریخ نگاری دینی و فلسفی در چیست؟

## اقتصاد کتاب: مقوله ای یاس آور

مراسم رونمایی از کتاب «توسعه اقتصادی و برنامه ریزی» تألیف دکتر بهنام ملکی، با حضور نویسنده و دکتر محمد سلگی رئیس سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی در سرای دائمی اهل قلم برگزار شد.

این کتاب به مباحثی نظیر مشخصه های بنیادین کشور های توسعه نیافته، علل عقب ماندگی اقتصادی و توسعه نیافتگی، تئوری های رشد و توسعه اقتصادی، فقر توزیع در آمد و توسعه اقتصادی و جمعیت و توسعه می پردازد.

دکتر کاوه سرمست، رئیس هیأت مدیره کانون دانش آموزان اقتصاد: منابع علمی، تحریر و تألیف کتاب های توسعه اقتصادی در سطح بسیار پایینی قرار دارد و انتشار این کتاب بسیار ارزشمند است.

کتاب «توسعه اقتصادی و برنامه ریزی» ویژگی های مهمی دارد. زیرا تمام مباحث توسعه را مطرح کرده و برای کسانی که می خواهند با مباحث توسعه اقتصادی آشنا شوند سودمند است.

دکتر نادر مهرگان، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس: تلاش ۳۰ ساله دکتر ملکی در قالب یک کتاب ارائه شده است و می تواند برای دانشجویان علم اقتصاد مفید باشد.

از اقتصاد کتاب گفتن یأس آور است. نویسنده

متأسفانه ما درباره افشاگر دن برخی مسائل در داستان با نوعی رودربایستی تاریخی مواجهیم، در حالی که نویسنده حق دارد آزاد بنویسد و آزادانه بیان دیشد.

## گرایش بعضی از جوانان

### به عرفان آمریکای لاتین: چرا و چگونه؟

نشست مولوی پژوهی هفته قبل سرای اهل قلم با حضور مجتبی بشر دوست، استاد دانشگاه و عرفان پژوه و پرویز عباسی داکانی برگزار شد.

مجتبی بشر دوست: از دیدگاه مولانا، خداوند همیشه وجود دارد و همیشه موجودات می توانند آینه نشان دهنده او باشند. پدیده ها زنده و فعال اند و در حال تاویل خداوندند و این عارف است که از طریق شهود به ذات پدیده ها می رسد.

هیچ اشکالی ندارد که ما عرفان آمریکای لاتین را با عرفان اسلامی مقایسه کنیم و علت گرایش این عده از جوانان را به عرفان آمریکای لاتین بدانیم.

پرویز عباسی داکانی: تاویل با هر منوتیک متفاوت است و تاویل عرفانی ربط به هر منوتیک ندارد. ما قرآن را در حد مفاهیم نمی توانیم پایین بیاوریم. قرآن از فراسو آمده و تو اگر از فراسو بودی، آن را می فهمی. در مجموع طرح این موضوعات با هر منوتیک غربی متعارض است.

تا وقتی که غرب به درک مفهومی بسنده می کند، به درک وجودی توجهی ندارد و هیچ جانخواهد رسیده، ولی در عرفان ما نوعی نشانه شناختی وجود دارد که آن را فقط عارفان می دانند.

## جای خالی نظریه رزی دقیق

### در تاریخ نگاری دینی

نشست کتاب ماه تاریخ و جغرافیا با عنوان «تاریخ نگاری دینی» با حضور دکتر فتح الله مجتبیایی، دکتر مرتضی نورایی و حجت الله جودکی در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

فتح الله مجتبیایی: تاریخ نگاری دینی به معنای امروری مسأله تازه ای محسوب می شود. در این حوزه، نظریه رزی دقیقی ارائه نشده است. اگر کتاب های هرودوت را مطالعه کنیم، می بینید که ظاهر کتاب تاریخ است، اما از آغاز تا پایان تاریخ دیانت دینداری مصری ها، رومی ها و یونانیان را به تصویر می کشد.

تا صد سال گذشته تاریخ نگاری دینی در ایران نداشته ایم و این مسأله به صورت یک موضوع خاص مورد توجه قرار نگرفته است. بیشتر مورخان وارد دین شده اند و مباحث کلامی را مطرح کرده اند. تاریخ نگاری دینی دین را به عنوان پدیده ای در اجتماع مطرح می کند و در اجتماع اثر می گذارد و از جامعه تاثیر می گیرد.

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند.

در نشست هایی که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های مولوی پژوهی، چاپ و نشر، ادبیات داستانی، تاریخ نگاری دینی و اقتصاد در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

## قرقی که آزادی می طلبد

نشست نقد و بررسی مجموعه داستان «سه شنبه قرقی» با حضور فرزام شیرزادی، نویسنده کتاب، نرگس آبیاری، علی الله سلیمی و محمد حسین محمدی در سرای اهل قلم برپا شد.

محمد حسین محمدی: ورود شیرزادی به برخی موضوعات در داستان جسارت آمیز است. یکی از ویژگی های داستان های شیرزادی، پایان های لطیف برخی از آنهاست. از دیگر ویژگی های قابل توجه داستان های این مجموعه، موقعیت های خوب داستانی و شخصیت های به یادماندنی در برخی داستان هاست.

در این کتاب به برخی مسائل با دیدی کاملاً اجتماعی نگاه شده است. البته از زاویه دیدی کاملاً تلخ و طنز که شاید در جاهای بگریانند. نکته مثبت دیگر داستان های شیرزادی، جسارت او در آوردن برخی موضوعات در داستان است. مثلاً در داستان «صددا»، جسارت هایی درباره جنگ ایران و عراق به کار برده شده و به این لحاظ کاملاً در موضوع متفاوت است. البته در وهله نخست خیلی با این داستان ارتباط برقرار نمی کنیم، ولی در عمق می بینیم که ما تا به حال چنین داستان هایی درباره جنگ ایران و عراق داشته ایم.

داستان «اورونه» داستان خوبی می شد، اگر نویسنده بر زاویه دیدی که انتخاب کرده بود، وفادار می ماند. این داستان با دیالوگ پیش می رود و ما در آن به ذهنیت شخصیت ها دسترسی نداریم. شیرزادی در اکثر داستان ها، تلاش کرده زمان روایت داستان ها را محدود کند و این ویژگی را در داستان «صددا» و «گوساله دختر باز» می بینیم.

نرگس آبیاری: طنز تلخی در داستان های شیرزادی وجود دارد و شاید حسی که به ذهن مخاطب منتقل می شود، تلخی فضا است و اصلاً حالت طنز نیست.

البته زبان عامیانه و بومی داستان ها شاید سبب شود تصور ما این باشد که رگه هایی از طنز وجود دارد. در حالی که استفاده از زبان عامیانه در خدمت ملموس کردن اثر است. در داستان های این مجموعه ما با مشکلی در زمینه خواندن داستان مواجه نمی شویم. در زمینه گرفتن اطلاعات هم کمتر خواننده دچار سختی می شود و همه اینها باعث راحت خوانی یک اثر می شود.

هر مخاطبی حق دارد کتاب را بخواند و برداشت خود را از آن داشته باشد؛ حالا چه نویسنده ای بخواهد و چه نخواهد ولی در مجموع فکر می کنم ما با نویسنده موفقی مواجه هستیم.

فرزام شیرزادی: آوردن تاریخ در پایان داستان ها به دلیل آن است که این کارها قبلاً در مجلاتی مانند عصر پنجشنبه، کارنامه و ... چاپ شده بود و برخی از آنها حتی دو سه بار منتشر شده است. با وجود نظر برخی دوستان، من خودم اساساً به فکر شگفت زده کردن مخاطب نیستم و از داستانی که پازلی باشد و خواننده را به درد سر بیندازد، دوری می کنم. همواره تلاشم این بوده که موضوعات پیچیده و ساده را بتوانم به صورت ساده بیان کنم.



در گفت و گو با چند ناشر پزشکی مطرح شد

# مشکلات متعدد انتشار کتاب های پزشکی

انتشار کتاب های تخصصی در نشر ایران مقوله ای است که باید به طور جداگانه به آن پرداخت و یکی از این حوزه های تخصصی، عرصه کتاب های پزشکی است. برای آگاهی از اوضاع انتشار این نوع کتاب ها و به بهانه روز پزشک و داروسازی تعدادی از ناشران پزشکی رفتیم و با آنها گفت و گوهای کوتاهی انجام داده ایم.

**علیرضا منجمی، مدیر انتشارات سلیس:**  
**کتاب های متخصصان پزشکی بار علمی محکم تری دارد**

انتشارات سلیس از سال ۱۳۸۲ فعالیت خود را در عرصه کتاب های پزشکی آغاز کرده است. علیرضا منجمی، مدیرمسئول این انتشارات، می گوید: «انتشار کتاب های تالیفی در حوزه پزشکی به زمینه پژوهشی نیاز دارد و ما در این زمینه ضعف داریم.»

**در زمینه تولید کتاب های پزشکی چه مشکلاتی وجود دارد؟**  
مهم ترین مشکل در تولید کتاب های این حوزه، نبود تجربه و علم کافی در این زمینه است. به عنوان مثال یکی از مسائلی که در تولید این کتاب ها در درجه اول باید مدنظر قرار بگیرد این است که مولف یا مترجم این کتاب ها باید در یکی از رشته های پزشکی تحصیل کرده باشد.

در حال حاضر اداره صدور مجوز کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این حوزه تنها به کتاب هایی مجوز انتشار می دهد که مدرک تحصیلی، شماره نظام پزشکی یا دانشنامه مولف یا مترجم آن به انضمام کتاب ارائه شده باشد و از زمانی که این مسأله اجباری شده، برخی از مشکلات برطرف شده است.

**در زمینه به روز کردن منابع و انتشار ویراست های جدید کتاب های پزشکی چه مسائلی وجود دارد؟**  
علم پزشکی روز به روز در حال تغییر است، اما ناشران و مترجمان این حوزه نمی توانند همزمان با انتشار رفرنس های (کتاب های مرجع) پزشکی در کشورهای دیگر این کتاب ها را تهیه کنند و با توجه به زمانی که باید در مراحل انتشار و صدور مجوز این کتاب ها صرف شود، عملاً ممکن است نتایج برخی پژوهش ها تغییر کرده باشد در نتیجه همیشه دانشجویان لنگ کتاب هستند و این نقیصه را از طریق اینترنت برطرف می کنند.

**یکی از مسائلی که در کتاب های حوزه پزشکی دیده می شود، ضعف ترجمه این کتاب ها است. شما این ضعف را چگونه ارزیابی می کنید؟**

مترجمان خوب کتاب های پزشکی که در عین حال در یکی از رشته های پزشکی صاحب اعتبار باشند، انگشت شمارند و از طرف دیگر، تعداد ناشرانی که حاضر باشند برای کار با مترجمان خبره، هزینه بیشتری بپردازند کم است. به همین دلیل برخی از آنها به جای به کارگیری این مترجمان از دانشجویان سال های اول پزشکی و رشته های مرتبط استفاده می کنند که نتیجه چنین نگاهی، انتشار کتاب هایی با ترجمه های ناپخته و پر غلط است.

**کتاب های پزشکی از نظر ویرایش هم مشکلاتی دارد. دلیل این مشکلات چیست؟**

گاه پیش می آید که یک مترجم پزشک یا استاد دانشگاه با وجود احاطه ای که به زبان مبدا دارد، در تبدیل محتوای کتاب به زبان فارسی با مشکلاتی روبه روست. طبیعی است که ویراستاران علمی چنین کتاب هایی هم باید از میان پزشکان انتخاب شوند اما با توجه به این که کار ویرایش علمی زمان بر است و درآمد چندانی هم ندارد، پزشکان حاضر نمی شوند متن های پر غلط و ترجمه های پر مشکل را ویرایش کنند. از طرف دیگر ویرایش فنی و ادبی این کتاب ها

هم باید به ویراستاران حرفه ای سپرده شود. بنابراین اگر قرار باشد ناشران هزینه های مستقلی برای هر یک از این کارها بپردازند، از پس آن بر نمی آید، چون شمارگان کتاب های پزشکی کم است و بازگشت سرمایه اش که بتوان این کتاب ها را به طور حرفه ای ویراستاری کرد آنقدر نیست. اگر هم قرار باشد ناشر هزینه زیادی را برای این کار متحمل شود، قیمت پشت جلد کتاب بالا می رود و دانشجویان که مخاطبان اصلی این کتاب ها هستند، توان خرید را از دست می دهند. بنابراین بسیاری از کتاب های پزشکی ویرایش نمی شوند یا تنها با یک غلط گیری ساده روانه بازار می شوند.

**آیا ناشران پزشکی، انجمن یا اتحادیه ای دارند؟**  
خیر، چند سال پیش ایده تشکیل اتحادیه ناشران پزشکی مطرح شد و حتی مدارک عضویت را هم از ناشران پزشکی گرفتند، اما به دلایل نامعلومی این اتفاق نیفتاد. این مسأله مشکلاتی را برای ناشران پزشکی به وجود آورده است، مثلاً گاه پیش می آید که ناشری کتابی را منتشر می کند و چند ماه بعد ناشر دیگری همان کتاب را با تغییرات اندک و نام متفاوت منتشر می کند و تمام زحمات ناشر حرفه ای را به باد می دهد. هیچ مرجع تخصصی ای هم در این زمینه وجود ندارد که از ضایع شدن حق ناشران حرفه ای جلوگیری کند. این نوع مسائل تنها به شورای حل اختلاف وزارت ارشاد ارجاع داده می شود که کافی نیست.

**در زمینه کتاب های تالیفی در این حوزه چه مشکلاتی وجود دارد؟**

تالیف کتاب در حوزه پزشکی به پیش زمینه پژوهشی نیاز دارد و چون در زمینه پژوهش با مشکل روبه رو هستیم، بیشتر کتاب هایی که منتشر می شود ترجمه است. البته این سخن به این معنا نیست که در این زمینه اصلاً کتاب تالیفی نداریم. اما مسأله این است که اغلب کتاب های تالیفی، در واقع نوعی گردآوری از منابع مختلف هستند که استادان دانشکده های پزشکی برای تدریس در کلاس های خود تالیف می کنند.

**آیا لزومی دارد که ناشران کتاب های پزشکی، پزشک باشند؟**

بیشتر ناشران این حوزه غیر پزشک هستند و برخی از آنها با دید تجاری وارد کار شده اند. اما با توجه به این که بار علمی در کتاب های پزشکی اهمیت زیادی دارد، به نظر می رسد که یک ناشر پزشکی می تواند بهتر عمل کند علاوه بر آن که، چنین مسأله ای اعتماد مخاطبان این کتاب ها را هم جلب می کند.

**عبدالحسین ذکایی، مدیر انتشارات آویج:**  
**دانشگاه های پزشکی آستین بالا بزنند**

انتشارات آویج از سال ۱۳۷۸ در حوزه انتشار کتاب های پزشکی و ادبیات ایرانی فعالیت می کند. عبدالحسین ذکایی، مدیر این انتشارات معتقد است که کتاب های عامه پسند و غیر علمی پزشکی و روان شناسی، بازار کتاب های کاربردی و تخصصی این حوزه را سرد کرده است.

**در حوزه انتشار کتاب های پزشکی چه مشکلاتی وجود دارد؟**

یکی از مشکلاتی که برای همه ناشران - فارغ از



این که در چه رشته ای فعالیت می کنند - وجود دارد، این است که تعداد کتاب فروشان بسیار کمتر از ناشران است و اساساً ویرایش و فضای ارائه کتاب خیلی محدود است. از طرف دیگر ناشران پزشکی هم مانند دیگر ناشران با مسأله پخش دست به گریبانند. البته باید به این مسأله هم اشاره کنم که رسانه های گروهی هم در این حوزه خوب کار نمی کنند. مشکلات پزشکی در خانواده ها کم نیست و رسانه ها می توانند برای معرفی کتاب های عمومی و ساده فهم پزشکی، زمینه را برای فروش این کتاب ها فراهم کنند. اما متأسفانه مسأله ای که این روزها خیلی شایع شده، انتشار برخی کتاب های عامه پسند و غیر علمی در زمینه پزشکی و خصوصاً روان شناسی است که سبب شده بازار از این کتاب ها اشباع شود و کتاب های جدی و علمی کمتر به فروش برسد.

مسأله پخش نامناسب، درباره رفرنس های درسی و دانشگاهی رشته های پزشکی هم صادق است و باعث می شود کتاب از طریق یک چرخه صحیح به دست مخاطب این کتاب ها، یعنی دانشجویان نرسد.

**در زمینه کتاب های ترجمه چه مشکلاتی وجود دارد؟**

مشکلات ترجمه کتاب های پزشکی را هم از دیگر کتاب ها جدا نمی دانم. این مسأله که برخی مترجمان ما به زبان مقصد یعنی زبان فارسی تسلط کافی ندارند، در کتاب های ترجمه همه رشته ها قابل مشاهده است. این مشکل درباره پزشکانی، که به حوزه ترجمه کتاب های پزشکی وارد می شوند هم صدق می کند و گاه شاهد انتشار کتاب هایی هستیم که بسیار دیر فهم اند.

از طرف دیگر گاه پیش می آید که مترجمان دست به ترجمه آثاری می زنند که تاریخ مصرف آنها گذشته است، چون همان طور که می دانید منابع پزشکی در جهان مدام در حال تغییر است و به روز می شود. بنابراین منابع کهنه نیز یکی دیگر از مشکلات حوزه کتاب های پزشکی در کشور است.

**در حوزه ویرایش کتاب های پزشکی چه مشکلاتی وجود دارد؟**

به دلیل نداشتن صرفه اقتصادی، اکثر ناشران نمی توانند هزینه به کار گرفتن ویراستار حرفه ای را

متحمل شوند و این مسأله، آسیبی جدی به کتاب های منتشر شده می زند. این مشکل، به ویژه در کتاب های تخصصی پزشکی منتشر شده بیشتر نمایان است و از آنجا که برای ویراستاری علمی یک کتاب باید هزینه زیادی پرداخت شود و ناشران پزشکی هم عموماً از پس این هزینه بر نمی آیند، کتاب های پر غلطی منتشر می شود که برای مخاطبان آنها، یعنی دانشجویان، ضرر زیادی دارد. گاهی هم دیده می شود که مترجمان، کار خود را ویراستاری هم می کنند که این کار هم بسیار غیر حرفه ای است.

**در حوزه انتشار کتاب های پزشکی، اوضاع کتاب های تالیفی چگونه است؟**

متأسفانه بیشتر کتاب های پزشکی ای که در کشور مامنتشر می شود ترجمه است چون نوشتن کتاب های تالیفی به پژوهش نیاز دارد و ما در این زمینه ضعف بسیاری داریم. تالیف یک کتاب پزشکی به وقت و هزینه زیادی احتیاج دارد و اکثر پزشکانی که پروژه های تحقیقاتی در دست دارند، به دلیل گرفتاری های کاری نمی توانند نتیجه پژوهش های خود را به صورت کتاب منتشر کنند، در حالی که اگر این اتفاق بیفتد، به گمان من به رشد کتاب های حوزه پزشکی منجر می شود. اما در حال حاضر کتاب های تالیفی پزشکی به گردآوری محدود شده و کمتر شاهد نتیجه تحقیقات بومی در این زمینه هستیم.

**برخی ناشران پزشکی معتقدند که برای ورود به این کار بهتر است ناشران، پزشک باشند. به نظر شما این الزام وجود دارد؟**

به عقیده من اگر سازماندهی و مدیریت نشر وجود داشته باشد، لزومی ندارد که ناشر این حوزه حتماً پزشک باشد و تنها استفاده از کمک نیروهای متخصص می تواند کار را آسان کند و در ضمن از بروز اشتباهات علمی و فنی در کتاب های پزشکی هم جلوگیری کند.

**محمد علی صبورا، مدیر انتشارات صبورا:**  
**دانشجویان، مخاطبان اصلی**

انتشارات صبورا ناشر کتاب های پزشکی، از سال ۱۳۷۶ تاکنون در این حوزه فعال است. محمد علی صبورا، مدیر این انتشارات معتقد است که اگر ناشری بتواند نام خود را در میان دانشجویان رشته های پزشکی جایبندداز می تواند از آینده کار خود اطمینان حاصل کند.

**مهم ترین مشکل حوزه انتشار کتاب های پزشکی چیست؟**

مهم ترین مسأله در این حوزه، تاریخ مصرف دار بودن کتاب هاست. مثلاً ممکن است کل اعتبار یک منبع پزشکی یک سال باشد.

ادامه در صفحه ۱۸

## تصحیح

بدین وسیله سمت دکتر مهتا میرمقتدایی؛ استاد مدعو دانشگاه تهران و واحد مرکز دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیأت علمی ساختمان و مسکن که در شماره گذشته اشتباه درج شده بود، اصلاح می شود.



نگاهی به مجموعه مقاله «طبیعت در هنر شرق»

# هنر شرقی در سایه طبیعت

فرهنگستان هنر پس از برگزاری چهارمین همایش جهانی خود با مضمون سرگذشت طبیعت به روایت هنر مشرق به چاپ و انتشار مجموعه ای برگزیده از مقالات ارسالی برای این همایش اقدام کرده است. همایش طبیعت در هنر شرق با برگزاری پیش همایش هایی در دهلی، تاشکند، همدان، سنج، خرم آباد و مشهد از سیزدهم آذر ۱۳۸۴ به مدت چهار روز در تهران برگزار شد و مقالات ارسالی به آن شامل ۵۲ مقاله از خارج از کشور و ۱۲۹ مقاله از داخل کشور بود.

مجموعه مقالات منتشر شده در قالب کتاب «طبیعت در هنر شرق» شامل یازده مقاله داخلی و خارجی است و شمایی کلی از مباحث مطرح شده در این همایش را به مخاطب انتقال می دهد.

در این همایش که بیشترین سهم مقالات آن به ایران و چین تعلق داشته، نویسندگان مقالات، مضامین گوناگون و تجلی نگرش های اعتقادی، دینی و فلسفی بر آثار هنری به ویژه نقاشی را مورد ارزیابی قرار داده اند. محققان حوزه شبه قاره هند در همایش «طبیعت در هنر شرق» با استناد به منابع دینی و ادبی، باورهای عام و روابط انسان را با طبیعت، در زمینه بیان در آثار تجسمی مطرح کرده و در تحلیل گسیختگی این رابطه، آن را منجر به فاجعه زیست محیطی کنونی دانسته اند.

یکی از پیام های این محققان، برگشت به زندگی سنتی و توجه انسان به نقش مرکزی خود در ایجاد تعامل میان تضادها در طبیعت بوده است. همچنین در حوزه نقاشی و تصویرگری، اصول فنی نگارگری، ابزار و مصالح کاغذسازی، نگرش های مذهبی و عرفانی و عناصر طبیعت در مکاتب مختلف، در این مقالات بررسی شده اند.

نویسندگان مقالات این همایش ترکیبی از صاحب نظران فرهیخته مکاتب علمی و جوانانی است که نخستین تجارب خود را ارائه کرده اند.

کمیته علمی این همایش، مرکب از مهرداد احمدیان، حسن بلخاری، نصرالله تسلیمی، عبدالمجید حسینی راد، حبیب درخشانی، بهنام کامرانی و منیژه کنگرانی، دبیر کل همایش بهمن نامور مطلق، دبیر اجرایی محسن زارع، دبیر هنری مرتضی گودرزی و دبیر علمی آن نوشیندخت نفیسی بوده اند.

از آنجا که سبک شناسی را محصول تجربیات فرهنگی و تکنیکی یک جامعه دانسته اند، در این همایش انواع سبک های هنری و چگونگی به تصویر در آمدن طبیعت در آنها و همچنین میزان و چگونگی حضور طبیعت در هنر، تمدن ها و کشورهای شرقی و نزدیکی ریشه های عمیق اندیشه و تخیل ملت های شرقی مورد مطالعه قرار گرفته است که بازتاب آن در مقالات کتاب «طبیعت در هنر شرق» واضح است. حبیب الله آیت الهی در مقاله خود با عنوان «طبیعت در هنر مشرق زمین» پیوند و ارتباط فضای بیرونی با فضای درونی هنرمند را جوهر هنر او و طبیعت را بخشی از فضای بی نهایت گسترده شده یا بی نهایت فضا می داند. وی در مقاله اش نوشته است: «بی نهایت در باختر در تداوم و در حرکت یکنواخت، پیش و کم، تند یا کند است. ولی در خاور به ویژه در خاور دور، بی نهایت در تغییر و تحول هایی است که به صورت تناوبی از تندی ها و کندای های بیش و کم متغیر، آشکار می گردد.»

وی معتقد است در طبیعت سازی ایرانی، هنرمند می کوشد همه عناصر تشکیل دهنده اثر را از کوچک ترین تا بزرگ ترین آنها با ارزش زیبایی شناسی یکسان نشان دهد، به این دلیل که زیبایی صفتی از صفات خداوند است و بیش از هر چیز برای او اهمیت دارد.

به زعم این محقق، در اندیشه و تفکر چینی نیز فضای کیهانی یا تهی بی نهایت، همه چیز را دربر می گیرد و هر چیز در این فضا، هر چند که به زیبایی وجود دارد، ولی خرد و ناچیز است. همه چیز در فضا سیال و شناور است و لایه ای خاکستری که رنگ فضاست، آنها را می پوشاند.

آیت الهی این لایه خاکستری را همانند رنگی می داند که هنرمندان احساسگرای فرانسوی در پایان سده نوزدهم میلادی برای فضا قائل شدند. وی در انتهای مقاله اش به این نتیجه می رسد که هماهنگی «تکر رنگ» در هنر چین و هماهنگی پرتنگ در هنر ایران، از شاخه های هنر ایران و چین است و برخلاف هنر خاور دور، هنرمند ایرانی از فضای تهی پرهیز می کند. به باور او نفرت از فضای تهی یکی از ارکان زیبایی شناسی هنر ایران است.

در مقاله دیگری از این مجموعه، با عنوان «جایگاه اسطوره ای طبیعت از منظر هنر شرق» محمد رضا

پورجعفر و ایمان زکریایی کرمانی به مطالعه موردی نقاشی های میتیلا در شبه قاره هند پرداخته اند. نقاشی میتیلا یا مادھویانی یکی از سبک های نقاشی عامیانه هند است که هنرمندان آن، اکثراً زنان روستایی منطقه میتیلا در ایالت بهارند. این نوع نقاشی، یکی از عرصه های ظهور طبیعت در نقاشی شبه قاره است که جلوه های طبیعت در محتوا، مواد و مصالح و حتی تفکر نهفته در زمینه آثار، کاملاً مشاهده می شود. زنان روستایی با زبان تصویر و نمادپردازی های موجود در این نقاشی، سه مولفه مهم طبیعت، اساطیر و ذهن هنرمند را به تصویر می کشند. حضور طبیعت در نقاشی های میتیلا را می توان در قالب طبیعت واقعی و طبیعت اسطوره ای مشاهده کرد. از این رو، طبیعت اسطوره ای جایگاه رفیع تر و پرتنگ تری را به خود اختصاص داده و به صورت گیاهان و جانوران نمادین و خدایان و الهه های هندو متجلی می شود.

نویسندگان این مقاله معتقدند میتیلا نام خود را از بانوی اسطوره ای هند، سیتا گرفته است. سیتا همسر باوفا ی رام، قهرمان معروف ترین حماسه ملی هند و هشتمین اوتار ویشنو، در ناحیه میتیلا به دنیا آمده و نام دیگر او میتیلی است.

در پایان این مقاله، تصویری سیاه و سفید در تناسب با متن به آن ضمیمه شده است که نویسنده در لایه لای سطرها به آنها اشاراتی می کند. یکی از تصاویر جالب توجه در این میان، تصویری از یکی از نقاشی های میتیلا است که حمله به برج های تجارت جهانی نام دارد. با رجوع به متن در سطرهای مرتبط با این تصویر آمده است:

«تصویری از اتوبوس، قطار، دو چرخه و اتومبیل، که با طرح ها و نقش مایه های سنتی و نمادین تزیین شده، علاوه بر به تصویر کشیدن طبیعت و سوژه های پیرامون، نوعی تقدیس و سنت گرایی را به نمایش می گذارد. حوادث بین المللی، مانند انقلاب کبیر فرانسه و حتی انفجار برج های تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از دید این هنرمندان دور نمانده است.»

در مقاله ای دیگر از این مجموعه با عنوان «طبیعت از منظر نگارگر ایرانی» مهدی حسینی با اشاره به جهان بینی نگارگران ایرانی در ادوار مختلف، از دیدگاه متفکرانی چون ابن عربی و ملا محسن فیض کاشانی جهان نگارگر

نقطه اشتراک شعر منوچهری و سپهری را توجه به تصویرگری عناصر طبیعت، رنگ ها و شکل ها برای باز آفرینی هنری جهان می داند و معتقد است مواجهه با برون گرایی، جزئی نگری و توصیف اشیاء و پدیده های مادی در شعر منوچهری و نگاه به دنیای خارج، مقدمه ای برای ورود به عالم اندیشه و دنیای درون شعر سپهری است و در نهایت منوچهری را شاعری که نقاشانه به جهان می نگرد و سپهری را نقاشی که جهان را شاعرانه می بیند، توصیف می کند. در بخشی از این مقاله می خوانیم: «فزون بر دل بستگی منوچهری دامغانی و سهراب سپهری به نقاشی و رنگ آمیزی بیان شاعرانه، نگاهشان نیز به جهان، انسان و هستی، با روشنی، بهجت و خوش بینی همراه است. با این حال تفاوت های تأمل بر انگیزی هم در شیوه بیان این دو شاعر دیده می شود.» حسن بلخاری نیز در مقاله اش با عنوان «راز بهار در آینه اسرار» به تأویل معنای بهار در آرای ابن عربی و مولانا پرداخته است. به اعتقاد وی فصل بهار بنابر تحولات وسیعی که در جان طبیعت برمی انگیزد، مستعدترین معنا در تشبیهات و تمثیلات روحانی برای جریان مفاهیمی است که به دلیل تجرید، به ناچار در پس تأویل پنهان شده اند.

وی برای تبیین دیدگاه خود از روایاتی استفاده کرده است که بهار را تطهیر نفس آدم و تمثال عقل کلی دانسته، نفعه آن را نفعه احیای الهی در جان آیینه گون خلیفه الهی می داند که خود نظیر تمامی عالم است. بلخاری در سرتاسر مقاله اش اشعاری از مثنوی و دیوان شمس را به



ایرانی را آشکار می کند. حسینی در بخشی از این مقاله به نگاره «نبرد رخس با شیر» پرداخته و معتقد است این نگاره پیش از آن که یک صحنه کارزار باشد، گلشن درختان مصفا بی است که نهرها در آن جاری اند و هر گوشه از آن، پوشیده از انواع گوناگون گل ها و گیاهانی است که تنها در فردوس برین یافت می شود.

نویسنده، هنر نگارگری ایران را جهان منترعی از عالم هستی می داند که در فروغ رنگ های تابناک با ساختاری منسجم و تنظیمی هوشمندانه کوشش می کند. تازیبایی و کمال را در این سادگی آشکار سازد می نویسد: «فعالیت این زیبا آفرینان به سان تلاش کیمیا گرانی است که سعی بر این دارند تا انوار الهی را که در جسم رنگ های به کار رفته و متن، زندانی گردیده است، رها سازند.»

وی همچنین این تصور تماشاگر غربی که پیکر تر اشان شمایل های بودا و ویشنو قصد داشته اند پیکره هایی نظیر آثار میکل آنژ و رودن بیافرینند ولی به علت ضعف دانش کالبد شناسی و ناتوانی فنی نتوانسته اند به این مرتبه دست یابند را غلط فهمی آثار شرقی و ناشی از تفاوت دیدگاه ها و یک خلط منطقی می داند.

از دیگر مقالات این مجموعه می توان به «گل در هنر مغول» از سوزان استرانگ، «طبیعت گرایی در هنر ساسانی» از محمد رضا ریاضی، «طبیعت و ارتباط آن با انسان در نظر چوانگ تسه» از وو ژو، «جویبار نقره ای در پیش زمینه» از الینور سیمز، «انتقال فضا از عرصه طبیعت به نقاشی» از ژان شیان، «طبیعت در واقعیت و طبیعت در تخیل درونی» از لو شیبینگ، «طبیعت در تفکر زرتشت» از نزهت صفای اصفهانی و «طبیعت هنر و هنر طبیعت» از بی.ال. مالا اشاره کرد.

کتاب «مجموعه مقالات همایش طبیعت در هنر شرق» در بهار ۸۸ توسط مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری در ۳۲۸ صفحه در قطع وزیری، شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و با قیمت ۶۵۰۰ تومان منتشر شده است.

عنوان شاهد بر نظریات خود آورده و مبنای تشبیه چهار فصل سال به نفوس انسانی از دیدگاه ابن عربی در تطهیر نفس و بهار و تشابه کارکرد باد بهاری در نفس با جریان آن در کالبد اشجار و ریاحین را تمسک به آیات شریفه قرآن مجید می داند.

مقاله آخر این کتاب با عنوان «بهار طبیعی و بهار عرفانی: تقابل یا مکمل» از بهمن نامور مطلق نیز به بررسی هستی شناسانه بهار در ادبیات و به ویژه هنر ایرانی اختصاص دارد و نویسنده با ارائه نمودهایی از وجوه طبیعی و عارفانه آن، از بهار طبیعی در نقاشی و ادب ایرانی دفاع می کند. وی با یادآوری بخشی از یک نظریه هنری که به طبیعت گریزی و طبیعت ستیزی پرداخته است، تعمیم یک نظریه بر دیگر نظریه ها و به عبارتی تعمیم قواعد یک جزء بر کل را از آسیب های جدی ای می داند که همواره نظریه و نقد هنری را تهدید می کند. نامور مطلق در بخشی از این مقاله می نویسد: «طبیعت و به ویژه بهار در فرهنگ و اندیشه ایرانی، نمودی چند بعدی و چندساختی دارد. بر همین اساس بهار فقط در جنبه بیرونی و مادی آن در هنر و ادبیات ایرانی بروز نیافته، بلکه این فصل نماد و نمودی از تحولات درونی شاعران و هنرمندان نیز به حساب می آید. آن گونه که بهار نزد شاعران عارف ایرانی دارای وجود انفسی و مثالی نیز می باشد.»

کتاب «مجموعه مقالات همایش بهار ایرانی» در بهار ۸۸ توسط مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری در ۳۲۸ صفحه در قطع وزیری، شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و با قیمت ۶۵۰۰ تومان منتشر شده است.

معرفی کتاب

## سرانگشت بهار در شعر و نقاشی ایران



نخستین همایش علمی و نمایشگاه شعر و نقاشی ایرانی با عنوان «بهار ایرانی» از سلسله همایش های شعر و هنر مرکز تحقیقات دانشگاه الزهراء (س) در بهار سال ۱۳۸۶ در محل موزه هنر های معاصر تهران برگزار شد.

۱۴ مقاله از مقالات ارسالی از جمله ۱۰ مقاله ارائه شده در این همایش، در قالب کتاب «مجموعه مقالات همایش بهار ایرانی» به

کوشش دبیر علمی همایش و با همکاری معاونت علمی - پژوهشی فرهنگستان هنر، توسط مرکز تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری در بهار امسال منتشر شد. محورهای کلی مورد نظر در این همایش «تاثیر شعر معاصر بر نقاشی معاصر»، «تاثیر شعر قدیم بر نقاشی سنتی، نوگرا و معاصر» و «شاعران نقاش، نقاشان شاعر» بوده است.

اسماعیل امینی در مقاله خود با عنوان «نگارگری و رنگ آمیزی در اشعار منوچهری و سپهری» برای نشان دادن پیوند های هنر نقاشی و سخنوری به بررسی و مقایسه پرداخته است. وی در این مقاله، مهم ترین



به مناسبت روز بزرگداشت بوعلی سینا (روز پزشک)

# شورای پزشکی اطبای خاموش در کتابخانه دانشگاه

## شیوع خوددرمانی

دکتر اصفهانی ضمن آن که تلاش های انجام شده در مراکز تخصصی برای توسعه دانش طب سنتی را تلاش های درخور و مناسبی می داند، از کم کاری پژوهشگران این عرصه برای انتقال ارزش های طب سنتی به عموم مردم که میراث تمدن دوره اسلامی است انتقاد می کند. او می گوید: «به نظر من حالا وقت آن است که کارهای عمومی را شروع کنیم. اگر این کار را نکنیم، ممکن است برخی با نگاهی غیرمسئولانه این کار را انجام دهند و آسیب رسان شوند. انتشار کتاب برای مردم و آشنا کردن آنها با طب سنتی کار بسیار حساسی است. باید با این قضیه مسئولانه برخورد کرد. لازم نیست همه طب سنتی را به زبان مردم بازنویسی کرده و به عموم آنها ارائه داد. این کار ممکن است خوددرمانی را شایع کند که بسیار جای نگرانی دارد. یکی از کارهای خوبی که در این حوزه انجام شده است و می تواند الگوی خوبی برای نحوه نگارش و انتشار کتاب های عمومی طب سنتی باشد، کتاب «دهکده تندرستی» است که دکتر ناصری آن را نوشته و دانشگاه شاهد منتشر کرده است و بسیار کتاب مسئولانه ای است. امیدوارم این نوع کارها رشد پیدا کند. ما باید بتوانیم موضوعات قابل فهم را از طریق خانه های بهداشت ترویج کنیم و موضوعات و یافته هایی که به درد آموزش عمومی می خورد را تدوین کنیم. هزاران دستور خوب در کتاب های کهن طب سنتی وجود دارند اما دستوراتی هم هستند که امروزه پیشرفت های پزشکی اشتباه بودن آن را ثابت کرده است.



اگر قرار است کسی سلامتی رفته را باز آورد با خواندن کتاب های طب سنتی و دستور العمل های آن نمی تواند این کار را انجام دهد و باید به پزشک مراجعه کند. اکنون سه مرکز تحقیقاتی و پژوهشی وجود دارند که می توانند منبع خوبی برای تایید کتاب های طب سنتی ای باشند که برای استفاده عموم منتشر می شوند؛ یکی موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایران که اولین مرکز تحقیقات رسمی است و در خیابان لاله زار، سرای مشیرالدوله پیرنیا مستقر است. دیگری مرکز تحقیقات مفردات طب دانشگاه شهید بهشتی و سومی مرکز تحقیقات دانشکده پزشکی دانشگاه تهران.

آشنایی عموم مردم با طب سنتی؛ استادان دانشکده کتاب هایی را به زبان ساده ترالیف کردند که نمونه های آن «بهداشت تغذیه در روزه» و «آیین تندرستی» دکتر محمد مهدی اصفهانی است که اولی را موسسه فرهنگی جهان کوثر و دیگری را انتشارات تدریس منتشر کرده است. وقتی با همین مقدمه آشنا می شدم دکتر اصفهانی هم رسید و حالا بقیه حرف ها را از زبان او می شنویم.

## از مرز پیشگیری خارج نشویم

دکتر اصفهانی معتقد است: «کتاب هایی که در طب سنتی منتشر می شوند، چند دسته اند؛ کتاب هایی که بزرگان طب به عنوان منبعی برای آیندگان نوشته اند و کاملاً تخصصی اند و در طول قرن ها هم در ایران و هم در دانشگاه های معتبر دنیا مورد استفاده قرار گرفته اند؛ مثل آثار محمد بن زکریای رازی، حسین بن عبدالله سینا، علی بن عباس و ... از سوی دیگر همین بزرگان گاهی کتاب هایی نوشته اند که برای استفاده عموم نیز مناسبند. مثلاً رازی کتابی دارد به نام «من لایحضره الطیب» یعنی برای کسی که در محضر طیب نیست و این کتاب در طول قرن ها مورد استفاده مردم کوچه و بازار بوده است. این کتاب در زمان شاه سلیمان صفوی به زبان فارسی ترجمه شد و نام آن را «تحفه سلیمانیه» گذاشتند. به تازگی نیز گروهی از دانشجویان طب سنتی کتاب را با شرح لغات مشکل و حاشیه نویسی برای عموم مردم منتشر کرده اند که کتاب ارزشمندی است. کتاب «قانونچه» را هم سال ها پیش مرحوم دکتر محمد تقی در ترجمه کرد. این کتاب برای کسانی که می خواهند به صورت علمی و تحقیقی وارد این مقوله شوند، مناسب است.»

وقتی بحث به این سرعت به موضوعی کشیده می شود که اساس این گزارش است، فرصت را غنیمت می شمردم و نظر دکتر اصفهانی را درباره کتاب های بازاری ای که در حوزه طب سنتی منتشر می شوند و ضرورت نظارت یک نهاد علمی بر انتشار این کتاب ها می پرسم. دکتر اصفهانی به خاطر های نقب می زند و می گوید: «خاطر من ۲۷ سال پیش، شخصی کتابی را جمع به گیاهخواری نوشته بود. وزارت ارشاد این کتاب را برای ما فرستاد و پرسید که آیا محتوای آن را به لحاظ علمی تایید می کنید یا نه، ولی الان این کار انجام نمی شود و بعضی از این کتاب ها ممکن است اصلاً به حال مردم مفید نباشد. البته بعضی از این کتاب ها در محدوده ای که مطرح می شوند، خوبند. باید توجه داشت که اطلاعات عمومی مردم در حد پیشگیری از ابتلا به بیماری می تواند برایشان مفید باشد نه در حوزه درمان. به طور مثال، الان کتاب های طب ائمه خیلی منتشر می شوند. بسیاری از موارد احادیث ائمه مربوط به پیشگیری از بیماری یا رعایت مسائل بهداشت فردی و عمومی اند، اما آنجا که احادیث به درمان یک بیماری اشاره می کنند، خیلی باید مورد دقت قرار گیرند. شاید کلماتی اشتباه ترجمه شده باشند یا کاتب چیزی را از قلم انداخته باشد. مرحوم شیخ صدوق در باب چهل و چهارم کتاب «اعتقادات صدوق» نظر خود را درباره روایات طبی بیان می کند و شیخ مفید هم بر آن شرح می نویسد. در آنجا آمده است چه بسا روایتی جعلی یا کاتب در ثبت روایتی اشتباه کرده باشد یا اصلاً توصیه درمانی مربوط به فرد خاصی در شرایط زمانی و مکانی خاصی باشد. اما روایات عام هم وجود دارد.»

## سخت و ساده در طب سنتی

با آغاز به کار دانشکده طب سنتی در نخستین دوره پذیرش یعنی سال ۱۳۸۶، ۲۴ دانشجو وارد این دانشکده شدند. سال بعد عده این دانشجویان که همگی پزشکی علمی یا داروساز بودند ۳۷ نفر بود. همزمان سه کلینیک طب سنتی به نام های فردانش، خارک و امام خمینی (ره) تاسیس شدند. استقبال مردم از این شیوه طبی، درمانی باعث شد یک دوره آموزش عمومی هم برگزار شود. دامنه این استقبال و اشتیاق به بازار کتاب هم کشیده شد و کتاب های طب سنتی به رده کتاب های پرفروش نزدیک شد.

## پیشگیری بهتر از درمان

اگرچه کتاب هایی مثل «مخزن الاسرار»، «قانون»، «مخزن الادویه»، «اکسیر اعظم»، «قرابادین کبیر»، «داروهای گیاهی چین»، «تدبیر الحیالی و الاطفال و الصبیان»، «مفتاح الادویه ناصری»، «الکلیات فی الطب»، «حفظ الصحه»، «کتاب حاذق» و ... از مهم ترین منابع علمی در طب سنتی محسوب می شوند، اما فهم آنها برای بسیاری دشوار است. بنابراین برای

«باید دانست که تن مردم چیزی است ترکیب شده از ماده ای و از صورتی و ماده چیزی است فراز هم آورده از چهار مایه، هر یک با دیگر ناسازنده و ناگنجد. هر گاه که هر چهار مایه از یکدیگر جدا باشند، فعل و طبع و جایگاه هر یک، دیگر باشد و از یکدیگر گریزان باشند و یکدیگر را تباه کنند سپس تن مردم به سبب ناسازندگی مایه ها که ماده او از آن فراز هم آورده اند، ناچار تباه شوند است.»

این جملات را از روی کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» تالیف حکیم سید اسماعیل جرجانی (قرن هفتم هجری) می خوانم؛ وقتی در کتابخانه دانشکده طب سنتی در خیابان طالقانی تهران منتظر رسیدن دکتر محمد مهدی اصفهانی استاد این دانشکده هستم که پژوهشگر و مولف چندین کتاب طب سنتی است. قرار است در آستانه سالروز میلاد حکیم ابوعلی سینا، خواننده گزارشی درباره تولید کتاب در حوزه طب سنتی باشید. موضوعی که طی چند سال اخیر با استقبال کتابخوانان خاص و عام مواجه شده است و ناشران کوچک و بزرگ را وسوسه کرده است تا هر یک به فراخور نوع نگاه و سطح بینش خود، کتاب های کوچک و بزرگ طب سنتی و حاشیه های پرفردارش را منتشر کنند.

## همنشینی دو ستانه کتاب های متخاصم

ساناز مستوفیان از واحد انفورماتیک دانشکده، راهنمای ما در این گزارش است و درباره کتابخانه دانشکده توضیح می دهد. کتابخانه دانشکده طب سنتی جای کوچکی است در طبقه دوم ساختمان شماره ۴ دانشکده، با فضای بزرگتری به عنوان قرائتخانه. با این حال همین فضای کوچک یک هزار نسخه کتاب را در خود جای داده است. کتاب هایی که از قرن ها پیش راه پرپیچ و خم تاریخ را طی کرده اند و حالا اینجا، همه کنار هم در قفسه های چوبی جا خوش کرده اند. بدون دعوای علمی. مثلاً کتاب «طب جالینوس» در کنار کتاب «الشکوک علی جالینوس» محمد بن زکریای رازی نشسته است که کتابی انتقادی در رد علمی برخی از آرا و نظریات جالینوس در طب است!

اگرچه کتابخانه دانشکده طب سنتی به دانشجویان، استادان دانشگاه و عموم مردم خدمات ارائه می کند و همه شهروندان می توانند از کتاب های این کتابخانه استفاده کنند اما بیشتر آنها به زبان های عربی و اردو نوشته شده اند که تا پیش از قرن هفتم هجری زبان علمی دنیای آن روز بوده اند. البته برخی از این کتاب ها به همت استادان و دانشجویان دانشکده، بازخوانی، ترجمه و ویرایش و در تعداد محدودی چاپ شده اند. نسخه های خطی کتاب های طب سنتی هم خارج از کتابخانه نگهداری می شوند.

با آغاز به کار دانشکده طب سنتی در نخستین دوره پذیرش یعنی سال ۱۳۸۶، ۲۴ دانشجو وارد این دانشکده شدند. سال بعد عده این دانشجویان که همگی پزشکی علمی یا داروساز بودند ۳۷ نفر بود. همزمان سه کلینیک طب سنتی به نام های فردانش، خارک و امام خمینی (ره) تاسیس شدند. استقبال مردم از این شیوه طبی، درمانی باعث شد یک دوره آموزش عمومی هم برگزار شود. دامنه این استقبال و اشتیاق به بازار کتاب هم کشیده شد و کتاب های طب سنتی به رده کتاب های پرفروش نزدیک شد.

اگرچه کتاب هایی مثل «مخزن الاسرار»، «قانون»، «مخزن الادویه»، «اکسیر اعظم»، «قرابادین کبیر»، «داروهای گیاهی چین»، «تدبیر الحیالی و الاطفال و الصبیان»، «مفتاح الادویه ناصری»، «الکلیات فی الطب»، «حفظ الصحه»، «کتاب حاذق» و ... از مهم ترین منابع علمی در طب سنتی محسوب می شوند، اما فهم آنها برای بسیاری دشوار است. بنابراین برای

**خانه کتاب**

### فراخوان

## بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

بیست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بین ماه ۱۳۸۸ برگزار می شود. بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، مصححان و ناشران دعوت می کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال ۱۳۸۸ تا شهریور ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

**اهداف کتاب سال:**

« ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی  
« حمایت و ترویج مؤلفان، مترجمان و مصححان و ناشران متعهد کشور

**شرایط شرکت در کتاب سال:**

« آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.  
« کتاب های درسی و کمک درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-  
دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۹ - دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸  
www.ketabhal.ir

گزارشی درباره اعتیاد به اینترنت و رسانه های نو ظهور

# نقش کتاب در تعدیل استفاده از رسانه های نوین

فرهنگ کشورمان همخوانی بیشتری خواهد داشت، البته وجود کتاب های ترجمه شده در این زمینه نیز ارزشمندند.»

کتابخانه ها و سایر مکان های فرهنگی که مخاطبان اصلی آنها نوجوانان و جوانانند، نقش بسزایی در پر کردن اوقات فراغت این قشر از جامعه دارند و جذابیت برنامه های این گونه مراکز باعث کاهش روی آوردن جوانان و نوجوانان به اینترنت و اتلاف وقت آنها در فضای وب می شود.

سعید غفاری، استاد دانشگاه و نویسنده در حوزه کتابداری، در این باره می گوید: «باید از کودکان آغاز کنیم و فرهنگ مطالعه را از کودکی آموزش دهیم. زمانی که کودک با مطالعه انس بگیرد، در نوجوانی و جوانی نیز زمانی را برای مطالعه اختصاص می دهد و این باعث می شود که تمام وقت خود را در اینترنت تلف نکند.»

وی می افزاید: «کتابخانه ها نیز با گنجاندن برنامه های جذاب و سرگرم کننده، می توانند بخشی از اوقات فراغت جوانان را به خود اختصاص دهند. زمانی که فرد در محیط کتابخانه قرار می گیرد، به مرور زمان این انگیزه در وی ایجاد می شود که سری هم به قفسه های کتاب آن کتابخانه بزند و از این طریق نیز می توان وابستگی به اینترنت را کاهش داد.» غفاری اعتقاد دارد: «اگر صحافی کتاب ها و مطالبی که منتقل می کنند و تصویرگری داستان ها، استانداردها و متناسب با فرهنگ ایرانی و برای جوانان جذابیت های لازم را داشته باشند، از امکان استفاده های نادرست از رسانه های نوین جلوگیری می کند و جوانان و نوجوانان به صورت هدفمند از این تکنولوژی ها استفاده خواهند کرد.»

وقتی کودکان نسل امروز به سن بلوغ می رسند، به راحتی با طرز کار و وسایلی که به سرعت راهی بازار می شوند، آشنایی شوند و متناسب با سرعت پیشرفت دانش، خود را به آخرین دانش روز مجهز می کنند. لذا نسل آینده نسلی است که با رایانه و اینترنت و دیگر فناوری های نوین ارتباطی بزرگ و به شدت به آنها وابسته می شود. در این میان، کتاب نیز به عنوان یک رسانه ماندگار باید پیشرفت هایی داشته باشد تا در مقایسه با این رسانه ها، جذابیت خود را برای نسل جوان حفظ کند.

علیرضا محمودی، کارشناس کتاب و کتاب شناسی قوه قضاییه و استاد دانشگاه، در این زمینه می گوید: «محیط های اینترنتی اغلب ترکیبی از گرافیک، صدا و انیمیشن هستند که کتاب با تمام ویژگی های خاصی که دارد، فاقد اینهاست و تنها می تواند ارتباط کتاب و مخاطب را حفظ کند.»

وی عنوان می کند: «یکی از مباحثی که در جذب مخاطب به کتاب مطرح است و از پرسه زدن های بی هدف جوانان در فضاهای اینترنتی جلوگیری می کند، تولید کتاب های اینترنتی با گرافیک بالا است که علاوه بر جذب مخاطب، تصاویر جذاب آن باعث ماندگاری و تاثیرگذاری بیشتر محتوای کتاب می شود چراکه از نظر علمی ارتباط میان متن و تصویر تفکیک ناپذیر است.»

به اعتقاد محمودی اگر مراکز آموزشی و برنامه ریزی کشور در زمینه بالا بردن دانش اطلاعاتی نسل جوان گام بردارند و خانواده ها نیز سواد رایانه ای داشته باشند، کمتر با معضلاتی نظیر اعتیاد به اینترنت مواجه می شویم. همچنین، آموزش و پرورش نیز باید میحت دانش اطلاعاتی را جزو متون درسی دانش آموزان قرار دهد تا نسل جدید از دوران ابتدایی با فرهنگ استفاده از این تکنولوژی ها آشنا شود.»



وی با اشاره به این که اخلاق استفاده از این فرآورده ها تاکنون در کشورمان مغفول مانده بوی تردید امری بایسته و ضروری است، عنوان می کند: «در کشور ما ابتدا تکنولوژی و سپس فرهنگ آن وارد می شود به همین دلیل باید هنگام ورود تکنولوژی ها، بررسی کنیم که این تکنولوژی تا چه اندازه با فرهنگ ما همخوانی دارد و در صورت مغایرت، سعی در تولید فرهنگ بومی آن تکنولوژی کنیم.»

دکتر حمیدیان اذعان می دارد: «در سایر کشورها، از مقوله ای به نام «فرهنگ استفاده از اینترنت و موبایل» استفاده می شود و با وجودی که این فرهنگ کمی با فرهنگ ما مغایرت دارد، بهتر است از آن استفاده کنیم و در این زمینه به خانواده ها و جوانان آموزش دهیم و اطلاع رسانی کنیم.»

این نویسنده و روان شناس معتقد است که بیشتر کتاب های موجود در بازار در زمینه اینترنت و رایانه، جنبه آموزش فنی و تکنیکی دارند و کتاب هایی که فرهنگ استفاده از اینترنت و موبایل و سایر تکنولوژی ها را آموزش دهند، بسیار کم شمارند. وی عنوان می کند: «مقوله اخلاق در کشور ما اهمیت فراوانی دارد و برخی از بازی های رایانه ای و سایت های اینترنتی، تصاویری مستهجن دارند. برخی از سایت ها نیز در قالب هرزه نگاری فعالیت می کنند و ممکن است جوانان به دلیل کنجکاوی و عدم آگاهی لازم، از این طریق آسیب های جبران ناپذیری ببینند.»

دکتر حمیدیان اظهار می کند: «اگر در زمینه اخلاق استفاده از تکنولوژی ها کتاب های تالیفی داشته باشیم، بهتر است زیر دیرا تالیف یک اثر، مفاهیم از فیلتر عقاید یک نویسنده ایرانی عبور می کند و با

سپس جایگزین کردن سایر کارها و فعالیت ها که مانع از بازگشت فرد به سوی اعتیاد می شوند، به کار می رود به همین دلیل در زمینه اعتیاد به اینترنت و موبایل، کتاب می تواند برای محدود کردن ساعات استفاده از این پدیده های نو ظهور، جایگزین مناسبی باشد اما باید در نظر داشت که برای جذب جوانان، کتاب ها باید ویژگی های خاصی داشته باشند.»

دکتر حمیدیان درباره اینترنت و استفاده از کتاب برای محدود کردن ساعات مراجعه جوانان به این دنیای مجازی اظهار می کند: «اینترنت و موبایل از زندگی امروزی قابل حذف نیستند و این احاطه استفاده، باید کاملا آگاهانه باشد. لازم است در موارد گوناگون اهداف استفاده جوانان و نوجوانان را بررسی کنیم و کتاب هایی را که در اختیار آنها قرار می دهیم، باید متناسب با خواسته های آنان باشند و انگیزه آنان را برای مطالعه افزایش دهند.»

وی می افزاید: «کتاب ها علاوه بر این که مطالبی متناسب با سن و علاقه جوان و نوجوان ارائه کنند، باید دارای بار تصویری نیز باشند تا جوان و نوجوان با مطالعه کتاب دچار حظ بصری نیز بشود. اگر کتاب ها جذابیت داشته باشند، میزان اعتیاد جوانان به اینترنت کاهش می یابد.»

نویسنده کتاب «اعتیاد به اینترنت و موبایل» با تاکید بر این که «پژوهشگران و محققان ما باید سهمی در تولید علم در این مقوله مدرن داشته باشند» می گوید: «رود فرهنگ مرتبط با این فناوری و تلاقی آن با فرهنگ سنتی جامعه و واکنش های کم و زیاد به آن، تحقیقات در این زمینه را بومی و طبعاً منحصر به فرد می کند.»

به اعتقاد کارشناسان، کتاب نقش بسزایی در تعدیل استفاده از رسانه های نو ظهور از جمله رسانه های دیجیتال دارد. بر اساس این نظرها، دو عامل باعث می شوند که نسل جدید تسلط بیشتری بر دنیای فناوری اطلاعات و دیجیتال داشته باشد؛ نخست این که در این دوره، یادگیری رایانه به موضوعی ضروری بدل شده و انگار بدون داشتن تسلط کافی بر رایانه و اینترنت، کار و زندگی امکان پذیر نیست. عامل دوم این که کودکان و نوجوانان نسبت به افراد میانسال از اشتیاق و جسارت بیشتری برای کنجکاوی در رایانه و اینترنت برخوردارند و راحت تر با پندارها و باورهای امروزی و به اصطلاح «مدرن» کنار می آیند.

اینترنت امکانات و قابلیت های بسیاری برای کار، آموزش، بازی و ارتباطات ارائه می کند، اما کاربرانی که اغلب جوانانند - نیز وجود دارند که از این شبکه بیش از حد معقول استفاده می کنند. گاهی آنان حتی، از سرز رفتارهای اعتیادآوری چون خریداری بی ضابطه و تفتنی، عبور می کنند و تمام کنترل خود را در زندگی واقعی از دست می دهند. این رفتارهای اعتیادآور بدون وابستگی به مواد دارویی، با جست و جویی لذت بخش و هیجان انگیز آغاز می شود و باز دست دادن کنترل رفتار، فرد سرگردان در فضای سایبری را با آسیب هایی فردی و اجتماعی مواجه می کند که بیشتر آنها جدی، پیچیده و با منشاء ارتباطی همراه است.

نوجوانانی که در فضای مجازی، رفتارهای اعتیادگونه ناشی از وابستگی به اینترنت را از خود بروز می دهند، «غیر معمول و عجیب و غریب» نیستند، بلکه اکثر آنان نوجوانان و جوانانی اند که همه بازدهی و ظرفیتشان تحت تاثیر این رفتارهاست. دکتر فرود حمیدیان، روان پزشک و نویسنده کتاب «اعتیاد به اینترنت و موبایل» در این زمینه می گوید: «امروزه رایانه در معنای کلی و عام، از ساعت مچی گرفته تا بازی های رایانه ای و موبایل، بخشی از زندگی روزمره ما شده و نه تنها بخشی از زندگی، بلکه افکار، احساسات و روابط ما را نیز زیر و رو کرده و شاید تا امروز، نگاه ما نسبت به این پدیده همراه با تعجب و تحسین بوده و شاید به همین دلیل هم در این باره به خود جرات ابراز تفکر انتقادی نداده ایم.»

وی می افزاید: «وقایعی درباره تاثیرات روان شناختی عمیق این پدیده در سایر کشورها دیده می شود؛ نظیر وجود بیش از ۱۴۰ مرکز فعال برای مشاوره و درمان اختلال وابستگی به اینترنت در کره جنوبی، مرکزی برای بستری شدن وابستگان به اینترنت و بازی های رایانه ای در هلند، کمپ های شبانه روزی در چین برای ترک اعتیاد به اینترنت و بازپروری مبتلایان و سایر مراکز فعال در این زمینه که تامل برانگیز است.»

نکته جالب این است که بسیاری از متخصصان و مبتلایان به اعتیاد اینترنتی، واژه اعتیاد را نپذیرفته اند و در این باره از واژه وابستگی استفاده می کنند.

دکتر حمیدیان اعتقاد دارد: «اعتیاد ریشه روانی دارد و به مسائل گوناگونی از جمله مواد مخدر، خوراکی ها، بازی های رایانه ای، اینترنت و موبایل مربوط می شود. اخیراً نیز پزشکان به این نتیجه رسیده اند که اعتیاد، ریشه ژنتیکی دارد. از سویی دیگر، اعتیاد در تمام رفتارهای روزمره ما می تواند بروز کند در نتیجه اعتیاد را باید کمی گسترده تر دید و نباید آن را از زندگی روزمره جدا دانست. معمولاً برای ترک اعتیاد در مراحل گوناگون، ابتدا محدود کردن استفاده از آن فاکتور خاص و

# آرزوهای دست یافتنی یک نهاد

نهاد کتابخانه ها پس از تنظیم تفاهم نامه، کتاب های مورد نظر برای تجهیز کتابخانه خوابگاه های دانشجویی در اختیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفتند.

از سوی دیگر، برای اطلاع رسانی از تازه های نشر کشور به عموم مردم، با هماهنگی مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ها، پایگاه هایی با عنوان تازه های کتاب در استان ها تشکیل شد که وظیفه آنها دریافت تازه های کتاب و به نمایش گذاشتن آنها در محل خانه کتاب یا کتابخانه های مهم شهر یا استان است که اکنون تعداد این واحدها به ۵۷ پایگاه رسیده است.

در راستای توجه به سیاست های دولت نهم در زمینه های تمرکززدایی از تهران، عدالت محوری و برخوردارای استان ها از امکانات، در نهاد کتابخانه ها نیز برنامه هایی اجرا شده که از آن جمله تشکیل ۳۰ اداره کل در مراکز استان های کشور، ارتقای سطح مدیریت های ستادی، استانی و منطقه ای نهاد، جذب ۴۶۰ کتابدار در سال ۱۳۸۷ از طریق برگزاری آزمون استخدامی برای خدمات بهتر، تصویب آیین نامه توزیع نیروی انسانی بر حسب درجه بندی کتابخانه ها و طراحی نقشه های تیپ کتابخانه های عمومی استاندارد به عنوان بخشی از فعالیت های نهاد در بخش تمرکززدایی قابل توجه است.

به گفته معاون دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی، در دولت نهم، شرایط مناسبی برای توسعه فرهنگ کتابخوانی در کتابخانه ها به وجود آمد و در این راستا، نهاد کتابخانه ها در اولویت گذاری اطلاعات برای اقشار مختلف و در اختیار گذاشتن کتابخانه برای استفاده همه ایرانیان، اقداماتی انجام داد.

چاکری می گوید: «نهاد کتابخانه های عمومی باید بتواند اولویت گذاری اطلاعات را بر اساس نمونه علمی سامان دهد که متناسب با نیاز اعضا و شرایط امروز کشور، بهترین منابع را به اعضای کتابخانه و جامعه معرفی کند. اولویت گذاری اطلاعات به معنای ایجاد محدودیت برای فرد نیست، چراکه حدود ۱۲ گروه کارشناسی در نهاد کتابخانه ها تشکیل شده اند تا بهترین منابع را با توجه به شرایط فرهنگی هر منطقه تهیه و ارسال کنند. تغییر در معماری کتابخانه ها، یکی دیگر از کارهای جدیدی بود که اخیراً انجام شد. در عین حال به نظر می رسد کتابخانه های عمومی کشور با چالش ها و ضعف هایی روبه رو هستند که متخصص نبودن کتابداران و کمبود نیروی انسانی، کمبود تعداد کتابخانه ها، عدم رعایت استانداردها در ساخت کتابخانه ها، فرسودگی بناها، کمبود منابع مطالعاتی و البته کمبود اعتبار از جمله این ضعف هایند.»

بخشی از چالش های نهاد کتابخانه ها نیز متأثر از عوامل بیرونی است که عدم بسترسازی مناسب در هماهنگی سایر دستگاه ها، تخصیص نیافتن اعتبار کافی و کمبود سطح مشارکت مردمی، کمبود نیروی انسانی در حوزه کارشناسی و نبود سازمان و تشکیلات مناسب بخشی از مشکلات نهاد کتابخانه ها به شمار می رود.

کتابخانه باید بتواند نیاز تمام اقشار جامعه از جمله کودکان، افراد مسن، نابینایان، معلولان و ... را تامین کند بنابراین در نگاه جدید، کتابخانه باید محلی باشد که اعضای یک خانواده بتوانند منابع اطلاعاتی خود را به آسانی آنجا دریافت کنند.



قرار گرفته است.»  
برای برآورده کردن اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز حرکت در مسیر تحقق اهداف تعیین شده در سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴ شمسی، افزایش تعداد کتابخانه های عمومی کشور از ۱۸۰۰ باب به ۴۰۰۰ کتابخانه و همچنین تاسیس ۳۳۶ کتابخانه مرکزی در شهرستان های کشور برنامه ریزی شده است. از سوی دیگر، تعداد کتاب های کتابخانه های عمومی از ۱۶ میلیون نسخه فعلی به بیش از ۵۰ میلیون نسخه خواهند رسید.

به گفته معاون دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی، لازمه رسیدن به این اهداف، بهره گیری تمام عیار از ظرفیت های موجود در داخل میهن اسلامی و فرصت ها و امکانات موجود در عرصه بین المللی است.

نهاد کتابخانه ها با رویکرد سند چشم انداز سال ۱۴۰۴ نگاهی جدید به کتابخانه های عمومی دارد. این رویکرد محورهای متعددی دارد که از آن جمله می توان به ارتقای مطالعه مفید، اولویت گذاری اطلاعات، نقش آفرینی کتابداران به عنوان مشاور امین، تعامل مردم بانخبگان و... اشاره کرد. خلاقیت و نوآوری، موضوعی بسیار مهم است، از جمله این که چگونه می توانیم روحیه مبتکر بودن و خلاقیت را در میان اقشار مختلف جامعه رواج دهیم به همین منظور کتابخانه ها باید بتوانند از طریق تعامل با نخبگان و سازمان های فرهنگی و علمی در این راستا گام بردارند.

در سال های اخیر تمام فعالیت های نهاد از قبیل تعمیرات و بهسازی کتابخانه های عمومی موجود، افزایش کتابخانه های روستایی و افزایش منابع مکتوب را می توان جزو برنامه هایی برای توسعه کتابخوانی دانست که در کنار آن، طراحی برنامه های تبلیغی برای گسترش مطالعه و ایجاد انجمن خیران از سوی این نهاد با جدیت دنبال می شود.

برای تجهیز کتابخانه های مراکز علمی و دانشگاهی سال ۸۶ بر اساس تقاضای معاونت فرهنگی وزارت علوم و طبق فهرست ارسال شده از سوی آن وزارتخانه، اسامی ۶۳۲ کتابخانه خوابگاه دانشجویی توسط نهاد کتابخانه ها به معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام و بر اساس توان و موجودی انبار معاونت فرهنگی با اهدای کتاب در سه مرحله موافقت شد که با پیگیری

و ارشاد اسلامی، افزایش میزان مشارکت خیران و نیز افزایش ۳۰۰ درصدی تعداد کتابخانه های عمومی اشاره کرد.

معاون دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی در معرفی برنامه های پیش روی نهاد می گوید: «توجه به پراکندگی مناسب کتابخانه ها در نقاط شهری و روستایی، بهسازی و نوسازی کتابخانه های موجود با توجه به استانداردها، ایجاد شبکه اطلاع رسانی کتابخانه های عمومی و تامین تجهیزات و زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری لازم، برقراری تعامل موثر میان کتابخانه ها و دیگر نهاد های فرهنگی داخل و خارج کشور، افزایش منابع چاپی، تعیین سهم مشخصی از عنوان بازار نشر و تخصیص یارانه کتاب از طریق کتابخانه های عمومی، از برنامه های اصلی این نهاد به شمار می روند.»

حمیدرضا چاکری به طرح های مطالعاتی در دست اقدام نهاد اشاره می کند و می افزاید: «این نهاد برنامه های جامعی نظیر طرح جامع توسعه کتابخانه های عمومی کشور، مکان یابی کتابخانه ها، توسعه کتابخانه های روستایی، تجهیز کتابخانه های عمومی به ابزارهای نوین اطلاع رسانی، برنامه ریزی آموزشی و دانشگاهی برای نیروهای شاغل و طرح گسترش کتابخانه های تخصصی (کودکان، تفاهم نامه ای، نابینایان، معلولان و زندان ها) را در دستور کار دارد. همچنین در برنامه میان مدت نهاد (اول مهر ماه سال ۸۶ تا پایان برنامه چهارم توسعه) ارتقا و توسعه کتابخانه ها و کتابخوانی، افزایش تعداد کتاب در کتابخانه های عمومی، توسعه نیروهای انسانی و... مورد توجه

سال ۱۳۸۳ با توجه به قانونی که در مجلس ششم تصویب شد، کتابخانه ها از حوزه نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خارج شد و اداره آن در قالب نهاد کتابخانه های عمومی زیر نظر هیات امنایی متشکل از اشخاص حقیقی (منتخب رئیس جمهور) و اشخاص حقوقی (منتخب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، رئیس کتابخانه ملی، رئیس شورای عالی استان ها، یکی از نمایندگان مجلس و نیز یکی از معاونان سازمان برنامه قرار گرفت و در عین حال در استان ها و شهرستان ها نیز انجمن های کتابخانه های عمومی زیر نظر استانداران شکل گرفتند.

نهاد کتابخانه های عمومی کشور عهده دار ترویج کتابخوانی در ایران است و جایگاه پویای آن، ضرورت توسعه کتابخانه های عمومی کشور را تا دستیابی به استانداردهای بین المللی، اجتناب ناپذیر می کند.

کتابخانه ها به عنوان نهادی عمومی در عرصه جامعه ایفای نقش می کنند و به عنوان سازوکاری حیاتی در فرایند توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه شناخته شده اند از این رو مشخص است که چنین نهادی از اهداف چندگانه ای در حوزه فعالیت برخوردار است.

از جمله اهداف نهاد کتابخانه ها می توان به فراهم کردن محیط مساعد برای دستیابی آسان اقشار جامعه به منابع مکتوب، کمک به افزایش آگاهی های عمومی، ایجاد امکانات لازم برای استفاده مطلوب از فناوری اطلاعات و فراهم کردن فرصت لازم برای توانمندسازی علمی جامعه اشاره کرد.

در سال های اخیر، پس از شکل گیری نهاد کتابخانه ها، با تغییر نوع نگاه در موضوع کتابخوانی و کتابخانه ها روبه رو بوده ایم.

به گفته حمیدرضا چاکری، معاون دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی کشور، توسعه فرهنگ کتابخوانی، توسعه فیزیکی کتابخانه های عمومی، تقویت جایگاه ساختاری نهاد، بهبود و توسعه تجهیزات کتابخانه های عمومی، ایجاد شبکه کتابخانه ای، جایگزینی تجهیزات فرسوده با تجهیزات استاندارد و... از جمله محورهای فعالیت نهاد کتابخانه های عمومی در دولت نهم بوده اند.

در این دولت شرایطی فراهم شد تا نیروهای انسانی شاغل در کتابخانه ها تحت پوشش های تامین اجتماعی قرار بگیرند. علاوه بر این، برنامه های آموزشی برای کتابداران از ابتدای دولت نهم سامان یافت و به همین منظور بیش از ۴۶۰ کتابدار جدید که همگی تحصیلات دانشگاهی در رشته های کتابداری و رشته های مورد نیاز نهاد را داشتند استخدام شدند.

ارتقای سطح مدیران استانی به مدیران کل نیز تغییر دیگری بود که در ساختار نهاد ایجاد شد.

افزایش تعداد کتابخانه های عمومی از ۱۲۸۸ به ۱۸۰۰ باب (نهادی و مشارکتی) با اولویت ایجاد کتابخانه در ۱۹۲ شهر فاقد کتابخانه در کشور و ارائه خدمات کتابخانه ای با استفاده از فناوری شناسایی فرکانس رادیویی، برنامه های دیگر نهاد کتابخانه ها بود که در دولت نهم انجام شدند. در این راستا، همچنین می توان به تهیه و تصویب چارت جدید تشکیلاتی نهاد، تدوین ضوابط جدید درجه بندی کتابخانه ها، ایجاد کمیته های تخصصی انتخاب کتاب، برگزاری منظم جلسه های هیات امنای کتابخانه های عمومی به ریاست وزیر فرهنگ

**نهاد کتابخانه های عمومی کشور عهده دار ترویج کتابخوانی در ایران است و جایگاه پویای آن، ضرورت توسعه کتابخانه های عمومی کشور را تا دستیابی به استانداردهای بین المللی، اجتناب ناپذیر می کند**



به بهانه فروش بی ضابطه کتاب های قدیمی و کمیاب

# بازار سیاه، ظلمی است به شأن سپید کتاب

رزاقی می گوید: «آنها کتاب ها را برای دکور کتابخانه منازل خود می خرند و بیشتر به دنبال مجموعه های چندجلدی کمیابند!»

## ارزان است، می خرند

در میان این همه علت و انگیزه ای که فروشنده کتاب های قدیمی از مخاطبان خود می گوید، اشخاصی نیز وجود دارند که کتاب های قدیمی را برای مطالعه می خرند، آن هم با دلیلی موجه! رزاقی در این باره می گوید: «علت علاقه آنها به خواندن رمان های قدیمی، ترجمه آن است، چون اکنون همان رمان ها، با ترجمه های جدید در بازار وجود دارند ولی نوع ترجمه آن متفاوت است. البته در کنار این موضوع آنچه باعث فروش این کتاب هاست، قیمت ارزان آنهاست. چراکه مخاطب می تواند کتابی را با دو یا سه هزار تومان زیر قیمت چاپ جدید آن، خریداری کند.»

## همه چیز مجاز است!

اینجا بین این همه هیاهوی دنیای کتاب و مشکلات کتابفروشان، اوضاع خوب و بد کاسی و هزار حرف گفته و ناگفته دیگر، سبک های جدیدی از فروش کتاب پا به میدان گذاشته اند که در کنار محاسن خود، معایب کمی نیز ندارد. لوح های فشرده یکرنگ با برچسب های سفید که نشان می دهد دربرگیرنده چه نوع داستانی است! داستان هایی که از قالب کاغذ و کتاب خارج و در عصر الکترونیک بر لوح فشرده ثبت شده اند و پیاده روهای خیابان انقلاب و کنار کتابفروشی ها، فروخته می شوند.

در هر لوح فشرده ۱۱۰۰ جلد و روی نوع «دی.وی.دی» آن شش هزار تا هفت هزار جلد کتاب گنجانده شده اند و با قیمت بین شش تا ۱۰ هزار تومان به فروش می رسند. روایی فروشنده این لوح فشرده است. چند پوشه را کنار اجناسش گذاشته است و به هر مخاطبی که پیش روی او می ایستد، پوشه ها را می دهد؛ پوشه هایی با چند صد عنوان کتاب که هر یک را انتخاب کنی، به راحتی لوح فشرده آن را در اختیار خواهی داشت. او درباره نحوه جمع آوری این کتاب ها می گوید: «در ابتدا، این لوح های فشرده را با کارت معرفی به خریداران می دادیم و از آنها می خواستیم کتاب ها و نظرات خود را در اختیار ما بگذارند. با همکاری مخاطبان و نیازسنجی آنها توانستیم این مجموعه را فراهم کنیم.»

در میان این عنوان ها نام رمان های بی مجوز، کتاب های نایاب و هر نوع کتابی را که تصور کنید پیدا خواهید کرد. روایی می گوید: «ما مخاطب را آزاد می گذاریم و هر فرد، خود بهتر می داند که چه کتابی را بخرد. خرید این لوح های فشرده از نظر اقتصادی به نفع مخاطب است و آنها با پرداخت هزینه ای اندک، صاحب چند صد جلد کتاب می شوند.» این کار در ظاهر امری مفید و جالب است، اما این که این کار بدون در نظر گرفتن کنترل های معقول و پیامدهای نبود نظارت در اختیار مخاطب قرار بگیرد، چندان خوشایند به نظر نمی رسد و بی شک می تواند در درآمدت آسیب های زیادی بر افراد اهل مطالعه وارد کند. ضمن این که حقوق نویسنده مترجم، ناشر و... هم کاملاً نادیده گرفته می شود.



دارند و توانسته اند مخاطبان زیادی را جذب کنند. رزاقی با اشاره به این موضوع می گوید: «بیشتر کسانی که برای خرید کتاب های قدیمی به ما مراجعه می کنند، باورهای غلطی دارند و گمان می کنند کتاب های جدید سانسور شده اند، در حالی که یک ناشر هرگز اعتبار خود را با چاپ یک کتاب ناقص زیر سوال نمی برد. دیگر آن که بسیاری از مخاطبان فکر می کنند چون حجم کتاب های قدیمی بیشتر است و چاپ جدید آنها حجم کمتری دارد، این کتاب ها ناقص اند. در حالی که در آن زمان به دلیل نوع کاغذ که گاهی بود و نوع چاپ، حجم کتاب بیشتر می شد. این در حالی است که کتاب ها الان از لحاظ محتوا فرقی نکرده اند.»

بسیاری از مخاطبانی که برای خرید کتاب مراجعه می کنند، انگیزه های متفاوتی دارند. گروهی از آنان دنبال کتاب های توقیفی اند و برای پیدا کردن این نوع کتاب ها سراغ این گونه کتابفروشی ها یا بازار سیاه کتاب می روند. رزاقی در این باره، به انگیزه مخاطبان اشاره می کند و می گوید: «متأسفانه برخی از مراجعه کنندگان دنبال پاسخ به چرایی های ذهن خودند که چرا مثلاً فلان کتاب توقیف شده است و در واقع انگیزه ای برای مطالعه کتاب ندارند و دنبال سؤال پدیدآمده در ذهن خودند. گروهی از این مراجعه کنندگان هم دنبال کتاب هایی اند که مروج مکتب های غیردینی یا شیطان پرستی اند.» یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر فروش کتاب های کمیاب نایاب، شایعه است؛ شایعه ای که با ایجاد موجی از شک و تردید به رونق فروش این گونه کتاب ها دامن می زند.»

البته دسته دیگری از خریداران هم هستند که از خرید کتاب های قدیمی انگیزه دیگری دارند.

می کنیم، براساس عرف بازار است. البته کتاب های قدیمی هم داریم.»

بین این کتاب های قدیمی، کتاب هایی را می بینی که چاپ جدید شده و با کیفیتی بهتر به بازار عرضه شده اند و تنها تفاوت آن با این کتاب ها، در قیمت پشت جلد است؛ قیمتی که باعث بازارگر می کتاب های قدیمی شده است.

## انگیزه های متفاوت

پیاده روی خیابان، فرش شده از آگهی های تبلیغاتی که زیر پای رهگذران خط و خطوطشان به هم پیوند می خورند. تابلوی قرمز رنگ فروشنده کتاب بین حجم عبور عابران، تو را به داخل پاساژ راهنمایی می کند. افشین رزاقی از سال ۷۲ وارد این کار شده است و حضور دستفروشان کتاب را باعث بدنامی حرفه خود می داند و می گوید: «کار دستفروشان کتاب، تعادل بازار کتاب را به هم می ریزد. آنها بدون در نظر گرفتن حق و حقوق ناشر، دست به چاپ و کپی کتاب می زنند.» خرید و فروش کتاب های قدیمی بازار خوبی

**بیشتر کسانی که برای خرید کتاب های قدیمی به ما مراجعه می کنند، باورهای غلطی دارند و گمان می کنند کتاب های جدید سانسور شده اند، در حالی که یک ناشر هرگز اعتبار خود با چاپ یک کتاب ناقص زیر سوال نمی برد**

کتاب به فراخور تنوع خود، حاشیه های بسیاری هم دارد که هر یک حکایتی شنیدنی و خواندنی را رقم زده اند؛ حکایت هایی که گاه گره گشای مشکلاتند.

خرید و فروش کتاب های قدیمی و نایاب، گوشه ای از اتفاق های این بازار رنگارنگ است که توانسته به عنوان یک شغل، جایگاه خود را در علت و چگونگی فروش این کتاب ها، دلایل ماجراهایی چون شایعه سازی، کتاب های کپی شده، فروش کتاب های توقیفی و چرایی روی آوردن مخاطبان به این بازار پررونق تاحدی روشن می شوند.

دو زانو روی زمین نشست و کیف دستی اش را کنار دیوار تکیه داد و شروع کرد به زیرورو کردن کتاب ها. گفت که دنبال یک رمان قدیمی می گردد و هر قدر هزینه داشته باشد می پردازد. حمید سهرابی نام کتاب را پرسید و بعد بساطش را به شاگردش سپرد و داخل پاساژ رفت و کتاب را آورد. گفت: بیشتر از اینها ارزش دارد، اما من آن را به شما می فروشم هشت هزار تومان. اما ظاهر کتاب و برگ های سفیدش آنقدر نو بود که گمان قدیمی بودن آن را از بین می برد.

پیاده روهای خیابان انقلاب همیشه شلوغند و صدای حمید سهرابی که هرازگاهی می گوید: «کتاب های قدیمی و نایاب»، توجه هر عابری را جلب می کند تا چند لحظه ای بایستد و ببیند کدام کتاب ها نایابند و چرا؟!»

سهرابی متولد سال ۱۳۵۴ است و دوران خاطره انگیز سربازی او را به سوی بازار خرید و فروش کتاب سوق داده است. سرباز و وظیفه ای که در پادگان، مسوول خرید کتاب بوده و از همان زمان پنجره ای از دنیای کتاب به سوی او باز شده تا آنجا که امروز کتاب وسیله ای است برای امرار معاش او. سهرابی تنها دلیل انتخاب این شغل را علاقه به کتاب می داند و می گوید: «شاید کسی باور نکند اما من روزی دو تا کتاب می خواندم!» مرد جوانی که چند کتاب را لای روزنامه پیچیده، می گوید: «کتاب می خرید؟» سهرابی به کتاب ها نگاه می کند و می گوید: «نه، من رمان می خرم، برو دو خیابان پایین تر، آنجا این کتاب ها را می خرند.» «خرید و فروش کتاب، ریزه کاری های خودش را دارد، باید اطلاعات کاملی از بازار کتاب، نام کتاب ها، مولفان، مترجمان و چاپخانه ها داشته باشی تا بتوانی کار کنی. اگر اینها را ندانی، نمی توانی در بازار کتاب دوام بیاوری.» اینها را سهرابی می گوید. کتابی نارنجی رنگ با آن دایره مشکی بزرگ که روی آن آدمکی ایستاده و نام هیوط با رنگ سفید بر بالای آن نقش بسته نوشته دکتر علی شریعتی است. بهای کتاب ۱۳۰ ریال است و چاپ آن به انتشارات سروش به سال ۱۳۵۹ برمی گردد اما برگ های کتاب سفیدند و تازگی آن تو را به یاد کتاب های ورق نخورده روزهای اول مدرسه و سال تحصیلی می اندازد! سهرابی درباره ظاهر این کتاب ها توضیح می دهد: «وقتی کتاب های قدیمی توسط ناشران تجدید چاپ نمی شوند، ما همان کتاب ها را کپی می کنیم و در اختیار مخاطب قرار می دهیم و قیمتی هم که تعیین



# خاطره های اسارت، کی آزاد می شوند؟

ندارند. اگر به بازار کتاب بروید و سری به بخش خاطرات بزنید، می بینید که خاطرات شخصیت های سیاسی، ورزشکاران و هنرمندان داخلی و خارجی با شمارگان قابل توجه و کیفیت بالا در معرض نگاه همگانند اما توزیع کتاب قهرمانان جنگ در بازار کتاب عام و گسترده نیست. متأسفانه این کتاب ها تنها از طریق نهادهای خاصی منتشر و از کانال های خاصی نیز توزیع می شوند و به دلیل همین نوع توزیع، در بازار کتاب جایگاه خود را پیدا نمی کنند» این نویسنده آزاده، به دلایل دیگری نیز اشاره می کند. به اعتقاد او، در معرفی کتاب ها و فرهنگ جبهه و جنگ و شناساندن چهره های قهرمان دفاع مقدس، از روش های جذاب کمتر استفاده شده است و متولیان فرهنگی اغلب روش هایی را در پیش گرفته اند که از نظر بازاریابی کتاب و به لحاظ حرفه ای، تاثیر کاملی نداشته است به همین دلیل انگیزه برای کار روی مخاطب و گرفتن سهم بازار کاهش یافته است.

## جای خالی کتاب های دیگر

از موضوع خاطرات که بگذریم، آزادگان سرافراز ایران اسلامی پس از سال ها اسارت در زندان دژخیمان، به وطن بازگشته اند و در طول ۲۰ سال گذشته، همچنان درد و رنج دوران اسارت را با خود همراه دارند از این رو به نظر می رسد آموزش آنها برای مهار مشکلات خود در قالب رسانه ای مثل کتاب، می تواند کار ساز باشد. عبداللّهی معتقد است: «این نوع کتاب ها صدرصد مورد نیاز جامعه آزادگان است. در بحث مددکاری، به کتاب هایی نیاز داریم که بتوانند خلاء دوران اسارت را جبران کنند. هم بندان من در دوران اسارت، با مشکلاتی دست به گریبان بوده اند که تازه امروز شاهد نمود جسمی و روانی آن هستند و نیاز به آموزش هایی دارند که بتوانند با تاثیرات آن مقابله کنند.»

## نویسنده همچنان پرکار است

سرافراز عبداللّهی که در کوران ۶۲ ماه اسارت آبدیده شده، نویسنده پرکاری است. او اکنون در حال جمع آوری خاطرات دو تن از هم بندان خود است که هم در دوران ستمشاهی در زندان طاغوت و هم در دوران دفاع مقدس در زندان صدام با پدیده اسارت دست به گریبان بوده اند و از آزادگان شاخص دوران دفاع مقدس اند. باید به انتظار انتشار این کتاب ها بنشینیم تا برگ دیگری از تاریخ معاصر پیش رویمان گشوده شود.



اندکی که دارد شروع به نوشتن خاطرات خود کند، هیچ ساز و کار و نظام تخصصی ای برای این کار وجود ندارد.»

از او درباره نحوه تعامل با ناشران و افرادی که به لحاظ سخت افزاری می توانند شرایط مساعدی برای انتشار این کتاب ها فراهم کنند، می پرسیم. عبداللّهی ضمن آن که از ناشر آثارش تشکر می کند، می گوید: «در این زمینه با دو مشکل خیلی بزرگ مواجهیم که یکی از آنها به معاونت فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس برمی گردد. متأسفانه سیستم کارشناسی و ارزشیابی آنها همیشه دست و پاگیر است. این سیستم به جای آن که مشوق باشد، مایوس کننده است. آنها دنبال کار بی نظیرند اما ما آدم های بی نظیری نیستیم، ما آدم هایی هستیم که در حد توان و بضاعت اندک خود و بر اساس علاقه و احساس وظیفه، آنچه را در ذهن و سینه داریم، عرضه می کنیم. از سوی دیگر ما نمی توانیم برای اجرای طرح های ذهنی خود از حمایت های این نهادها بهره مند شویم چون آنها تنها زمانی به حمایت اقدام می کنند که کار انجام شده ای را ببینند و مورد تایید آنها قرار بگیرد.»

مشکل دیگر، مربوط به ناشران خصوصی است چراکه برخی از آنها علاقه ای به این نوع کارها

بدیهی است که بسیاری از حرف ها را در قالب کتاب نمی توان نوشت بنابراین بخش دیگری از خاطرات منتشر نشده ام را در وبلاگ «خاطرات اسارت» به نشانی [sarafraz.blogsky.com](http://sarafraz.blogsky.com) ثبت می کنم.» او همچنین درباره مشکلات ثبت و انتشار خاطرات آزادگان می گوید: «در بحث نگارش و انتشار خاطرات اسارت، جمع آوری و به یاد آوردن این خاطرات موضوع مهمی است، به ویژه با توجه به شرایط محیطی، مسائل و مشکلات اعصاب و روان، آنها این مشکلات بیشتر نیز می شوند. در بسیاری از مواقع، حافظه فرد یاری نمی کند تا همه ریزه کاری ها و خاطرات کوچک و بزرگ را در یک محدوده زمانی به یاد بیاورد. چراکه در اردوگاه های عراق به دلیل سختگیری های بعضی ها و نبود کاغذ و قلم، امکان مکتوب کردن خاطرات وجود نداشت، اما از زمانی که به وطن بازگشتم، شروع به نوشتن کردم.»

## ما بی نظیر نیستیم

به اعتقاد این نویسنده آزاده، مهم ترین مشکل در ثبت و انتشار خاطرات آزادگان، نبود یک ساز و کار تخصصی برای حفظ و اشاعه این خاطرات است. او تاکید می کند: «متأسفانه جز آن که نویسندگان علاقه مند به موضوع پایداری پای صحبت آزادگان بنشینند و خاطرات آنها را ثبت و بازنویسی کنند، یا کسی مثل من با علاقه و بضاعت

سرافراز عبداللّهی، از جمله آزادگان دست به قلمی است که حاصل ۶۲ ماه اسارت در چنگ زندانبانان بعضی را به شیواترین شکل در قالب سه کتاب منتشر کرده است. عبداللّهی، سال ۱۳۴۷ در شیراز متولد شد، در هفده سالگی و در عملیات قدس ۳ در منطقه دهلران (۲۰ تیر ماه ۱۳۶۴) به اسارت درآمد و در چهارم شهریور ماه ۱۳۶۹ در جمع آخرین گروه از اسرای که نام آنها از سوی صلیب سرخ جهانی ثبت شده بود آزاد شد. او به محض آزادی شروع به یادآوری و نوشتن خاطرات خود از اسارت کرد.

## از کمپ ۹ تا قنوت در قفس

عبداللّهی در تشریح مضامین سه کتاب خود می گوید: «نخستین کتاب من با عنوان «کمپ ۹»، به جریانات ۱۰ روز نخست اسارت من می پردازد، یعنی به خاطرات لحظه اسارت تا زمانی که وارد اردوگاه شدیم چراکه تمام این مدت با بازجویی هایی همراه بود که از خط مقدم جبهه آغاز شده بود و تا لحظه ورود به اردوگاه ادامه داشت. پس از انتشار «کمپ ۹»، کتاب دیگری را منتشر کردم که قنوت را از کتاب اول است و با عنوان «کمپ ۷» خاطرات ۶۲ ماه اسارت من را در خود جای داده است.»

کتاب سوم او که «قنوت در قفس» نام دارد، به بررسی سیر معنوی زندگی اسیران ایرانی در اردوگاه می پردازد. در کتاب «قنوت در قفس»، نوشته سرافراز عبداللّهی، مخاطب با برنامه های فرهنگی و معنوی ای که اسرای جنگ تحمیلی در اردوگاه های حزب بعث برگزار می کردند و شرایط برگزاری این برنامه ها، آشنا می شود و در عین حال نحوه خواندن نماز و ادعیه، نگاه داشتن و مخفی کردن ادعیه و چگونگی مقاومت در برابر ترندهای نیروهای بعضی برای کمرنگ کردن وجهه معنوی آزادگان از بخش های شیرین و خواندنی این کتابند.

## پناه آوردن به وبلاگ

عبداللّهی در پاسخ به این سوال که آیا فضای رسانه ای جامعه و سه کتابی که منتشر کرده، ظرفیت انتقال همه خاطرات و دریافت های او را از دوران اسارت دارد یا نه؟ می گوید: «من دوران اسارت را ابتدا در اردوگاه کمپ ۹ رمادیه و به مدت ۹ ماه سپری کردم. پس از آن برای چهار سال و نیم به کمپ ۷ رمادیه منتقل شدم و همزمان با آتش بس، برای گذران دوران اسارت به تکریت برده شدم.

## هم بند با خورشید

سرافراز عبداللّهی در دوران اسارت با شهید حجت الاسلام ابوترابی هم بند بود. او خاطراتی شنیدنی از دوران اسارت با شهید ابوترابی دارد که مرور آن خالی از لطف نیست. عبداللّهی در این باره می نویسد: ویژگی های اخلاقی شهید ابوترابی چنان همه را تحت تاثیر قرار داده بود که گاهی عراقی ها هم مخفیانه برای درد دل پیش او می آمدند. یکی از نیروهای صلیب سرخ سازمان ملل که نسبت به انقلاب ایران بدبین بود، گفته بود اگر همه رهبران ایران شبیه این شخص باشند، ما کاملاً انقلاب ایران را قبول داریم. او نذر کرده بود اگر از اسارت آزاد شود، از حرم امام (ره) تا حرم حضرت ثامن الحجج (ع) پیاده بییماید. ایشان بعد از اسارت هم هیچ گاه سنگر را خالی نکردند و در رسیدگی به امور



روش برخورد با مسائل اسارت را نمی دانستند، حضور ایشان باعث شد اسرا از سردرگمی و ندانم کاری نجات پیدا کنند. رهنمودهای ایشان در برخورد با عراقی ها طوری بود که عراقی ها از نظر اخلاقی متنبه می شدند و ما با توجه به توصیه های ایشان سعی می کردیم باعث ناراحتی عراقی ها نشویم، ضمن

این که پایبندی خودمان به اعتقاداتمان را حفظ می کردیم.

شعار حجت الاسلام و المسلمین شهید حاج سیدعلی اکبر ابوترابی در اسارت این بود که «حفظ سلامتی خودتان از نظر جسمی و روحی، ضمن حفظ اعتقادات.» لذا ما به دور از چشم عراقی ها برنامه ریزی کرده بودیم برای ورزش و برنامه های آموزشی و پس از آن بچه ها با اسارت عجین شدند.

آزادگان و پیگیری مشکلات آنان تا آخرین لحظات عمر پربارشان از تلاش و فداکاری باز نایستادند.

هرگز روزی را که شهید ابوترابی را به اردوگاه تکریت کمپ ۷ آوردند، فراموش نمی کنم. ایشان چنان تاثیری بر اردوگاه گذاشتند که نه تنها برادران آزاده احساس آرامشی عجیب داشتند، بلکه عراقی ها نیز متقاعد شدند که وجود ایشان برای دشمن هم رحمت و برکت است.

ماجرای اسارت وی بدین گونه است که در یکی از ماموریت ها برای عملیات شب بعد، همراه یک سرباز به عملیات شناسایی می روند که به طرف آنها تیراندازی می شود. از زبان مرحوم ابوترابی نقل می کنند که گفت آن سرباز مجروح شد و من فرار کردم. به اندازه یک کیلومتر آمده بودم که پشیمان شدم. برگشتم که سرباز را کول کنم و با خود بیاورم که ما را محاصره کردند.

در زمان اسارت چون اسرای ما سردرگمی خاصی داشتند و راه و



احسان تهذیبی

سید حمید جهان بخت متولد ۱۳۲۶ در لرستان است. او دارای مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد ادبیات فارسی از ذاکر حسین کالج دهلی است و در رشته دکترای اقبالیات در دانشگاهی در کوئته پاکستان تحصیل کرده که به دلیل جنگ و ناامنی، ناتمام مانده است. وی در زمینه فرهنگ لرستان تالیفاتی دارد. همچنین رسالاتی درباره شبه قاره هند در نشریات مختلف به چاپ رسانده است. از جهان بخت آثار دیگری نیز در زمینه‌های مذهبی و سیاسی به چاپ رسیده که کتاب «سفر قندهار» یکی از آنهاست. آن طور که در مقدمه آمده، خرقة شریف جامه‌ای است که پیامبر اکرم (ص) به او پس قرن‌ها مرحت کردند که پس از سفری طولانی، در نهایت به شهر قندهار در افغانستان رسید، زیارتگاهی برای آن ساخته و مأمین بسیاری از عاشقان شد. جهان بخت به شوق زیارت خرقة شریف راهی سفر قندهار شد. حاصل مطالعات، دیده‌ها و شنیده‌های جهان بخت درباره اقوام شرق ایران، پاکستان و افغانستان در این کتاب بیان شده است.

گفت و گو با سید حمید جهان بخت؛ نویسنده «سفر قندهار»

# کتابی برای جامعه شناسان و سیاستمداران

می‌شود. آیا این مسأله یا مسائلی از این دست شما را بر آن داشت تا به نوشتن این کتاب روی آورید یا صرفاً می‌خواستید نتیجه یک سری تحقیقات خود را به ثبت برسانید؟

اولین انگیزه برای من، توجه به خرقة شریف پیامبر (ص) بود و اقبالی که مردم به این جامه مقدس دارند. در درجه دوم، پرداختن به این مناطق و قومیت‌ها برایم مهم بود؛ چرا که کمبود تحقیقات را در این زمینه واقعا حس می‌کردم. اگر کسی بخواهد در آینده به این مناطق بپردازد، باید در درجه اول به موضوع علاقه مند باشد. دوم اندکی شجاع باشد، سوم حوصله تحقیق و بررسی را داشته باشد و چهارم در شرایطی مثل من، سال‌های طولانی به مطالعه و تحقیق میدانی در این زمینه پرداخته باشد تا بتواند درباره ملل شرق ایران مطلب بنویسد. بنابراین، می‌خواستم پیش از مرگ این اطلاعات در جایی ثبت شده باشد چرا که این مطالب، هم به درد جامعه ایرانی می‌خورد، هم به درد جامعه پاکستان و هم جامعه افغانستان. اسم کتاب درست است که «سفر قندهار» است اما منحصر به افغانستان نمی‌شود. این کتاب می‌تواند هم به کار جامعه‌شناسان بیاید و هم برای کسانی که کار سیاسی می‌کنند مفید باشد تا بدانند در آن جوامع چه خبر است. اگر ما بخواهیم درباره کشورهای شرق خودمان برنامه ریزی کنیم، تا شناخت کاملی نسبت به آنها نداشته باشیم، نمی‌توانیم همکاری و ارتباط خوبی با آنان برقرار کنیم.»



شبه قاره حدود پانزده سال تحقیقات میدانی و ده سال تحقیقات غیرمیدانی داشته‌ام و این کتاب مثل بیشتر سفرنامه‌ها، بدون پیش زمینه نبوده است، بلکه من با آن مناطق آشنایی کامل داشته‌ام. مسیری که شما در این سفر طی کرده‌اید؛ از سیستان و بلوچستان ایران آغاز می‌شود و در مناطقی از پاکستان ادامه می‌یابد تا به افغانستان برسد. در این مناطق شما از قومیت‌های مختلفی سخن به میان آورده‌اید که گاهی در میان آنها خرافه نیز دیده

است که می‌داند؛ اما برخی از این مطالب براساس مطالعات صورت گرفته است. برای مثال، موضوع دادشاه و نامنی‌های بلوچستان در کتاب‌های زیادی نقل شده و به اصطلاح مثل سائره است به این معنی که هم در زبان مردم جاری و ساری است و هم در کتب به آن اشاره شده. از این گذشته، ضرورتی ندارد که برای هر گفت و گو و نقل قولی از افراد، پانویس یا رفرنس آورده شود، گرچه باید امانت‌داری را در نقل قول‌ها رعایت کرد. از سوی دیگر، در زمینه

کتاب شما اطلاعات تاریخی، جغرافیایی و جامعه‌شناختی ارزشمندی درباره شرق ایران، افغانستان و پاکستان به خواننده ارائه می‌دهد که قابل تقدیر است؛ اما برای بخش مهمی از این کتاب که اشاره به اتفاقات تاریخی دارد، منبعی ارائه نشده است. فکر نمی‌کنید این از اعتبار اثر شما به عنوان یک اثر تحقیقی کم می‌کند؟

معمولاً سفرنامه یا رمان مستند یا چیزی شبیه آن، منبع و رفرنسی ندارد اما تحقیقات حتماً باید با ذکر منابع و مآخذ همراه باشد. من وقتی برای فرهنگستان یا دانشنامه جهان اسلام مدخل می‌دهم، سعی می‌کنم منابعی را که ذکر می‌کنم دست اول باشند، همچنین سعی می‌کنم برای هر سطر مطلبی که می‌آورم، منبع آن را بیان کنم. اما درباره این کتاب احساس کردم که نیازی نیست.

اگر ساختار کتاب، داستانی بود، گفته شما را می‌پذیرفتیم؛ اما این اثر بیشتر جنبه تحقیقی دارد. البته اگر این اثر، مصور بود نیز آن تصاویر می‌توانستند به نوعی منبع و مآخذ به حساب آیند و کتاب را زنده‌تر کنند؛ اما از آنجا که می‌خواستیم شیوه پیشینیان را در تدوین سفرنامه رعایت کنیم، آن را به این صورت ارائه کردیم. چطور به نقل قول کسانی که با آنها صحبت کرده‌اید - که البته بیشترشان از افراد بومی آن مناطق بوده‌اند - اعتماد کرده‌اید و آن نقل قول‌ها را به عنوان واقعیات در کتاب آورده‌اید؟ البته حقیقت و واقعیت اصلی را فقط پروردگار

## گام اول

### گفت و گو با نویسنده مجموعه داستان «مشتی خاک، همین!» نگاه زنانه یک داستان نویس

مینا احمدی متولد ۱۳۵۳ و دانش‌آموخته ادبیات نمایشی است و «مشتی خاک، همین!» نخستین مجموعه داستان چاپ شده اوست. احمدی برای آینده یک مجموعه داستان دیگر و همچنین یک نمایشنامه براساس داستانی از هاینریش بل در دست چاپ دارد.

نخستین کار چاپ شده من است، خواسته‌ام که قالب‌های مختلفی را در آن تجربه کنم. آیا این خامی و پختگی در زبان از این مسأله ناشی می‌شود که هنوز به سبکی دست پیدا نکرده‌اید و در حال تجربه‌اید؟

بله، چون با این مجموعه خودم را معرفی می‌کنم و هنوز به زبان و ویژه خودم نرسیده‌ام. البته سعی کرده‌ام در همین مجموعه هم، زبان و سبک مشخصی داشته باشم اما مسلماً هنوز به آنجا که باید، نرسیده‌ام. بیشتر شخصیت‌های شما بی‌نام‌اند و از آنها با عنوان «مرد»، «زن» و... یاد می‌کنید. آیا می‌خواستید این موقعیت‌ها را تعمیم دهید؟ یعنی برای مثال بگویید همه مردان این گونه‌اند؟

من نمی‌خواستم بگویم همه مردان بد هستند یا همه زنان خوبند یا برعکس. به هر حال من در این داستان‌ها نگاه زنانه‌ای داشته‌ام، اما نمی‌خواستم نگاه یک سویه‌ای داشته باشم. من یک زن بودم که تجربیات خودم را از زندگی در این داستان‌ها آورده‌ام. اما این که شخصیت‌هایی نام و نشانند، شاید به این خاطر است که فکر می‌کردم خواننده می‌تواند با این شخصیت‌ها همذات‌پنداری بیشتری کند.

شخصیتی که در همه داستان‌های مجموعه «مشتی خاک، همین!» به نوعی تکثیر شده، زنی است که کلافه و آشفته است. علت این آشفتنگی چیست؟ آیا درگیری این زن با اجتماعش است یا درگیری با خودش؟

هر دو. این زنان به هر حال درون اجتماع‌اند و از برخی جنبه‌ها با آن درگیرند و با درون خودشان نیز یک سری کشمکش‌هایی دارند. شاید به این خاطر است که این زنان نه کاملاً سنتی‌اند و نه کاملاً مدرن شده‌اند و آدم‌هایی‌اند بینابین. شاید به دلیل این گذر نکردن، این کشمکش‌ها ایجاد می‌شوند. آیا مرزی بین داستان کوتاه و قطعه ادبی یا دلنوشته، قائلید؟ چرا که تعدادی از داستان‌های این مجموعه به قطعه ادبی یا حتی شعر نزدیک می‌شود و به نظر می‌رسد از داستان فاصله می‌گیرد.

خیلی به این مرزها اعتقاد ندارم. چون این داستان‌ها مینی‌مالند و این برش خیلی کوتاه است که می‌تواند شاعرانه باشد و در این شاعرانه بودن، شخصیت‌ها حضور پیدا کنند و حرف‌هایشان را بزنند. البته خیلی وقت‌ها هم حرفی ندارند یا آنقدر حرف دارند که نمی‌توانند بگویند. به هر حال چون این مجموعه،

## مشکلات متعدد انتشار کتاب‌های پزشکی

ادامه از صفحه ۱۱

در این شرایط با وجود این که مراحل صدور مجوز کتاب‌های پزشکی بسیار کوتاه‌تر از کتاب‌های دیگر است، اما تا منعی را پیدا کنیم و مراحل ترجمه و پیش از چاپ را طی کند، اعتبار آن تمام شده است و همین مسأله باعث می‌شود که بخش زیادی از شمارگان یک کتاب در انبارها بماند. برخی ناشران نیز با سوءاستفاده از این اوضاع، تنها سال انتشار را تغییر می‌دهند و دانشجویان هم که به روز بودن منابع برایشان اهمیت دارد، بدون این که درباره تغییر محتوای کتاب تحقیق کنند آن را می‌خرند که در واقع ویراست قدیمی منبع مورد نظر آنهاست!

کتاب‌های پزشکی ویرایش هم می‌شوند؟

ویراستاری کتاب‌های پزشکی، با ویراستاری کتاب‌های عمومی تفاوت‌های زیادی دارد و حتماً باید توسط متخصصان این رشته انجام شود اما متأسفانه از این گروه متخصصان که وقت انجام چنین کارهایی را داشته باشند کم داریم. بنابراین ویراستاری کتاب‌های پزشکی عملاً به غلط‌گیری محدود می‌شود و به غیر از مولفان یا مترجمانی که خودشان حساسیت دارند، باقی کتاب‌ها ویرایش نمی‌شود یا تنها توسط خود مولف یا مترجم بازخوانی می‌شود.

در بخش کتاب‌های تالیفی پزشکی چه مسائلی برای ناشران وجود دارد؟

در حوزه کتاب‌های تالیفی با دو نوع کتاب مواجه هستیم؛ رفرنس‌های دانشگاهی و کتاب‌های عمومی. در حوزه انتشار و فروش کتاب‌های عمومی مشکل چندانی وجود ندارد اما در حوزه رفرنس‌ها، به دلیل این که کتاب‌های زیادی با یک عنوان در بازار وجود دارد، جانداختن یک کتاب در جامعه دانشگاهی کار مشکلی است. از طرف دیگر تالیف به معنای واقعی کم دیده می‌شود و بیشتر کارهایی که تحت عنوان کتاب تالیفی وجود دارد، در واقع گردآوری است و ایده‌های آن متعلق به خود نویسندگان نیست.

اوضاع بازار کتاب‌های پزشکی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شمارگان هزار نسخه، در حدی نیست که بتوان گفت بازاری هم دارد! مخاطبان اکثر این کتاب‌ها دانشجویان هستند که تعداد آنها خیلی زیاد نیست. با توجه به چنین شمارگانی، اتفاق چندانی در بازار نمی‌افتد و ۷۰ درصد کتاب‌ها در چاپ اول باقی می‌ماند. البته با وجود این که کار در این حوزه بسیار تخصصی است، اما اگر ناشری بتواند کار خود را در میان مخاطبان جا بیندازد، می‌تواند مطمئن باشد که مخاطبان در آینده سراغ کتاب‌های دیگرش هم خواهند آمد. مهم این است که ناشران این حوزه اگر خودشان پزشک نیستند، از مشاوره متخصصان برای بررسی و انتشار کتاب‌ها بهره ببرند.



«ضیافت نور» مجموعه‌ای از اشعار شاعران از آغاز تا امروز است که در استقبال از ماه مبارک رمضان و به مناسبت‌های ویژه این ایام سروده شده است. این مجموعه که به اهتمام کامران شرفشاهی، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار فراهم شده، سال ۱۳۸۵ توسط نشر مدیا چاپ و منتشر و در مدت کوتاهی نایاب شد اما امسال در آستانه ماه مبارک رمضان توسط نشر شهر تجدید چاپ و به بازار عرضه شد. کامران شرفشاهی که چاپ بیش از ده مجموعه شعر را در کارنامه‌اش دارد، اکنون مجموعه‌ای از داستان‌های طنز را با عنوان «کمی تا قسمتی لبخند» آماده چاپ دارد و یک مجموعه شعر با موضوع دفاع مقدس به نام «سبز و سپید و سرخ» از جدیدترین سروده‌هایش هم توسط نشر هزاره ققنوس در حال چاپ است. «گزیده شعرها»، «سایه سیاه سقوط»، «(به پیشواز سپیده»، «حماسه جاودان»، «نخل‌های سرخ»، «بانوی آینه‌ها»، «خمخانه عشق» و ... عناوین برخی از آثار منتشر شده شرفشاهی‌اند. با او درباره مجموعه «ضیافت نور» گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید.

گفت‌وگو با کامران شرفشاهی

## شاعرانه‌ها به وقت ضیافت نور

و خواستار این شده‌اند که روزه علوی احیاء شود و به جای این ریخت‌وپاش‌ها و پهن کردن سفره‌های رنگارنگ و لقمه‌های چرب و نرم، جامعه را به سمت نگرش حضرت امیرالمؤمنین (ع) رهنمون کنند تا در این ایام به دستگیری نیازمندان و فقرا بپردازیم و آثار برخی از شاعران هم دارای نگرشی طنزگونه است که اشعار این طیف از شاعران اختصاص به عصر حاضر ندارد و از گذشته‌های دور این مسأله در ادبیات فارسی وجود داشته است. موضوع این طنزها هم عموماً اشخاص بی‌دردی هستند که درکی درست از فلسفه روزه ندارند. مثلاً هنگام سحر دهان خود را از خوردن طعام و نوشیدنی می‌بندند و هنگام اذان مغرب جبران مافات می‌کنند و دلی از عزا درمی‌آورند. این گروه غم دیگران را ندارند و با محنت گرسنگان آشنا نیستند.

ارزیابی شما از شعر معاصر در زمینه پرداختن به ماه رمضان و روزه چیست؟ چقدر این اشعار موفق بوده‌اند؟

تاکنون جشنواره‌ای در این خصوص برگزار نشده است. به همین دلیل کارهای شاعران جنبه سفارشی ندارد. اشعاری که در این زمینه سروده می‌شوند، غالباً شعرهای موفقی هستند چرا که این شاعران آنها را به صورت خودجوش و از منظر اعتقادی سروده‌اند که در آن حس و حال و اندیشه به چشم می‌خورد و احساسی پاک پشت این شعرها خوابیده که به لحاظ ادبی آنها را به سمت تکامل برمی‌کشد و قابل تقدیر است.

در بین اشعار شاعران معاصر، اگر بخواهید زیباترین شعر در این زمینه را انتخاب کنید، آن شعر کدام است؟

من فکر می‌کنم شعری که آقای افشین علاء در این زمینه سروده‌اند از شعر دیگر شاعران یک سر و گردن بلندتر و بالاتر است. این شعر برای کودکان و نوجوانان سروده شده که بسیار هم زیباست. در این شعر یک نگاه اجتماعی و انسانی وجود دارد که آن را از دیگر اشعار ممتاز می‌کند. این شعر بیان روزه‌داری حضرت امیر است و مقایسه آن با روزه‌داری افرادی درد جامعه و کسانی که جز خود و منافع خود به هیچ کس نمی‌اندیشند و هیچ کس را نمی‌بینند. شعر در عین حال که برای کودکان و نوجوانان سروده شده برای دیگر اقشار و گروه‌های جامعه هم پیامی روشن دارد.

این شعر این گونه آغاز می‌شود: ماه، ماه روزه است/روز، روز ضربت است از مصیبت علی/در دلم قیامت است روزهای ماه را/گرچه روزه بوده‌ایم ما به لقمه‌های چرب/روزه را گشوده‌ایم هیچ شب نگشته‌ایم/با یکی دو رنگ سیر در کنار نان علی/لب نزد به ظرف شیر توی سفره‌اش علی/شربت خنک نداشت در کنار نان جو/او به جز نمک نداشت زرق و برق سفره‌ها/کم نمی‌شود ولی کاش زندگی کنیم/مثل حضرت علی البته این شعر انتخاب من است اما شاید افراد دیگر، انتخاب دیگری داشته باشند.



دارد، سوزنی سمرقندی است، همچنین خاقانی شروانی هست که می‌توان به او و آثارش اشاره کرد که از همه نظر جزو شاعران پیشکسوت به شمار می‌رود.

نکته‌ای که در این کتاب وجود دارد، این است که همه شعرهای این کتاب صرفاً به ماه رمضان اختصاص ندارند، بلکه درخصوص تمام مناسبت‌ها و ویژگی‌هایی که این ماه دارد، اشعاری وجود دارد. مثلاً شعرهایی مربوط به عید سعید فطر و پایان ماه مبارک رمضان که عده‌ای از شاعران قدیمی‌تر ایران بیشتر در استقبال از عید رمضان یعنی روز عید سعید فطر، به سرودن شعر پرداخته‌اند و به عید رمضان عنایت بیشتری نشان داده‌اند. البته شاعرانی که از قرن ششم به این سو شاهد ظهورشان هستیم نگاه معنوی‌تر و عارفانه‌تری به این موضوع داشته‌اند.

امکان دارد مطلعی از شعر سوزنی سمرقندی یا خاقانی شروانی را به عنوان شاعران پیشکسوت در این حوزه بخوانید؟

مثلاً فرخی سیستانی می‌سراید: به فال نیک ترا ماه روزه روز نمود تو دور باش و چنین روزه صد هزار گزار یا سوزنی سمرقندی می‌گوید: گهی در مه صیام خوانده‌ای مدیخ به تو به خیر باد مدیخ و مه صیام

در دوره ما چه حرکتی در این زمینه صورت گرفته است؟

واقعیت این است که ادبیات آیینی ما بیشتر متأثر از واقعه عاشورا است و شاعران ما بیشتر در مدح و منقبت خاندان پاک و حی به سرودن شعر پرداخته‌اند و به مناسبت‌هایی مانند ماه رمضان کمتر توجه نشان دادند.

می‌شود گفت با پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد و جهشی درخصوص پرداختن شاعران به این مناسبت در ادب فارسی پدید آمده که شاعران معاصر از زوایای مختلف به این موضوع نگاه کرده‌اند. بعضی‌ها نگاه عمیق و عرفانی داشته‌اند، برخی از منظر اجتماعی به این مناسبت نگاه کرده‌اند

فضای فکری و فرهنگی خاص خودشان را دارند که امیدوارم با این انتخاب همه جانبه نگر تمام سلاقی را پوشش داده باشم.

آیا از شاعران سرزمین‌های اسلامی هم شعری در این مجموعه وجود دارد که به مناسبت ماه مبارک رمضان سروده شده باشد؟

چرا. مخصوصاً در کشورهای عربی، ایام ماه مبارک رمضان با شکوه خاصی برگزار می‌شود. در واقع شاعران این سرزمین‌ها هم سروده‌های فراوانی دارند که متأسفانه در کشور ما، متولیان فرهنگی جامعه در زمینه ترجمه این آثار اهتمام جدی‌ای از خود نشان نداده‌اند و به نوعی کوتاهی کرده‌اند. این در حالی است که آثار این دسته از شاعران عرب می‌تواند برای خود اثر مستقلاً محسوب شود که با علاقه‌مندان این ماه مبارک و لحظات روحانی آن ارتباط بسیار ارزنده و دلپذیری برقرار کند. این موردی که من از شاعر آمریکایی نام بردم، در واقع شاعری است که مسلمان شده و در طول ماه مبارک رمضان هر روز شعری می‌سروده که مجموعه این شعرها برای خود کتاب مستقلاً است.

قدیمی‌ترین شاعری که درباره فرارسیدن ماه مبارک رمضان شعر سروده کدام شاعر است؟ قدیمی‌ترین شاعری که اثرش مربوط به ماه مبارک رمضان باشد و در این مجموعه حضور

یکی از خصوصیات این مجموعه این است که سعی شده تمام سلاقی و طیف‌ها در گزینش اشعار این کتاب حضور داشته باشند و دیده شوند. در این کتاب هم شاهد اشعار شاعران نامدار و کلاسیک ادب فارسی مانند مولانا، حافظ، سعدی، بیدل و ... هستیم و هم شاهد حضور شاعران متأخر و معاصر مانند عباس باقری، حسین اسرافیلی، محمود شاهرخی، حمید سبزواری، عبدالجبار کاکایی و ... از سوی دیگر، شعرهای کودکان هم در این مجموعه هست و آثاری از شاعرانی انتخاب شده که در این زمینه کار کرده‌اند و با زبانی ساده و صمیمی، مکنونات قلبی خود را به مناسب فرارسیدن ایام ماه مبارک رمضان بیان کرده‌اند. ضمن این که چند شعر ترجمه هم در این کتاب آمده که شاعران خارجی آن را سروده‌اند؛ شاعرانی مثل دانیل مور شاعر آمریکایی که فردی مسلمان و معتقد است. باید بگویم که هر یک از این اشعار حال و هوا و

همه شعرهای این کتاب صرفاً به ماه مبارک رمضان اختصاص ندارند بلکه درخصوص تمام مناسبت‌ها و ویژگی‌هایی که این ماه دارد، اشعاری وجود دارد

نگاهی به جدیدترین اثر رضا داوری اردکانی

# راه تفکر از همزبانی با متفکران گذشته می گذرد

اشاره می کند و نشان می دهد که سبب این بی مهری، جدایی اندیشه ابن رشد از محور یکی بودن دین و فلسفه در شرق است.

«نظری به عالم خیال»، عنوان دیگر فصل این کتاب است که در آن جایگاه ویژه خیال در فلسفه اسلامی و بی جایگاهی آن در فلسفه جدید بررسی شده اند و نشان داده شده که ظهور مجدد این قوه در فلسفه پدیدارشناسانه، می تواند نشانه دگرگون شدن نظم موجود باشد. شاید هم بتواند در زمانه درهم آمیختگی فرهنگ ها، نقش عالمی را بازی کند که فراتر از همه فرهنگ ها باشد و امکان شناخت بهتر جهان کنونی را فراهم کند.

همچنین در بخش بعدی، به قطب الدین شیرازی و اثر فلسفی مهم او به زبان فارسی یعنی «دره التاج» توجه شده است.

معلم ثالث نامی است که بر میرداماد گذارده اند و نگارنده این کتاب با توجه به نامگذاری های خاص میرداماد برای دیگر فیلسوفان، به ویژگی های خاصی توجه کرده که نزد میرداماد وجود دارد.

اگر تاریخ فلسفه اسلامی را تاریخ یکی کردن دین و فلسفه بینگاریم، چه کسی بیشتر از ملاصدرا شایسته نام بزرگ ترین فیلسوف عالم اسلام است؟ این پرسش موضوع بخش دیگری از کتاب است.

### مباحث تطبیقی

در بخشی دیگر از این کتاب، به شباهت ها و تفاوت های ادراک بسطی و مرکب نزد ملاصدرا و لایب نیتس پرداخته شده است. پس از این بخش نیز در چهار بخش دیگر، به مسائل مختلف درباره ملاصدرا (از جمله نسبت فلسفه با فطرت ثانی، فرق میان فیلسوف و نبی و حکومت حکیمان در مدینه، گزارش کتاب مبدا و معاد و در پایان، بحث علم فعلی در انسان) پرداخته می شود. در بخشی دیگر نیز از مطهری به عنوان نمونه یک فیلسوف اسلامی یاد می شود که سعی در هم سخنی با فلسفه جدید بر مبنای فلسفه اسلامی دارد. فصل دیگر این کتاب نیز به مواردی توجه دارد که می تواند میان فیلسوفان اسلامی و پدیدارشناسان مورد بحث مشترک قرار گیرد.

در بخش پایانی «نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی» نیز به اهمیت فلسفه اسلامی از نظر کربن در جهان امروز و در نتیجه بحث فلسفه تطبیقی پرداخته می شود.

در کل، می توان گفت که این کتاب سرشار از تیزبینی ها و تاملاتی است که نگارنده پس از سال ها غور در فلسفه غربی و اسلامی به آنها رسیده و آنها را سخاوتمندانه با خوانندگان خود در میان گذارده است.



«سرگذشت سیاست در عالم اسلام»، فصل بعدی کتاب، متن سخنرانی ای است که داوری اردکانی در دانشگاه جورج تاون و واشنگتن ایراد کرده و در آن به پرسش هایی از این قبیل که آیا اسلام سیاست دارد یا نه پاسخ داده شده است. نویسنده در ادامه نیز به جدا بودن حکومت از طرح های سیاسی فیلسوفان در طول تاریخ اسلام توجه کرده است.

### ابن سینا و فیلسوفان اسلامی

در بخش بعدی کتاب که درباره سیاست و مدینه فاضله فارابی است، به این نکته اشاره شده که وی مانند افلاطون، فرد، مدینه و عالم را روگرفت هم می دانسته و بر همین اساس، مبنای قوانین مدینه را هم بر اساس قوانین طبیعی دانسته و درست بر همین اساس است که سیاست او مبتنی بر اخلاق است، چون مبنای ثابتی دارد.

در چهار بخش بعدی، به ابن سینا و نقش و اهمیت او در تاریخ فلسفه اسلامی پرداخته می شود. این که چرا باید به ابن سینا احترام گذاشت و اصولاً آیا کار فیلسوف مانند دانشمندان باید کارایی داشته باشد تا ارزشمند شود. این مطلبی است که در «هم سخنی با ابن سینا» و به صورت دیالوگی نوشته شده هم دیده می شود. همچنین در آنجا نشان داده می شود که چگونه می توان با هم سخنی با فیلسوفان، راه های زیست ممکن در آینده و حال را گسترش داد.

نویسنده در بخشی دیگر به ابن رشد به عنوان آموزگار تجدد می پردازد. او در این بخش به بررسی علت نپرداختن به ابن رشد در شرق عالم اسلام

روی موافقت ندارد، برداشتی یکسره نادرست است و طرفه آن که مبنای نگرش بسیاری از اندیشمندان مسلمان معاصر هم قرار گرفته است. به نظر وی، سوادی پیوستن به تجدد، مجال نداد این افراد تامل کنند که شبهه تعارض میان اسلام و علم از کجا آمده است.

از این میان، برخی برای توجیه رکود مسلمانان، این تعارض را به ذات اسلام برگرداندند و برخی دیگر به آمیزش آن با عناصر یونانی و منحرف شدن اسلام، اما نکته اینجاست که ما تاریخ نمی خوانیم تا در گذشته خود چیزی را خوب و چیزی را بد بدانیم. گذشته ما هر چه باشد، متعلق به ماست یا ما به آن تعلق داریم و باید آن را به عهده بگیریم.

نکته دیگری که نگارنده در اثبات علم دوستی اسلام بیان می کند، زبان خاص قرآن مجید است؛ زبانی که نه خبری و نه انشائی که زبانی تذکرآمیز است؛ زبانی که انسان را همواره به تامل وامی دارد.

در پایان نیز نویسنده به خواننده تذکر می دهد که این توجه به گذشته علمی اسلام نه از باب تفاخر یا اکتفا به کار آنان است بلکه نکته این است که ما باید در نظام علم و فناوری کنونی سهمیم شویم و این شرکت در صورتی ممکن است که تکیه گاه استواری در تاریخ داشته باشیم و با تامل، بصیرت و درک امکان های خود و به ویژه با تذکر به فاصله تاریخی که میان عالم جدید و عالم علمی نیاکان ما به وجود آمده، به استقرار نظام علم و فناوری اهتمام ورزیم.

داوری اردکانی در بخش بعدی کتاب «نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی» با عنوان «مقام تاریخی فلسفه در دوران اسلامی» به این بحث می پردازد که در چه شرایطی و چگونه، فلسفه به عالم اسلام راه یافته است. وی بر این اساس نشان می دهد که فلسفه در اسلام درست مانند یونان پس از استقرار در مدینه وارد می شود و درست به همین خاطر است که برخلاف عالم جدید - که سیاست و مدینه آن بر اساس فلسفه شکل گرفته است - در اسلام مانند یونان این اتفاق نیفتاده است. پس باید دید حال که مدینه اسلامی بر اساس فلسفه شکل نگرفته، اول فلسفه چه جایگاهی در آن دارد و دوم این که در نسبت با عالم جدیدی که در آن زندگی می کنیم و بر پایه فلسفه شکل گرفته، فلسفه اسلامی با آن چه تعاملی می تواند انجام دهد.

نویسنده در بخش بعدی نیز به این ایده کلی می پردازد که تاریخ فلسفه اسلامی، تاریخ جمع دین و فلسفه است اما نه به این معنی که اینها یکی اند بلکه به این معنی که مقصد و غایت هر دو (اسلام و فلسفه اسلامی) یکی است؛ اما برداشت هر یک از مبدا خود و نسبتشان با مردم و با هم متفاوت است.

بالاخره پس از ۵۰ سال استادی دانشگاه تهران و نوشتن کتاب های متعدد، انتشارات دانشگاه تهران هم کتابی از دکتر رضا داوری اردکانی به چاپ رساند. «نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی»، مجموعه یادداشت هایی پرسشگرانه و تامل برانگیز درباره تاریخ فلسفه اسلامی است.

همان طور که نگارنده خود به آن اشاره دارد، کتاب نه یک تاریخ فلسفه به معنای آموزشی و دادن اطلاعاتی تاریخی و موضوعی، که مجموعه تاملاتی است بر این سیر تاریخی با پرسش هایی معین و به منظور هم سخنی با تاریخ اندیشه در عالم اسلام، تا شاید بتوان از آن نتایجی برای مشکلات امروز و اکنون عالم اسلامی به دست آورد.

کتاب بیست و دو بخش دارد که در آن از نخستین آشنایی مسلمانان با فرهنگ های دیگر تا آخرین نمایندگان فلسفه اسلامی سخن رانده شده است.

### تمهیدات

نگارنده در چهار بخش نخست کتاب، بر آن است تا با زمینه سازی های گوناگون، راه بحث خود را در ادامه کتاب هموار کند و به همین خاطر، خواننده در این چهار بخش با مباحثی کلی روبه روست که تا پایان کتاب با آنها درگیر خواهد ماند در نتیجه بهتر است که نخست به آنها پردازیم. برای شروع بهترین گزارش، به نظر همان چیزی است که نگارنده در ابتدای بخش اول کتاب به نام «اسلام و علم دوستی» آورده است: «تاریخ اسلام صرف تاریخ توسعه جغرافیایی دین مبین نیست، بلکه تاریخ ظهور و بسط علم و فرهنگ و ادب معارف در خشان مردمی است که با استفاده از توحید و وحی محمدی (ص) برای اولین بار به صورت منظم و سازمان یافته، علوم و معارف تمدن های سلف آشوری، کلدانی، ایرانی، مصری، یونانی و رومی را فراگرفتند و در حکمت، ریاضیات و نجوم و در علوم مناظر و مریا و کیمیا و جغرافیا و تاریخ سرآمد شدند و هنر و ادب و معرفتی بنا نهادند که تا تاریخ بشر وجود دارد، زندگی از فروغ آن گرمی و نشاط می گیرد.»

با بیانی ای اینچنین پرشور درباره نقش تاثیر گذار مسلمانان در تاریخ بشر، می توان انتظار داشت که در دیگر بخش های کتاب نیز مبنای نگرش به نسبت اسلام و علم و تاریخ و گذشته و آینده نه نسبتی منفعل و مقلدانه، که نسبتی فعال، آفرینشگر و تاثیر گذار است و این همان چیزی است که نگارنده بسیار بر آن تاکید دارد. از جمله، در فصل آغازین که تمامی کوشش وی بر آن است تا نشان دهد که این پیش فرض و برداشت تاریخی غربیان از اسلام به عنوان دینی خشن و زمخت که با علم و تحقیق

## تأملاتی بر فلسفه اسلامی



دکتر داوری اردکانی در مقدمه کتاب خود دو پرسش اساسی مطرح می کند که به گمان وی در توجهش به تاریخ فلسفه اسلامی، هرگز آنها را فراموش نکرده و نزد هر فیلسوفی که رفته، آنها را با خود برده است که به اقتضای رعایت ادب، به طور صریح یا سر بسته آنها را هم عنوان کرده است. از این رو برای فهم کتاب وی و در دست داشتن رشته ای که کل کتاب را به هم متصل می کند، باید این دو پرسش را همواره در نظر داشته باشیم که عبارتند از:

۱- چرا از میان همه اقوام و ملل، در زمانی که دوره فلسفه یونانی به پایان رسیده بود، مسلمانان آن هم ایرانیان مسلمان به آن رو کردند؟

۲- حاصل رویکرد مسلمانان و ایرانیان به دانش و فلسفه یونانیان و اقوام دیگر چه بوده و علم و فلسفه با آن چه صورتی پیدا کرده است؟ نویسنده «نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی» بر این باور است که این کتاب نگارش تاریخ فلسفه اسلامی نیست بلکه سیری در این تاریخ برای آشنایی با آن و یافتن پاسخ این دو پرسش است. در واقع، وی در پی آن است تا دریابد فلسفه اسلامی چه مناسبتی با زمان دارد یعنی این که ما چه نسبتی با آن داریم و از آن چه می توانیم بیاموزیم. در این نگاه، فلسفه اسلامی نه امری متعلق به گذشته که امری مربوط به اکنون و اینجاست و به همین خاطر باید در نسبت با مقتضیات زمان حال به آن پرداخته شود.

نگارنده در ادامه به خواننده اش نشان خواهد داد که اسلام بر خلاف تصور مستشرقان، نه تنها با علم بیگانه نیست، بلکه علم آموزی، یکی از مهم ترین دلایل پرداختن مسلمانان به اندیشه اقوام دیگر است. از نتایج آن نیز شکوفایی علم و دانش در اسلام و زمینه سازی

برای فراهم شدن بنیان های علم و دانش جدید در اروپای پس از رنسانس است. در نگاه وی، مسلمانان صرفاً کسانی نبوده اند که با ترجمه و تقلید صرف از آنچه ترجمه کرده اند تنها نقش منتقل کننده ای بی تاثیر را در تاریخ بازی کنند بلکه آنها، آنچه را به دست آوردند بنا بر نیازهای خود تغییر دادند و پربار کردند و درست به همین خاطر نیز راه را برای فراهم آمدن علم جدید فراهم کردند. چراکه روش و بینش مسلمانان و متفکران جهان اسلام در نگرستن به پیشینیان، امری ویژه بود که در سیر دانش از مسلمانان به اروپا این روش و بینش بسیار تاثیر گذار بود نه صرف موضوع ها و مسائل علمی که به آن پرداخته بودند.

کتاب «نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی»، اثری است بسیار چالش برانگیز و متاملانه که کمترین کاری که با خواننده انجام می دهد، این است که او را در تاملی طولانی نسبت به پیش فرض های خود از اسلام، تاریخ و فلسفه اسلامی فرو می برد.



میان همه مجموعه‌های تلویزیونی که قرار است در ماه مبارک رمضان از شبکه‌های سیما پخش شوند، «نردبام آسمان» بیش از همه جذاب می‌نماید. چرا که به زندگی و زمانه غیاث‌الدین جمشید کاشانی ریاضیدان و منجم مشهور ایرانی در قرن نهم می‌پردازد. از سویی، تقارن دوران زندگی او با حکومت تیموریان در ایران، که از نظر رشد و شکوفایی علم، هنر و عرفان بی‌بدیل است، بر این جاذبه می‌افزاید. به بهانه نمایش این مجموعه در ماه مبارک رمضان، درباره این مجموعه و مشخصات فیلمنامه‌های تاریخی با حامد عنقا فیلمنامه‌نویس آن گفت‌وگو کرده‌ایم. آن هم در شرایطی که چند روز مانده به پخش مجموعه از شبکه یک، در استودیوی صداگذاری این مجموعه جای سوزن انداختن نبود و ناچار شدیم در دفتر تهیه‌کننده دیگری او را ملاقات کنیم! به اعتقاد عنقا، زمانی که قرار است زندگی یک شخصیت تاریخی را به تصویر بکشیم، در اصل درباره یک دوره تاریخی می‌نویسیم که صدها مسأله ریز و درشت اجتماعی، ادبی و علمی دارد.

## گفت و گو با نویسنده فیلمنامه نردبام آسمان

# بهانه‌ای برای روایت تاریخ علم و الهیات

شخصیت‌پردازی براساس آن انجام شده است. درباره خود این شخصیت، کمتر نوشته‌ای وجود دارد و هرچه هست درباره کارهای علمی اوست. بنابراین باید برای شخصیت‌پردازی او از تخیل استفاده کنیم. یکی از مشکلاتی که کارهای تاریخی با آن روبه‌رو هستند، مسأله زبان و گویش شخصیت‌هاست. «نردبام آسمان» از منظر زبان چگونه نوشته شده است؟

برای از کار درآوردن زبان یک فیلمنامه تاریخی، باید قرینه‌سازی کرد. برای روشن شدن بحث مثالی می‌زنم؛ صدای مظفرالدین شاه هنگام قرائت فرمان مشروطیت موجود است، خاطرات اعتمادالسلطنه و سفرنامه ناصرالدین شاه هم وجود دارند اما دیالوگ‌هایی که علی حاتمی از این دوره تاریخی می‌نویسد، با این منابع متفاوتند چون او از این منابع استفاده می‌کند و زبانی را می‌آفریند که بیننده با شنیدن آن فکر می‌کند در آن دوره تاریخی است.

من هم به عنوان یک فیلمنامه‌نویس، علاوه بر توجه به زبان تذکره‌ها، مقامات، مناقب، سفرنامه‌ها و تک‌بیت‌های فرهنگ عامه هم عصر غیاث‌الدین، با توجه به شیوه‌هایی که بزرگانی مثل بیضایی، خلیج، رادی و حاتمی به کار گرفته‌اند، زبان این کار را بازسازی کردم. غیاث‌الدین فرزند کوچه و بازار است و هرگز در دارالحکومه زندگی نکرده است. بنابراین زبان او زبان مرد عالمی است که به مردم کوچه و بازار تعلق دارد.

کار جدید ما در این فیلمنامه رسیدن به نوعی از زبان محاوره بود که مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار کند. این دیالوگ‌ها به راحتی در قرن هشتم و نهم هجری می‌گنجند اما محاوره‌ای هم هست و حسن شخصیت‌ها در زمان ادای دیالوگ بر هر چیزی ارجح است. برای نوشتن این دیالوگ‌ها با استادان ادبیات و زبان‌شناسی مشورت کرده‌ام و فکر می‌کنم تجربه خوبی است که می‌تواند به پایه‌ای برای دیالوگ‌نویسی در مجموعه‌های تاریخی تبدیل شود.

**دیدگاه محمد حسین لطیفی در این فیلمنامه چقدر تاثیرگذار بوده است؟**

در طول این کار از مشورت او بسیار استفاده کردم و با هم به نوعی هم‌زمانی رسیدیم که محصول ساعت‌ها بحث و جدل بود. داستان مجموعه، صد درصد همان چیزی است که روی کاغذ آمده و فقط جزئیاتی تغییر کرده که با مشورت من اتفاق افتاده است. «نردبام آسمان» از معدود کارهایی است که فکر کارگردان و نویسنده آن از لحظه شکل‌گیری طرح به هم گره خورده است.

**فکر می‌کنید مردم از این مجموعه چطور استقبال کنند؟**

امیدوارم با تمام نوجویی‌ها و ریسک‌های این کار، مخاطب با آن همراه و با تاریخ مانوس تر شود. من شناخت لطیفی را نسبت به مخاطب دست‌کم نمی‌گیرم و معتقدم که حضور او در ترمیم نگاه مخاطب به مجموعه‌های تاریخی، موثر است. البته در این مجموعه مباحثی مطرح می‌شوند که شاید خارج از حوصله تماشاگر یک مجموعه مناسبی باشد، اما فکر می‌کنم اگر مخاطب حوصله کند و با داستان این مجموعه همراه شود، تاثیر متفاوتی روی او خواهد گذاشت. قطعاً نمی‌توان انتظار داشت که مخاطبان آن مثل یک مجموعه طنز، لطیف و وسیعی داشته باشند اما فکر می‌کنم اقبال به آن بیش از دیگر کارهای تاریخی خواهد بود.



تحقیقات ما به کتاب‌های جمشید کاشانی محدود می‌شود که توسط خودش نوشته شده و نسخه‌هایی از آنها در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی موجود است. درباره او کتاب‌های زیادی وجود دارد که توسط معاصرینی مانند مرحوم قربانی، پرویز شهریاری و یونس کرامتی نوشته شده‌اند. در کنار اینها نامه‌های او به پدرش هم موجود است و در سفرنامه‌های معاصران او هم، به شخصیت علمی اش اشاراتی شده است. ضمن این که درباره دوره تیموری و زمانه الغ بیگ هم در منابعی مانند «نقایس الفنون» اشاراتی وجود دارد. در این دوره، همچنین به خاطر رواج عرفان و تصوف بارشده تذکره‌نویسی و مقامه‌نویسی روبه‌رو هستیم که همه این منابع به اضافه ادبیات دوره تیموری، برای نوشته شدن فیلمنامه این مجموعه مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، فکر می‌کنم برای نوشتن فیلمنامه یک کار تاریخی نباید فقط خود را به شخصیت اصلی معطوف کنیم و احاطه به زمانه او اهمیت بیشتری دارد. باید از تمامی این منابع، کلیدواژه‌هایی را برای استفاده در فیلمنامه استخراج کنیم و تا جایی که ممکن است، بین اطلاعات مختلف نخ تسبیحی به وجود بیاوریم و داستان خود را از زندگی یک شخصیت تاریخی بنا کنیم.

**تخیل در نوشتن چنین فیلمنامه‌هایی، چه نقشی دارد؟**

در کارهای تاریخی هم با تخیل روبه‌رو هستیم. چون ما داریم درباره یک شخصیت‌یابک واقعه تاریخی، قصه‌ای را روایت می‌کنیم و این کار به هیچ وجه به معنی گزارش‌نویسی و مستندسازی عین واقعه تاریخی نیست. چون قرار است براساس این فیلمنامه یک مجموعه تلویزیونی ساخته شود که در درجه اول، مخاطب آن می‌خواهد یک داستان بشنود و در درجه دوم، می‌توان روایتی از یک دوره مهم تاریخی ارائه کرد. پس جذابیت در چنین روایتی در اولویت اول قرار داد و تخیل هم شرط آن است.

به کار بردن تخیل، نه تنها در مواردی که تاریخ سکوت کرده است، بلکه در همه مسائلی هم که در تضاد با اصل تاریخی واقعه نباشد، مجاز است. کما این که همه آنچه در نردبام آسمان هست، تاریخ نیست. ما برای این که بتوانیم قوس زندگی یک شخصیت را نمایش دهیم داستانی طراحی کرده‌ایم که

علاقه داشت و زمینه این شکوفایی را فراهم کرد. جمشید کاشانی از این امکان بهره برد و با جان و دل تلاش کرد و رصدخانه‌ای ساخت که خرابه‌های آن در بیرون شهر سمرقند امروزی، نشان می‌دهد چه کار عظیمی بوده است.

شکوفایی در این دوره تاریخی منحصر به علم نیست. همان‌طور که سمرقند در دوره حکومت الغ بیگ به پایتخت علمی ایران تبدیل شد، هرات توسط بایسنقر میرزا، پسر دیگر شاهرخ به مرکز بزرگی برای نگارگری تبدیل شد؛ کاشان، اصفهان و شیراز پایگاه فکری، فلسفی و کلامی و کرمان به مرکزی برای رشد الهیات و عرفان بدل شدند. همین دلایل برای اهمیت شناساندن این دوره تاریخی کافی‌اند.

**شیعی بودن این شخصیت و مرگ او همزمان با وفات امام علی (ع) چه نقشی در انتخاب زندگی او برای این مجموعه تاریخی داشت؟**

وی از معدود شخصیت‌هایی است که در تشیع او تردیدی نیست. کاشانی از معدود نویسندگان علمی ماست که رساله‌هایی به فارسی دارد و در ابتدای آنها، پس از حمد و ثنای خداوند و رسول اکرم (ص) ائمه هدی را هم مورد سپاس قرار می‌دهد و تردیدی باقی نمی‌گذارد که یک شیعه اثنی‌عشری است. کاشان هم که محل تولد او است، از پایگاه‌های تشیع بوده است. اما وفات او - یا با توجه به قربانی که وجود دارد، توطئه‌ای که منجر به کشته شدن او شد - همزمان با ضربت خوردن یا شهادت امام علی (ع) اتفاق افتاده است و اگرچه توطئه‌کنندگان به این تقارن توجهی نداشتند، اما این تقارن روح عجیبی به کار ما تزریق کرد. وقتی من نویسنده‌بانم که سرنوشت این شخصیت چیست، مسلماً زمان تولد او را هم طوری می‌نویسم که آمیخته با روح علی ابن ابی‌طالب باشد.

**در فیلمنامه‌نویسی یک کار تاریخی چگونه باید از منابع تاریخی استفاده کرد؟**

ضعف بزرگی که بیشتر فیلمنامه‌های تاریخی ما با آن روبه‌رو هستند، ضعف تحقیق است. برخی از فیلمنامه‌نویسان کارهای تاریخی، با این کارها هم مثل دیگر کارها برخورد و به چند منبع محدود بسنده می‌کنند. اما زمانی که قرار است زندگی یک شخصیت تاریخی را به تصویر بکشیم، در اصل باید به این نکته توجه کنیم که باید درباره دوره تاریخی‌ای بنویسیم که صدها مسأله ریز و درشت اجتماعی، ادبی و علمی دارد.

درباره «نردبام آسمان» تنها بخش کوچکی از

فکر نمی‌کنید مجموعه «نردبام آسمان» که نزدیک به سه سال برای آن کار شده، در یک پخش مناسبی به خوبی دیده نمی‌شود؟

در این سال‌ها، کار مناسبی بار منفی پیدا کرده است و به نوعی کار دم دستی معنی می‌شود، اما مناسبت ماه مبارک رمضان به این دلیل که مخاطبانی با حال و هوای خاص این ماه دارد، با مناسبت‌های دیگر متفاوت است. از طرف دیگر، کارهای مناسبی بالاترین میزان مخاطب را دارند و این امکان را فراهم می‌کند که افراد زیادی یک مجموعه تلویزیونی را ببینند.

این سومین ماه رمضان است که من، محمد حسین لطیفی (کارگردان مجموعه) و محسن علی اکبری (تهیه‌کننده) درگیر پروژه «نردبام آسمان» هستیم و به عقیده من پخش این مجموعه در ماه رمضان، می‌تواند تجربه جدیدی در عرصه مجموعه‌های مناسبی باشد و سبب شود که کیفیت این نوع کارها چند قدم پیش برود و به بازیگری، کارگردانی، فیلمنامه، طراحی صحنه و دیالوگ‌نویسی آنها توجه ویژه‌ای شود.

البته من هم موافقم که اگر این کار در مجال دیگری پخش می‌شد، بهتر دیده می‌شد، چون «نردبام آسمان» به تاریخ علم و الهیات ایران زمین می‌پردازد و تماشاگر را برای روبه‌رو شدن با مفاهیم جدی آماده می‌کند. این را هم انکار نمی‌کنم که یک کار جدی تاریخی ممکن است نسبت به مجموعه‌های دیگری که داستان روز دارند، تماشاگر کمتری داشته باشد اما ارزشش را دارد که روی کارهای شبیه این، کار کنیم.

**شخصیت غیاث‌الدین جمشید کاشانی و دوره تاریخی‌ای که در آن می‌زیست، چه ویژگی‌هایی داشت که دستمایه این کار تاریخی قرار گرفت؟**

غیاث‌الدین جمشید کاشانی، ریاضیدانی است که نسب علمی او به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد و در علم ریاضیات ابداعاتی دارد که تا امروز در جهان زبانزد است اما متأسفانه برای شناخت ابعاد مختلف شخصیت علمی او، باید از منابعی کمک بگیریم که غربی‌ها درباره او نوشته‌اند. او که در اروپا به الکاشی معروف است، نزد ریاضیدانان آلمان، فرانسه و سوئد شخصیت بسیار شناخته شده‌ای است. محاسبه عدد پی در ۱۷ رقم و کارهایی که او در معادلات ریاضی انجام داده در تاریخ علم جهان اهمیت زیادی دارند.

او، ضمن ابداعاتی هم در ساخت و طراحی وسایل نجومی دارد. نجوم پس از حمله تیمور به ایران، امکان رسیدن به اوج را پیدا کرد و جمشید کاشانی از عالمان این علم بود و بعد از او، علم نجوم به عرصه جدیدی وارد شد.

در دوره‌ای که حمله وحشیانه‌ای به ایران شد، کسانی پیدا شدند که دوره زوال و انحطاط را به زمانه شکوفایی علمی، ادبی، هنری و عرفانی تبدیل کردند و کاشانی یکی از این افراد بود. اهمیت این دوره تاریخی زمانی بیشتر مشخص می‌شود که آن را با اروپای میانه آن دوران مقایسه کنیم. مقارن با دوره تیموری، در اروپا شاهد انحطاط علمی و فشار زیادی هستیم که منجمان و ریاضیدانان اروپایی متحمل می‌شوند اما دانشمندان ایرانی در همین زمان، به رشد و اوج رسیدند و ایران در آن زمان، تنها نقطه جهان بود که تولید علم می‌کرد و سمرقند پایتخت این شکوفایی علمی بود. الغ بیگ (پسر شاهرخ تیموری و گوهرشاد آغا) از معدود شاهزادگان اقوام مهاجم است که به شدت به علم

**غیاث‌الدین جمشید کاشانی که در اروپا به الکاشی معروف است، نزد ریاضیدانان آلمان، فرانسه و سوئد بسیار شناخته شده است. محاسبه عدد پی در ۱۷ رقم و کارهایی که در معادلات ریاضی انجام داده در تاریخ علم با اهمیت است**



نگاهی به دو رمان «تورگنیف خوانی» و «سفر فلیشا» اثر ویلیام ترور

# نویسنده‌ای از اعماق ایرلند



«داستان‌های من شاید، هر از گاهی، جنبه‌هایی از موقعیت‌های بشری را به تصویر بکشد، اما باید بگویم که از روی عمد این کار را انجام نمی‌دهم، من قصه‌گویی بیش نیستم.»

هنگامی که ویلیام ترور، نویسنده ایرلندی، این جمله را می‌نوشت احتمالاً نمی‌دانست چند سال بعد، دختری بیست و چند ساله شخصیت اصلی داستانش شود که برای فرار از زندگی کسالت‌بار و یافتن عشقی ابدی حاضر شود با مردی ازدواج کند که او را اصلاً نمی‌شناسد. داستان «تورگنیف خوانی» ویلیام ترور در سال ۱۹۹۱ به چاپ رسید و در همان سال جایزه بوکر را به خود اختصاص داد.

این رمان، داستان همان دختر بیست و چند ساله است که تمام سال‌های زندگی را در مزرعه خانوادگی‌شان سپری کرده و به دنبال فرار از زندگی کسالت‌بار در مزرعه پدری است؛ هنگامی که المر کوری صاحب دکانی در شهر از او می‌خواهد که با هم به سینما بروند و مری لوتیس آشکارا خود را در ابتدای راهی روشن برای فرار از آن زندگی و آغاز خوشبختی می‌بیند. بعد از مدتی کوتاه المر کوری از مری لوتیس درخواست ازدواج می‌کند. در ماه غسلشان، مری لوتیس متوجه می‌شود که همسر جدیدش نه تنها فردی دنیا دیده نیست بلکه از او هم بی‌تجربه‌تر است. تنها تفاوت فاحش این اشتراک آن است که المر حتی تلاشی برای یادگیری از خود نشان نمی‌دهد. ماه غسل آن دو ابتدای عادت روزمره المر برای اعتیاد به الکلی نیز هست. مری لوتیس در خانه همسر جدیدش خود را در بین دو خواهر خرده‌گیر المری می‌یابد که از هر چیز کوچکی بهانه می‌سازند تا از عروس تازه ایراد بگیرند. در این بین، مری لوتیس رابطه دوستانه‌ای با پسر عموی خود برقرار می‌کند که فردی است علیل و نقاط مشترک فراوانی با مری دارد. مری هم به ناچار برای فرار از ازدواجی محکوم به شکست، تظاهر به دیوانگی می‌کند.

آیا مری لوتیس ترجیح می‌دهد همسرش را رها کند و در دنیای فانتزی خود زندگی کند؟ آیا مری لوتیس واقعا دیوانه است یا این تنها راه حلی است که او را از این مخصصه نجات می‌دهد؟ اگر مری لوتیس تنها شخصیت پر رمز و راز داستان نیست، کدام شخصیت‌ها در پشت رازهای خود پنهان شده‌اند؟

ویلیام ترور، نویسنده رمان و داستان‌های کوتاه در سال ۱۹۲۸ در میچلستون، شهر کوچکی در جمهوری ایرلند به دنیا آمد. او بعد از اتمام تحصیلاتش مدتی به عنوان معلم و سپس به عنوان آگهی‌نویس در یک شرکت تبلیغاتی شروع به کار کرد اما از سال ۱۹۶۵ نویسنده‌ای را به عنوان حرفه تمام‌وقت، پیشه اصلی خود قرار داد که هر از گاهی هم نمایشگاهی از مجسمه‌های دست‌ساز خود در دوبلین و لندن در معرض دید بینندگان قرار می‌داد و نخستین رمانش در سال ۱۹۵۸ با نام «رفتر استاندارد» چاپ شد.

داستان‌های ترور، اغلب پراست از کم‌دی سیاه و شخصیت‌های عجیب و غریب و نامتعارف با انحرافات جنسی که معمولاً در بستر تاریخ و سیاست ایرلند یا انگلیس اتفاق می‌افتد. او درگیری‌های بین زمین‌داران پروتستان و اجاره‌نشینان کاتولیک ایرلندی

یادداشت

الیه دهنوی

مترجم آثار ترور



نویسنده‌پردازان



ویلیام ترور کاکس؛ نویسنده ایرلندی پس از سال‌ها حضور در عرصه ادبیات داستانی، به یکی از چهره‌های برجسته ادبیات انگلیسی تبدیل شده است. ترور نویسنده‌ای است که محل زندگی و مکان وقوع

داستان‌هایش میان سرزمین مادری اش، ایرلند و انگلستان - که برای زندگی برگزیده - تقسیم شده‌اند. او سال‌هاست در انگلستان زندگی می‌کند ولی ایرلند همواره حضور پررنگی در آثارش داشته است. ترور، ایرلندی را به تصویر می‌کشد که تجربه چند ساله استعمار را بر دوش می‌کشد و تاثیر این گذشته را در تجربه ایرلند امروز به خوبی نشان می‌دهد. او در قبال سرزمین مادری و مصیبت‌هایی که بر آن رفته، احساس تعهد می‌کند ولی این حس تعهد باعث نشده که نگاهی متعصبانه و زبانی شعارگونه داشته باشد. ترور در انتخاب شخصیت‌های داستان‌هایش به بخش خاموش جامعه توجه دارد، یعنی همان افرادی که به حاشیه رانده شده‌اند. درک فضاهای داستانی ترور برای خواننده فارسی بسیار آسان است چون دغدغه‌های فرهنگی مشترکی با شخصیت‌ها پیدامی‌کند. نگاه‌تیزبین و هوشمندانه ترور به وضعیت انسان، شرایطی را در داستان به وجود می‌آورد که خواننده فرصت پیدا می‌کند از دریچه‌ای متفاوت (چیزی شبیه نگاه یک روان‌شناس باتجربه) به ذهنیات شخصیت‌ها بنگرد. نمونه این نگاه واکاوانه در رمان «تورگنیف خوانی» دیده می‌شود. «تورگنیف خوانی» حکایت انسانی است که به رغم موقعیت اجتماعی بسته‌اش، طغیان می‌کند و دیوانه‌خانه را به زندگی حقیرانه و بی‌ارزشی که هیچ دلبستگی‌ای به آن ندارد، ترجیح می‌دهد. در ابتدای رمان زنی ۵۶ ساله را می‌بینیم که با ظاهری لاغر و نحیف گوشه‌میز نشسته و مشغول غذا خوردن است. او آرام نشسته و به جزئیات توجه می‌کند: «غذا را برایش آماده کرده‌اند؛ برش‌های نان، نیمرو و گوشت. زیر لب می‌گوید: خوب، خوشبختی اینه!»، نه، حقیقت چیز دیگری است. داستان چنین آرام‌پیش‌رفته‌ای حالا مری لوتیس اینچنین به آسودگی اظهار خوشبختی کند. او زنی است که ۳۱ سال از زندگی‌اش را در جایی گذرانده که هیچ شباهتی به خانه ندارد. مری لوتیس زمانی که زندگی‌اش را با آنچه آرزو دارد در تضاد می‌بیند، دنیایی آرمانی را تخیل می‌کند و با پناه بردن به آن تنفس می‌کند.

رمان «سفر فلیشا» حکایت فرصت‌های از دست رفته انسانی است گرفتار در محیط اجتماعی بسته‌ای که مبتنی بر پذیرش ارزش‌های سنتی کاتولیک است و در حقیقت نمونه دیگری از تعصبات حاکم بر زندگی شخصیت اصلی داستان، ملی‌گرای افراطی خانواده او و پیروی کورکورانه‌شان از قهرمانان مبارزات استقلال‌طلبانه ایرلند است. وقایع اوایل قرن بیستم چنان بر خانواده فلیشا در دهه ۱۹۸۰ سایه افکنده که مجالی برای دیدن امروز و نگرستن به آینده نگذاشته است. فلیشا می‌گریزد تا به مصیبتی که گرفتارش شده پایان بدهد. او در طول رمان و طی سفر، چنان غرق خیالات خویش است که با واقعیت را بد تفسیر می‌کند و یا مدام خود را می‌فریبد. فلیشا شخصیتی ملموس و قابل درک است، واقعی‌تر از آن است که به نوشته‌های روی کاغذ محدود شود. او پوست، گوشت و خون دارد.

جسارت ویلیام ترور در انتخاب مضامین و خلق شخصیت‌ها ستودنی است. او نویسنده‌ای است که خواننده‌اش را طوری مسحور داستان می‌کند که گویی آنچه در زندگی شخصیت‌ها می‌گذرد، بخشی از تجربه خود اوست.

فلاش‌بک‌های فراوانش یادآور سبک نامتعارف نوشتاری این رمان است. «سفر فلیشا» در همان سال انتشار، توانست جایزه «وایت برد» را برای نویسنده‌اش به ارمغان بیاورد.

این دو رمان در حالی که بیانگر نمونه کاملی از نبوغ ترور است، نشان‌دهنده قلمرو و حیرت‌انگیز نوشته‌های اوست که با هزار توه‌های پر رمز و راز و لبریز از شوخ‌طبعی، خواننده را دلسوزانه به دنبال خود می‌کشد. ویلیام ترور صاحب مجموعه چشمگیری از داستان‌های کوتاه است که بسیاری از آنها جایزه‌های ادبی را به خود اختصاص داده‌اند. داستان‌های کوتاه ترور، معمولاً دنبال‌رو سبک آنتوان چخوف؛ نویسنده روسی‌اند.

شخصیت‌های داستان حسرت‌کشیده‌اند و محکوم‌اند که زندگی را آن‌گونه که هست بپذیرند. شخصیت‌ها معمولاً از میان کودکان، مردان و زنان مجرد و قربانیان ازدواج‌های ناموفق انتخاب می‌شوند؛ کسانی که حقایق زندگی خود را باور ندارند و برای فرار از حقیقت، برای خود دنیاهایی خیالی، فانتزی و دور از حقیقت خلق می‌کنند.

خواننده در داستان‌های ترور، هجوم ناگهانی امیدواری را تجربه می‌کند اما داستان به گونه‌ای پیش می‌رود که به ناگه مشکلات بر تمام این لحظات غلبه می‌یابد. ویژگی اصلی داستان‌های ترور، مشکلات باور کردن حقایق برای شخصیت‌های داستان است، شناختن حقایق، رابطه برقرار

کردن با آنها و در نهایت پذیرفتن‌شان. نخستین کتاب‌های ترور از شخصیتی نامتعارف تشکیل شده که مقید به چارچوب‌های رفتاری است و با صدایی جدا از سایر شخصیت‌ها به شرح داستان می‌پردازد. این نویسنده در سال‌های اخیر رمان‌هایی بسیار پیچیده‌تر هم نوشته است. در حاشیه خواندن این رمان‌ها، خواننده صداهایی از جانب روایت‌کنندگان داستان که معمولاً چند نفرند، می‌شنود که اصلاً قابل اعتماد نیستند و از دید خود داستان را نقل می‌کنند و خواننده را با دلهره به دنبال خود می‌کشند. ترور معتقد است که ایرلندی‌ها از داستان لذت می‌برند، شاید چون از هر طبقه‌ای که باشند، داستان‌سرای برای آنها کاملاً غریزی است.

را در رمان «خانه بزرگ» آنقدر صریح و روشن بیان می‌کند که خواننده را به تعجب می‌اندازد. از داستان‌های کوتاه ترور معمولاً برای برنامه‌های تلویزیونی، نمایش‌ها و فیلم‌ها استفاده شده و مورد استقبال قرار گرفته است؛ داستان‌هایی چون «روزی که با یک مست شدیم» و چند داستان دیگر» (۱۹۶۷)، «سالن رقص عشق و داستان‌های دیگر» (۱۹۷۲)، «فرشته‌ها در ریتز و داستان‌های دیگر» (۱۹۷۵) و «ورای حد و مرز» (۱۹۸۱).

نوشته دیگر ویلیام ترور با نام «سفر فلیشا» در سال ۱۹۹۴ به چاپ رسید. «سفر فلیشا» داستان ساده‌ای است که خواننده را هوشمندانه با پیچیدگی‌های درونی خود درگیر می‌سازد. فلیشا نیز دختری ایرلندی است که به امید یافتن مردی (جاننی) که او را آبتسن رها کرده، به انگلیس می‌آید و در پی یافتن معشوقش با مرد دیگری (هیلدلیچ) با گذشته‌ای مبهم و خشونت‌بار آشنا می‌شود. سبک نوشتاری این رمان، آن را از دیگر آثار ترور متمایز می‌سازد. خواننده، سفر فلیشا را از دید همه شخصیت‌های داستان دنبال می‌کند تا هنگامی که هیلدلیچ وارد داستان می‌شود. بافت تاثیرگذار و نامتعارف داستان خواننده را در زوایای مختلف زمان قرار می‌دهد و داستان را جذاب‌تر می‌کند. در سال ۱۹۹۹ نیز فیلمی از این رمان، با همین نام توسط آتم آگویان تولید شد که به واسطه

## ترجمه‌های فارسی از ترور

رمان «تورگنیف خوانی» در سال ۱۳۸۶ با نام «سرگشته در دنیای تورگنیف» و با ترجمه الهه دهنوی در ایران منتشر شد. این کتاب در چاپ دوم به نام اصلی آن (تورگنیف خوانی) تغییر نام داد. «سفر فلیشا» هم امسال با ترجمه همین مترجم روانه بازار کتاب ایران شده است و ناشر هر دو کتاب نیز انتشارات مروارید است.

ویلیام ترور، نویسنده ایرلندی این دو کتاب که به تازگی با انتشار این دو اثر در ایران شناخته شده، امسال با رمان «عشق و تابستان» نامزد دریافت جایزه «من بوکر» شده است. این جایزه، ششم‌ا کتبر امسال اهدا می‌شود و ترور برای دریافت آن با ۱۲ نویسنده دیگر رقابت دارد. او پیش از این نیز یک بار در سال ۲۰۰۲ میلادی برای یکی از مجموعه داستان‌هایش به این جایزه دست یافته است؛ جایزه‌ای ۵۰ هزار پوندی که ارزش مالی آن در مقابل اعتباری که برای برنده آن به ارمغان می‌آورد، چندان هم چشمگیر نیست.



روایت  
اول شخص

## کتاب روستایی

■ کاظم سادات اشکوری، مردم شناس

«پژوهش مقدماتی در سه روستای شمال ایران» عنوان کاری تحقیقی در قطع وزیری و ۱۲۰ صفحه است که توسط انتشارات هزار در دست انتشار است. این کتاب از زاویه مردم شناسی موضوع های دامداری، پوشاک و ادبیات را در سه روستا که یکی از آنها در حال حاضر طبق تقسیمات جدید، بخشی از استان گلستان است و دو روستای دیگر از توابع استان گیلان را بررسی می کند.

این تحقیق مربوط به دورانی می شود که در مرکز مردم شناسی ایران کار می کردم. در آن مرکز دو شیوه برای تحقیق وجود داشت؛ یکی شیوه مونوگرافی بود که یک روستا را از دیدگاه مردم شناسی در فصل ها و دیدگاه های مختلف بررسی می کردیم و شیوه دیگر مربوط به زمانی می شد که به دلیل نداشتن فرصت، تحقیق فهرست وار و در برخی از موضوع ها انجام می دادیم. کتاب حاضر نتیجه تحقیق به روش دوم است.

## بچه ها مواظب باشید!

■ مهدی مرادحاصل، نویسنده کودک و نوجوان



سه کتاب با عنوان های «ستارگان درخشان»، «روش های صحیح تربیت» و «آن سوی دنیا را بنگر» را توسط انتشارات تربیت در دست انتشار دارم. «ستارگان درخشان» نگاهی دارد به دوران کودکی مخترعان، دانشمندان، بزرگان و افرادی که به نوعی در هر عصری در جامعه شان تاثیر گذار بوده اند. شخصیت هایی که در این کتاب به آنها پرداخته شده است، به زمان و مکان ویژه ای محدود نمی شوند و شخصیت های برجسته اسلامی، ایرانی و غربی را شامل می شوند.

پرداختن به زندگی این افراد در دوران کودکی از این منظر برای کودکان و نوجوانان اهمیت دارد که این شخصیت ها با تمام رنج هایی که در زندگی متحمل شده اند اما در نهایت توانسته اند به فردی موفق و تاثیر گذار در جامعه تبدیل شوند.

«آن سوی دنیا را بنگر» همان نهج البلاغه و دنیا و آخرت از نگاه حضرت علی (ع) است که به سبکی جدید و به صورت گزیده ای از مفاهیم سنگین این کتاب، خطبه ها و نامه های آن را برای نوجوانان و جوانان با عنوان هایی جذاب بیان می کند.

از آنجا که رشته من روان شناسی بوده «روش های صحیح تربیت» را برای مادرانی که فرزند پیش دبستانی و دبستانی دارند، تألیف کرده ام البته کتاب در بخش فرعی، شیوه های برخورد با دشواری های رفتاری کودکان را پوشش می دهد.

از سوی دیگر با توجه به کمبود کتاب هایی منطبق و مناسب با رشد کودک و وجود آثاری که گردآوری غیر تخصصی در این حوزه است، در حال آماده سازی «آموزش خلاق» در سه جلد برای گروه سنی پیش از دبستان هستم که مجموعه آموزش مفاهیم و مهارت های چشمی، حرکتی و اخلاقی، با توجه به توانایی رشدی و فکری کودکان را دارد. این سه جلد مستقل اما در ارتباط با یکدیگرند. ترجمه «اولین کتاب من درباره دنیا» به پایان رسیده و هفته آینده آن را به انتشارات تربیت خواهم سپرد. این کتاب ملیت های مختلف، آداب و رسوم کشورها، فرهنگ

و مختصات ویژه آنها را به زبانی ساده به کودکان پیش دبستانی آموزش می دهد. تاکنون ندیده ام کتابی در این زمینه منتشر شده باشد. اما کتاب دیگری با عنوان «بچه ها مواظب باشید» شامل توصیه های ایمنی درباره مسائلی که کودکان از نظر بهداشتی و ایمنی با آن مواجهند را در دست تهیه دارم که هنوز ناشری برای آن برنگزیده ام.

۲۲ شهریور قرار است مجموعه داستان جعفر ابراهیمی (شاهد) با عنوان «قلعه سنگ باران» را در سرای دائمی اهل قلم نقد کنم.

## داستانی برای «تهرانی ها»

■ امیرحسین خورشیدفر، نویسنده



به تازگی بازنویسی «قصه های شیخ اشراق» را به پایان رسانده ام که قرار است در مجموعه «یکی بود یکی نبود» توسط نشر پارسه منتشر شود. متن این اثر قابلیت های فراوانی داشت تا بازنویسی آن شبیه ساده نویسی در کتاب های درسی نباشد؛ بلکه یک چالش ادبی در متن ایجاد کند. اما امسال چاپ دوم نخستین مجموعه داستانم با عنوان «زندگی مطابق خواسته تو پیش می رود» توسط نشر مرکز منتشر شد.

از سوی دیگر، نگارش داستان بلندی با عنوان «تهرانی ها» به اتمام رسیده که در آینده نزدیک آن را به ناشر خواهم سپرد. این داستان حدود ۱۵۰ صفحه است و پیش تر بخش هایی از آن به صورت پاورقی در یکی از روزنامه ها منتشر شده بود. این داستان ساختار ویژه ای دارد، به شکلی که مجموعه ای از تکه های پراکنده زندگی شخصیت اصلی داستان در قلب رئال است و در حقیقت تصویر و بازنمایی حیات طبقه ای از جامعه است که شاید در هیچ نقطه دیگری جز تهران دیده نمی شود. داستان بلند دیگری را نیز در دست دارم که در مراحل پایانی تألیف قرار دارد و تا پایان تابستان، آن را برای انتشار به نشر چشمه می سپارم. «بوهنی ها» عنوان این داستان است که فضای تهران معاصر را در قالب شخصیت هایی جوان در ۱۲۰ صفحه توصیف می کند. می توانم بگویم جنس این کار با آثار قبلی ام کاملاً متفاوت است.

## خواب گنجشک ها

■ سید علی میرافضلی، شاعر

آخرین کتابی که از من منتشر شده، گزیده اشعار من با عنوان «تمام ناتمامی ها» است که توسط نشر تکا در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و در ۲۹۴ صفحه و هفت بخش منتشر شده و اشعار سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۶ را دربرمی گیرد.

اما مجموعه ای که در حال حاضر آماده انتشار دارم ولی هنوز تصمیم قطعی برای چاپ آن نگرفته ام، حدود ۵۰ قطعه از شعرهای نیمایی سروده شده در سه سال گذشته است که در مجموعه ای با عنوان «خواب گنجشک ها» گردآوری شده است.

یک مجموعه از کارهای پژوهشی را نیز در دست اقدام دارم که یکی از آنها تصحیح «رباعیات سنایی غزنوی» است که بر مبنای نسخه های جدیدی از رباعیات سنایی صورت گرفته است. کل کار دربردارنده ۷۵۰ رباعی است که حدود ۲۰۰ رباعی بیش از چاپ های پیشین و بر اساس نسخه های تازه یافته آورده شده است. این کار پژوهشی با اشراف دکتر شفیع کدکنی انجام خواهد شد.

همچنین تصحیحی از «رباعیات حامدبن ابی الفخر اوحدالدین کرمانی» را در دست دارم که بر اساس نسخه جدیدی که از این اثر در ترکیه فراهم آمده، انجام می شود. مجموعه رباعیات اوحد کرمانی حدود ۲۲۰۰ رباعی است که حدود ۲۰۰ رباعی نسبت به چاپ های پیشین اضافه تر دارد و ضبط های آن نیز اطمینان بخش تر است. امیدوارم این کار تا اوایل سال آینده آماده چاپ شود.

## شب های بی شعر

■ مهدی فرجی، شاعر

کتاب «شب بی شعر» را انتشارات تکا به تازگی در شمارگان ۸۰۰۰ نسخه روانه بازار نشر کرده است. این کتاب ۳۱۲ صفحه است و عموماً شعرهای کلاسیک مرا دربرمی گیرد که در چهار فصل و چندین دفتر تقسیم بندی شده است. این مجموعه شامل غزل، مثنوی، مثنوی غزل و قصیده های من از سال ۷۶ تا ۸۶ است. «شب بی شعر» را می توان گزیده شعرهای من به حساب آورد.

از نظر محتوایی، درونمایه اصلی غزل های مرا موضوع های عاشقانه تشکیل می دهد و شعرهای اجتماعی و آیینی نیز در آن به چشم می خورد. همچنین سعی کرده ام در قالب غزل به محتوایی عاشقانه - اجتماعی شعر «و چشم های تو باران» توسط انتشارات مرسل به چاپ دوم رسیده است و کتاب های «روسی باد را تکان می داد» و «زیر چتر تو باران می آید» برای چاپ دوم در دست اقدام است که به یاری خدا به زودی روانه بازار خواهد شد. «روسی باد را تکان می دهد» در سال ۸۶ برگزیده جشنواره شعر فجر شده و سال گذشته به جایزه کتاب زاگرس دست یافته است. «زیر چتر تو باران می آید» هم در سال ۸۷ در جشنواره شعر فجر برگزیده شده است.

## شبانه های ایشی گورو

■ خجسته کیهان، مترجم



«درباره ادبیات» عنوان مجموعه مقاله هایی از امبرتو اکو، زبان شناس، نظریه پرداز و رمان نویس ایتالیایی است که حدود ۹ مقاله از این مجموعه را ترجمه کرده ام و آماده انتشار است. مشهورترین رمان او «نام گل سرخ» است که سال ها پیش به فارسی ترجمه شده و در حال حاضر نایاب است. من نیز به تازگی کتابی را با عنوان «اسطوره سوپرمن» از این نویسنده ترجمه کرده ام که توسط نشر ققنوس منتشر شده است.

«نقد داستان سیلوی» عنوان یکی از مقاله هایی است که در این کتاب آمده و تنها دلیل من برای ترجمه این اثر بود. «سیلوی» داستانی است که توسط نویسنده ای فرانسوی به نام ژرار دونروال حدود ۱۵۰ سال پیش نوشته شده و نقدی که امبرتو اکو بر آن نوشته، نگاهی تازه به داستان نویسی را ایجاد کرده است.

در کنار این نقد تصمیم به ترجمه داستان «سیلوی» گرفتم و علاوه بر آن شرح کوتاهی درباره نویسنده را آورده ام که به این کتاب ضمیمه خواهد شد.

«تاریخچه مردگان» نیز یک رمان تخیلی از نویسنده ۳۵ ساله آمریکایی، کوین بروکمیر است که ترجمه آن را به پایان رسانده ام. این رمان که موضوعی جذاب و بکر دارد در زمان انتشارش برنده چند جایزه شد و با ترجمه آن، در حقیقت نویسنده جدید دیگری را در ایران معرفی کرده ام. هر دوی این کتاب ها آماده انتشارند و به زودی آنها را به ناشری خواهم سپرد.

همچنین ترجمه کتابی با عنوان «شبانه ها» اثر کازنو ایشی گورو نویسنده ژاپنی الاصل انگلیسی را در دست دارم که شامل پنج داستان بلند با درونمایه موسیقی است.

از سوی دیگر، ترجمه ام از رمان «مردی در تاریکی» آخرین اثر پل استر به تازگی توسط نشر افق منتشر شده که در مخالفت با جنگ است. ترجمه داستان «دانش و نداشتن» را نیز در نوبت دریافت مجوز دارم که نشر افق این کتاب را منتشر خواهد کرد. ترجمه ای از این داستان حدود ۳۰ سال پیش توسط پرویز داریوش صورت گرفته اما از آنجایی که این ترجمه قدیمی شده بود پیشنهاد ترجمه مجدد آن به من داده شد.

## یادداشت

غلامرضا اعوانی  
رئیس طرح تصحیح آثار ابن سینا



## ادای دین به ابن سینا



خیلی اسفبار است، در سراسر جهان آثار بزرگان علم و اندیشه بارها و بارها با چاپ های علمی و انتقادی، فهرست بندی مرتب و بر اساس آخرین تغییرات نسخه های یافت شده، تصحیح و منتشر می شوند؛ اما ما هیچ گاه به آثار بزرگان ایرانی بهایی نداده ایم.

گرچه برخی آثار اصلی ابن سینا منتشر شده اند اما تاکنون مجموعه آثار او به طور کامل منتشر نشده و حتی می توان گفت ۳۵ درصد این آثار حتی یک بار هم ترجمه و منتشر نشده اند. با دقت در آثار منتشر شده، نیاز این آثار به تصحیح دقیق و تبیی دوباره در آنها را درمی یابیم؛ تا آنجا که برخی از رسائل چاپ شده، اشتباهاتی بسیار بیشتر از نسخ خطی این آثار دارند.

باید این حقیقت را گفت که در تحقیق و تصحیح آثار شیخ الرئیس، ایرانیان سهم اصلی را ندارند و محققان مصری در این عرصه پیشانند، اگر هم برخی از آنها را منتشر کرده ایم، ناقص و مغلوط بوده اند؛ بی هیچ تصحیح علمی و معرفی نسخه. حتی جالب است بدانید که کتاب «شفا» ابن سینا در قرون وسطی (قرن ۱۲) به لاتین ترجمه شده و بر اساس آن چندین تصحیح انتقادی وجود دارد. معروف ترین این تصحیح ها در ۱۵ جلد با عنوان «ابن سینای لاتین» یکی از زیباترین تصحیح های انتقادی در این زمینه است که حتی اگر خواننده زبان لاتین هم نداند، از خواندنش لذت می برد. این کتاب بخشی دارد که تمام اصطلاحات لاتین و عربی کتاب را با اصل این اصطلاحات در زبان یونانی مقایسه کرده. سه فرهنگ لغت نیز بر اساس این تصحیح تألیف شده است.

از چهار، پنج سال پیش، یک پروژه داشتیم که به مناسبت هزاره درگذشت ابن سینا، آثار این اندیشمند بزرگ مسلمان را تصحیح کنیم و برای هزاره درگذشتش هم یک کنگره برگزار شود که در آن سال ها هر جا رفتیم، سرمان به سنگ خورد. تا این که دو سال پیش، کرسی ابن سینا را به موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران دادند و کمک مختصری هم شد. بالاخره با همکاری بهترین مصححان در این زمینه و ابن سینا شناسان، طرح کلید خورد و تصحیح آثار مسلم ابن سینا و نیز آثاری که منتسب به وی اند (حدود ۱۳۱ تألیف) آغاز شد که تاکنون تنها یک چهارم این آثار تصحیح و منتشر شده اند.

تصحیح انتقادی (انتخاب بر اساس بهترین و کامل ترین نسخه) در کشور ما سابقه زیادی ندارد اما در این طرح، قدیمی ترین و صحیح ترین نسخه های خطی آثار حکمی و فلسفی ابن سینا تهیه شد و کارشناسان متخصص در حکمت مشاء، به تصحیح علمی و انتقادی این متون با مقدمه ای کامل و تحقیقی و مطابق با معیارهای بین المللی پرداختند و طرح ادامه دارد (این پروژه ۸ تا ۱۰ سال به طول می انجامد).

طرح تحقیق و تصحیح انتقادی مجموعه آثار فلسفی و حکمی ابن سینا اهداف گوناگونی دارد؛ از جمله، عرضه منابع اصلی فلسفه ابن سینا در شکل متون تنقیح و تصحیح شده به شیوه علمی - انتقادی به جای متون مغلوط کنونی، ترویج فرهنگ تصحیح متون فلسفی و منابع اصیل و تهیه فهرست کامل نسخه های خطی ابن سینا.

وظیفه ای است بر دوش ما که در جهت انتشار آثار بزرگان گام برداریم. امیدوارم این طرح در معرفی ابن سینا، ادای دین نسبت به او و ایجاد شوقی برای درک فلسفه باشد.